

آموزش ابتدایی

رشد



برای آموزگاران دبستان، دانشجویان دانشگاه فرهنگیان و کارشناسان آموزشی
دوره ی هجدهم | مهرماه ۱۳۹۳ | شماره ی پی در پی ۱۴۲ | ۸۰ صفحه

هم سو با تحول

ویژۀنامه ی هم سو سازی برنامه ها و کتاب های درسی پایه ی چهارم ابتدایی
با برنامه ی درسی ملی جمهوری اسلامی ایران

- یادداشت سردبیر** / نفس در نفس مردان از پایه ی چهارم / اصغر ندیری / ۲
- گزارش** / برنامه ی درسی ملی، زیرنظام سند تحول بنیادین / فهیمه دهقان / ۴
- مقاله** / صلاحیت ها و شایستگی های آموزگار عصر حاضر / دکتر نیره شاه محمدی / ۸
- گفت و گو** / کیفیت بخشی به آموزش و مهارت هادر دوره ی ابتدایی / محمود دخیوی / ۱۴
- راهنمای معلم** / چرا آموزگار پایه ؟ / رضانیاتی / ۱۸
- گزارش** / روایت من از درسی که فهمیدم / رضانیاتی / ۲۰
- راهنمای معلم** / تربیت برای دستیابی به مراتبی از حیات طیبه / دکتر فریال آمار / ۲۴
- گفت و گو** / آموزش از طریق حل مسئله / سمانه آزاد / ۲۶
- گزارش** / ریاضی وارد زندگی می شود / نادر قوتی / ۲۹
- گزارش** / انشای ریاضی برای تدریس ریاضی / ۳۱
- راهنمای معلم** / هنر برای تقویت حواس و ظرفیت های نهفته / مینو آیت الهی / ۳۲
- پژوهش** / تربیت شنوایی با تقویت کاردستی و نقاشی / رحیم محمد مرادی / ۳۴
- راهنمای معلم** / این برنامه نیازمند فضا و امکانات است / طیبه ارشاد / ۳۸
- گفت و گو** / معلم ورزش جداگانه / ۴۲
- گفت و گو** / ابعاد تغییرات مطالعات اجتماعی پایه ی چهارم / ناصر بنی علی / ۴۴
- گزارش** / تحول باید در نگاه معلمان اتفاق بیفتد! / محمد دشتی / ۴۸
- راهنمای معلم** / درک خلقت و تعظیم خالق / دوست محمد سمیعی / ۵۲
- راهنمای معلم** / طرح درس علوم / مجید رجبی / ۵۶
- میزگرد** / زمینه محور شدن / معصومه حبیب پور / ۵۸
- گفت و گو** / از اسطوره هایمان بخوانیم / ۶۵
- مقاله** / بسته های برنامه ی درسی یا آموزشی / حمیدرضا شرف بیانی / ۶۷
- منظر وبلاگ نویسان** / مهر اعظم سنجری، شکوفه تبریزی، سید اسماعیل حسینی / ۷۰
- تجربه ی سبز** / جبران / تبارکه رجبی / ۷۷
- گفت و گو** / همراهی تا تحقق اهداف برنامه ی درسی / ۷۸
- نکته** / فلسفه ی تربیت و همراهی شما / ۸۰

وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

مدیر مسئول: محمد ناصری
سردبیر: اصغر ندیری
مدیر داخلی: فهیمه دهقان
ویراستار: لیلا بنی طباء خان آبادی
طراح گرافیک: علیرضا پور حنیفه

با تشکر از:
معاونت آموزش ابتدایی
وزارت آموزش و پرورش
و کلیه ی دفاتر و ادارات کل
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی

نشانی دفتر مجله:
تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۶۶
صندوق پستی ۱۵۸۷۵ / ۳۳۳۱
تلفن: ۸۸۸۳۹۱۷۸
۹-۱۱۶۱۱۶۱-۰۲۱ (داخلی ۳۷۵)
نمابر: ۸۸۳۰۱۴۷۸
وبگاه:
www.roshdmag.ir
پیام نگار:
ebtedayi@roshdmag.ir

تلفن پیام گیر نشریات رشد:
۸۸۳۰۱۴۸۲
کد مدیر مسئول: ۱۰۲
کد دفتر مجله: ۱۰۹
کد مشترکین: ۱۱۴
نشانی امور مشترکین:
تهران، صندوق پستی: ۱۶۵۹۵ / ۱۱۱
تلفن امور مشترکین:
۷۷۳۳۶۶۵۵ و ۷۷۳۳۶۶۵۶ - ۰۲۱
چاپ: شرکت افست (سهامی عام)

عکس روی جلد: اعظم لاریجانی

قابل توجه نویسندگان و مترجمان:

● مقاله هایی که برای درج در مجله می فرستید، باید با اهداف و رویکردهای آموزشی، تربیتی و فرهنگی این مجله مرتبط باشند و نباید قبلاً در جای دیگری چاپ شده باشند. ● مقاله های ترجمه شده باید با متن اصلی همخوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن باشد. چنان چه مقاله را خلاصه می کنید، این موضوع را قید بفرمایید. ● مقاله یک خط در میان، در یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا تایپ شود. مقاله ها می توانند با نرم افزار word و روی CD و یا از طریق رایانامه مجله ارسال شوند. ● نشر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود. ● محل قراردادن جدول ها، شکل ها و عکس ها در متن مشخص شود. ● مقاله باید دارای چکیده باشد و در آن هدف ها و پیام نوشتار در چند سطر تنظیم شود. ● کلمات حاوی مفاهیم نمایه (کلید واژه ها) از متن استخراج و روی صفحه ای جداگانه نوشته شوند. ● مقاله باید دارای تیتیر اصلی، تیتیرهای فرعی در متن و سوتیتیر باشد. ● معرفی نامه ی کوتاهی از نویسنده یا مترجم همراه یک قطعه عکس، عناوین و آثار وی پیوست شود. ● مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله های رسیده مختار است. ● مقالات دریافتی بازگردانده نمی شوند. ● آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان مجله نیست.

نفس در نفس مردان از پایه‌ی چهارم

اصغر ندیری

آموزش جدول ضرب از هیچ تلاشی فروگذار نکرد. خانم فخار، اگر هست خدا نگهدارش باشد، نمی‌گذاشت از انگشتانمان برای ضرب و محاسبه‌ی اعداد کوچک استفاده کنیم. پای تخته باید از حفظ پاسخ می‌دادیم. و به هر حال در آن روزها هر چه به پایان مدرسه و سال تحصیلی نزدیک می‌شدیم، بیشتر تب‌وتاب ورود به پایه‌ی پنجم و رویارویی با دنیای بزرگ‌ترها را داشتیم. دنیایی که هر کس از آن قصه‌ای داشت و با امتحان نهایی رنگ و بوی یک بحران را به خود می‌گرفت. ما کجا بودیم؟ آیا درسی یا فردی یافت می‌شد که

ما را آماده‌ی آشنایی و ورود به این مرحله سازد؟

آری، گذشت زمان و هم‌چنین آموزگار پایه‌ی چهارم! او همان مردی بود که می‌توانست در این تفاوت پایه و برهه ما را از جهان کودکی به مرحله‌ی پختگی در پایه‌ی پنجم و به اصطلاح خودمان دنیای بزرگ‌ترها رهنمون شود.

خیلی‌ها آرزوی شاگردی این آموزگار جوان را داشتند.

هر روز و در همسایگی کلاس او جنب‌وجوش دانش‌آموزان را در پی دادن درس یا آوردن گچ و پاک کردن تخته سیاه رنگ‌ورو رفته و ترک ترک می‌دیدیم. ما بچه‌ها همیشه از خود

هر چه می‌خواستیم به او فکر نکنم، نمی‌شد. پایه‌ی اول را در دبستانی که او بود با دو مدیر گذراندم. اولی با هیبتی پدرا نه و شخصیتی علمی بود که پایان دوره‌ی کاری‌اش را من دیدم و دومی آدمی دمدمی بود که ترکه در دست داشت و با ابروهای پرپشت مانند بعضی شخصیت‌های فیلم‌های کارتون‌ی، بچه‌ها با دیدنش قالب تهی می‌کردند و این همه مدام پیش چشمانم می‌گذرد و با عبور از مقابل ساختمان فرسوده‌ی دبستان یادآوری می‌شود.

در پایه‌ی دوم ابتدایی هنوز صدای خانم جواهری بیش از چهره‌اش در خاطر من هست. هر بار که قاب این کلاس در صفحه‌ی ذهنم پدیدار می‌شود، فریاد خانم جواهری هم در گوشم زنگ می‌زند. درس علوم بود و اینکه دو قطب آهن‌ربا را با حروف S و N انگلیسی معرفی می‌کردند و ما با آن بیگانه بودیم و یا معرفی جهت‌ها بود روی جهت‌نما یادمان نیست اما سرزنش شدن به جهت ندانستن این حروف از خاطراتی است که با من مانده است.

اما پایه‌ی سوم اندکی می‌خواست بهتر شود. آن هم به خاطر حضور آموزگاری پرحوصله و باتجربه که برای



می‌پرسیدیم آیا در کلاس بندی سال بعد می‌توانیم در کلاس این آقا بنشینیم؟

بچه‌های کلاس آقای قهرمانی- همان آموزگار مورد نظر- فعال و بانشاط بودند. این را می‌شد به‌زودی و از رفت‌وآمدهای کلاس و یا از پشت پنجره و در همسایگی آن‌ها دید و شنید.

و بالاخره روزی فرارسید که فصل امتحان و سپس تابستان تمام شد و من در کمال افتخار به کلاس چهارم رفتم، آن هم جایی که آقای قهرمانی درس می‌داد. او جوانی سی‌ساله بود و فکور و در عین حال پرتحرک. این تفاوت در میان جمعیت معلم‌های بالای چهل سال دبستان ما خودش را به‌خوبی نشان می‌داد. بچه‌ها همیشه عجله داشتند زود به کلاس او برسند. این از سال قبلی‌ها به سال بعدی‌ها به ارث رسیده بود، بی‌آنکه کسی توصیه کرده باشد. جذابیت روش و منش این مرد رسومی پایه گذاشته بود که به قانون تبدیل شده بود. در کلاس او خیلی‌ها مانند من دیگر از پیله‌ی کودکی درآمدند و بسیاری آماده شدند که به پایه‌ی پنجم برسند. او ما را در بازی‌های خودساخته‌اش شرکت

می‌داد و ما هم دوست داشتیم مانند او عینک بزنیم هر چند عینکی نبودیم. در تدریس او همواره بچه‌ها پای تخته بودند و هم‌چون او سخن می‌گفتند. درس را به بازی و بازی را به ورزش یا حرکتی نظام‌مند و هدف‌دار تبدیل می‌کرد و مانند یک مربی فکور و جسور شاگردانش را هدایت می‌کرد.

به جرأت می‌توانم بگویم به‌موقع وارد کوره‌ی پایه‌ی چهارم شدیم و در معرض حرارت شاگردی یک استاد بانگیزه پخته شدیم.

آن سال‌ها خبرها و حوادث همه حکایت از تغییر داشت. آن سال‌ها بارقه‌های یک حرکت در راه بود و نسیمی می‌وزید که رایحه‌اش جان و روان ما را به یمن کلاس‌داری قهرمانان، می‌نواخت. مشتهای ما نیز بزرگ‌تر شده بود. قد ما کشیده‌تر و صدایمان بلندتر، در آن ایام خواستار دگرگونی بودیم. سال ۱۳۵۷ بود و من خدا را شکر می‌گزارم که برای فردا تربیت شدم و در زمانه‌ای پرتلاطم نفس در نفس مردان در کارزاری بزرگ برای فرزندان وطن نقش والای یک آموزگار را بازی می‌کنم.

برنامه‌ی درسی ملی زیرنظام سند تحول بنیادین

دکتر محی‌الدین بهرام محمدیان از برنامه‌ی درسی ملی
و سند تحول بنیادین می‌گوید

تنظیم: فهیمه دهقان
عکس: رضایهرامی



اشاره

در هر دوره از ایجاد تغییرات در برنامه‌ی تدوین و تألیف کتاب‌های درسی ابتدایی، معاون وزیر و رئیس محترم سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی در جهت هم‌سوسازی و بیان زوایای مهم اسناد بالادستی، به تبیین مفاد و قسمت‌های اساسی سند برنامه‌ی درسی ملی و سند مبانی نظری تحول بنیادین می‌پردازد. در این جا نیز با آگاهی به اهمیت بحث، دکتر محی‌الدین بهرام محمدیان در ۱۶ دی‌ماه ۱۳۹۲ در سخنانی به معرفی و شفاف‌سازی این مفاهیم پرداخته است که اهم آن را در پی می‌خوانید.

سندی قابل اعتنا

دکتر محمدیان در شروع این بحث به اهمیت و جایگاه سند برنامه‌ی درسی و سند مبانی نظری تحول بنیادین پرداخت و در ادامه آن را میثاقی عمومی دانست و گفت: عنوان و بحث برنامه‌ی درسی ملی به‌عنوان یک زیرنظام و اسناد تحولی، در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش تصویب و ابلاغ شده است که باید تبیین، بررسی و تفسیر و اجرا بشود. در ضمن آن زیرنظام‌ها که به صراحت در خود برنامه‌ی سند تحول ذکر شده است، در بخش‌های مختلف و هم‌چنان در سیاست‌های کلی ابلاغی مقام معظم رهبری، سند برنامه‌ی درسی ملی است. البته خوش‌بختم از اینکه بگویم برنامه‌ی درسی ملی علی‌رغم برخی از

جامع یاددهی-یادگیری را و آنچه به‌عنوان راهنمای برنامه‌های درسی تولید و تفسیر کردیم تعداد بسیار محدودی بوده است. زمانی که در شورای عالی آموزش و پرورش بودم از دوستان سابقه را می‌خواستم، به تعداد انگشتان دست برنامه‌ی راهنمای مصوب نداشتیم. سختم به این معنا نیست که سندی مورد توجه و اعتماد عمومی در بین کارشناسان ما نباشد بلکه عموماً آنچه را تأیید و تدوین کرده بودند به‌عنوان یک زیرساز درون گروهی و درون بخشی بوده است و عمده تولیدات آن‌ها متکی به احضار ذهنی

کاستی‌ها الان جزو اولین اسنادی است که به‌عنوان زیرنظام سند تحول بنیادین تصویب و نهایی شده است و به‌عنوان یک سند قابل اعتنا در تولید برنامه‌های درسی ما مورد توجه قرار دارد. البته اسناد بالادستی ما دارای ویژگی‌های خاصی هستند. به اعتقاد من این ویژگی منحصر به خود این اسناد است و شاید در ادبیات برنامه‌ی درسی بی‌سابقه‌اند. ما سابقه‌ی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی را با عناوین مختلفش بیش از پنجاه سال در کشور داریم اما تا به حال سند خاصی به‌عنوان برنامه‌ی درسی نداشتیم. آن نقشه‌ی

کارشناسان مابوده است. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش فرصتی ذی قیمت برای سازمان و کارشناسان ما است، که تجارب و اندوخته‌های علمی را به صورت سامان یافته تنظیم کنند و به شکل یک سند، که میثاق عمومی ما باشد، برای کارکردن عرضه کنند. اولین سندی که برای ما لازم الاجراست و حتی مراجع قانون گذاری باید رعایت آن را بکنند و در تصویب قوانین موضوعه هم خود این سند محل توجه و معیار است، سیاست‌های کلی ابلاغی به وسیله‌ی مقام معظم رهبری است. مجلس شورای اسلامی و مراجع قانون گذاری دیگر مانند شورای اسلامی انقلاب فرهنگی، موظف هستند که در قانون گذاری‌ها چند موضوع را مراعات بکنند: ۱. مغایر با قانون اساسی نباشد. ۲. مغایر با احکام شرعی نباشد. ۳. مغایر با سیاست‌های کلی ابلاغ رهبری نباشد؛ چون اصل ۱۱۰ قانون اساسی این اختیار را به رهبری داده است که سیاست‌های کلی نظام را تهیه و تأیید و ابلاغ کند. البته مستشاری رهبری در تدوین سیاست‌های کلی مجمع تشخیص مصلحت نظام است. اولین بندی که در سیاست‌های کلی آمده است حکم به تحول در نظام آموزش و پرورش می‌کند و باید مبتنی بر فلسفه‌ی تعلیم و تربیت اسلامی در جهت رسیدن به حیات طیبه و رشد و شکوفایی استعدادهای فطری باشد که در حوزه‌های مختلف آن را مطرح می‌کنند و به برخی از ویژگی‌ها و خصوصیات خروجی نظام تعلیم و تربیت اشاره می‌کند و نهایتاً این است که در حوزه‌های بینش، دانش و مهارت تربیت و سلامت روحی و جسمی دانش آموزان با تأکید بر ریشه کن کردن بی سوادی، تربیت انسان‌های مؤمن، پرهیزگار، متخلق به اخلاق اسلامی، بلند همت، امیدوار، خیر خواه و نهایتاً وطن دوست، صلح خواه، جمع گرا، خودباور، ایثارگر منجر شود. بند چهارم ایجاد تحول در نظام برنامه ریزی آموزشی و درسی با توجه به این چند نکته است. یعنی خود سیاست کلی به عنوان یک قانون ما را ملزم کرده است در نظام برنامه ریزی آموزشی و

درسی تحول ایجاد کنیم. به روایت دیگر وضع موجود ایجاد تحول در نظام برنامه ریزی درسی با توجه به روزآمد ساختن محتوای تعلیم و تربیت و تدوین برنامه‌ی درسی ملی؛ با ابلاغیه‌ی رهبری به عنوان یک سیاست کلی تدوین برنامه‌ی درسی ملی بوده که الحمدلله ما در آن موفق شدیم.

برنامه‌ی درسی ملی مبتنی بر فلسفه‌ی تعلیم و تربیت اسلامی

ریاست سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی سپس با بیان اینکه ابتدای سند برنامه‌ی درسی ملی بر فلسفه‌ی تعلیم و تربیت اسلامی است، افزود: «برنامه‌ی درسی ملی باید مبتنی بر فلسفه‌ی تعلیم و تربیت اسلامی، متناسب با نیازهای کشور و منطبق با محتوا و پیشرفت‌های علمی و فناوری و با اتکا به تقویت فرهنگ و هویت اسلامی - ایرانی باشد. سند در این ابلاغیه این مطلب را تأکید می‌کند که ضمن اینکه مبتنی بر فلسفه‌ی تعلیم و تربیت اسلامی باشد باید یک برنامه ریزی متناسب با نیازهای کشور باشد، یعنی این فلسفه را به زندگی گره می‌زند. فلسفه‌ی تعلیم و تربیت باید نیاز زندگی نسل امروز را به نیاز فردای عصر ما تأمین کند. البته در این متناسب سازی و در این فراهم آوردن نسبت میان فلسفه‌ی تعلیم و تربیت و نیازها باید انطباق محتوایی ما با پیشرفت‌های علمی هم باشد. باز یک تحلیلی که در سند وجود دارد و من نسبت به آن خیلی تأکید دارم، این است که پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیک نباید ما را از هویت اسلامی و ایرانی خودمان دور کند. فلاسفه از قرن نوزدهم به این طرف مخصوصاً با رشد تکنولوژی متوجه شده‌اند که وقتی بحث تکنولوژی، ابزارها و صنعت می‌آید، انسان مقهور و شگفت زده می‌شود و در برابر صنعت گاهی اوقات یک خودباختگی اتفاق می‌افتد. فن زندگی یکی از آفت‌های زندگی امروز ماست و بسیاری از اندیشمندان هم در چالهی این معضل افتاده‌اند. لذا، در برنامه‌ی درسی ملی

تأکید این است که اولاً؛ مبتنی بر نظریه‌ی اسلامی تعلیم و تربیت باشد، دوم؛ متناسب با نیاز باشد، سوم؛ منطبق با پیشرفت‌های علمی و فناوری باشد، چهارم؛ حتماً به هویت اسلامی و ایرانی آن توجه شود. برخی اسناد هست که به ما راهکارهایی را در همین تحول سند کلی پیشنهاد کرده‌اند یا به تعبیری جزو بندهایی است که بعدها در سند برنامه‌ی درسی ملی ما به عنوان راهکارها و جزو شایستگی‌ها مطرح شده است. مثل توسعه‌ی فرهنگ تفکر و تحقیق، خلاقیت، نوآوری، بهره گیری از روش‌های نوین یاددهی و یادگیری، تعلیم اندیشه‌های امام راحل (ره)، توجه کردن به رویکرد فرهنگی و تربیتی به توسعه‌ی فرهنگ اسلامی و قرآنی تقویت آداب و مهارت‌های امروزی، بخشی از راهبردها هم در این

سند آن زمان به عنوان بندهایی از این سیاست ابلاغ شده است. اما در عین حال می‌بینیم که یک تذکری هست که بعدها ما باید آن‌ها را در قالب هدف و در قالب یک روش و سیاست مطرح کنیم. یکی از آن‌ها بحث تقویت آموزش‌ها و راهبردهای حل مسئله و توانایی عمل به آموخته‌هاست. این‌ها نکاتی هستند که در سیاست گذاری کلی‌اند. به دنبال کلیات دوباره برنامه‌ی درسی ملی را در خود سند تحول آموزش و پرورش می‌بینیم که اهداف و فصول مختلفی دارد. نکته‌ای که من تأکید می‌کنم این است که گاهی افرادی که خارج از مجموعه‌ی سازمانی ما، آدم‌هایی کم حوصله و شاید به لحاظ علمی نسبت به موضوع آموزش و پرورش تنک مایه گمانشان این است که برنامه‌ی درسی یک امری است که هر فردی می‌تواند در خانه بنشیند و آن را تنظیم و تدوین کند یا کتاب درسی یک نوشته‌ای است که یک نفر می‌تواند آن را از صبح تا غروب تولید کند. لذا، مثلاً یکی از جایی تلفن می‌زند و می‌گوید آقا این صفحه را عوض کنید و مطلب ما را بنویسید. دیگری می‌گوید این موضوع چرا نیامده است؟ در

برنامه‌ی درسی ملی باید مبتنی بر فلسفه‌ی تعلیم و تربیت اسلامی، متناسب با نیازهای کشور و منطبق با محتوا و پیشرفت‌های علمی و فناوری و با اتکا به تقویت فرهنگ و هویت اسلامی - ایرانی باشد



دست یافته ایم. پس یکی از دلایل تغییر برنامه‌ی درسی ملی خود سند است. بحثی هم در سند تحول بنیادین در ارتقای جایگاه علوم انسانی و اجرای برنامه‌ی درسی ملی است تحت عنوان اصلاح محتوا و ارتقای جایگاه و افزایش کیفیت و کارآمدی «علوم انسانی» که این هم بخشی از راهکارهایش برای ما اعلام شده است.

ویژگی برنامه‌ی درسی ملی

چند نکته در برنامه‌ی درسی ملی و سند تحول هست که این‌ها جزء ادبیات ویژه‌ی نظام آموزشی ماست. اینکه دستیابی به مراتبی از حیات طیب به عنوان هدف یک نظام آموزشی و تربیتی مطرح بشود، مخصوص آموزش و پرورش جمهوری اسلامی است. اساساً حیات طیب به هدف نهایی زندگی انسان است چون آموزش و پرورش محیط را برای رسیدن بخشی از این حیات طیب آماده می‌کند، می‌گوییم به مراتبی از این حیات طیب دست یافتن هدف برنامه‌ریزی درسی ماست. همین اواخر نشست با چند کارشناس مرکز مطالعات استراتژیک دانشگاه امام حسین (ع) و همکار شورای عالی انقلاب فرهنگی داشتیم. به من می‌گفتند برخی از کسانی که در حوزه‌ی تعلیم و تربیت در چند کشور اسلامی صاحب نظر بودند، می‌گویند ما این سند را آنجا تدریس می‌کنیم. وقتی این سند را برای برخی از این صاحب نظران مطرح می‌کردیم آن‌ها احساس شعف می‌کردند. می‌گفتند بسیار کار تازه‌ای است و تأکید می‌کردند که سند تحول به انگلیسی و عربی ترجمه شود.

شکوفایی فطرت

دکتر محمدیان با نگاه به موضوع فطرت و اهمیتی که در باور ما دارد به ناتوانی آنانی اشاره کرد که چشم بر فطرت انسانی بسته‌اند. وی گفت: «بحث فطرت در فلسفه‌ی اسلامی یک بحث اساسی است. اساساً اگر ما مباحث جدی فلسفه را به جهان‌شناسی، انسان‌شناسی و ارزش‌شناسی تقسیم کنیم هیچ بحثی در انسان‌شناسی به محکمی

حالی که برنامه‌ی درسی یک نظام واقع است و ما بعد از کسب تجربیات متعدد یا به عبارت صحیح‌تر آزمون و خطاهای مکرر رسیدیم که نیازمند یک برنامه‌ی درسی ملی هستیم و باید به ما برای چند سؤال اساسی جواب بدهد. به ما یک نقشه‌ی راهی را مطرح می‌کند که بگوید چگونه و از چه مسیری برویم. به اسناد به جا مانده از شورای عالی آموزش و پرورش مراجعه کنید. در دهه‌های گذشته این طور نشان می‌دهد یکی آمده گفته دو ساعت شریعت، یکی گفته دو ساعت حساب، یکی گفته دو ساعت ادبیات. هر کس طرحی را که گفته بعد شده یک برنامه. بعد به مرور زمان یک چیزهایی اصلاح شده است. امروز رسیدیم به اینکه ما نیازمند یک برنامه‌ی درسی هستیم. لذا رهبری فرمودند طراحی، تدوین و اجرای برنامه‌ی درسی براساس اسناد تحول راهبردی و بعد باز تولید برنامه‌های درسی موجود باشد. ما به حکم قانون موظفیم برنامه‌های درسی موجود را باز تولید کنیم. سند تحول بنیادین راهکار ۱-۱ در بند الف می‌گوید که شما باید طراحی و تدوین کنید، باز تولید کنید و باز تولید این شرایط را هم باید فراهم کنید، متناسب سازی حجم محتوای درسی حاکمیت رویکرد فرهنگی و تربیت، بهره‌مندی فزون‌تر از روش‌های فعال و خلاق، بهره‌گیری از تجهیزات و فناوری‌های نوین آموزشی و تقویتی، توجه بیشتر به تفاوت‌های فردی به ویژه هویت جنسی دانش‌آموزان، تفاوت‌های شهری و روستایی این‌ها برای ما الزامات است. حتماً باید تغییرات ما با مطالعه‌ی وضعیت پیشرفت‌های علمی و نیازها باشد. در خودشناسایی نیازهای واقعی از نیازهای تحمیلی باید حتماً ما از مراکز پژوهشی و پژوهشگاه بهره بگیریم. یعنی وقتی یکی رندانه سؤال می‌کند که این کتاب شما و این برنامه شما با برنامه‌ی سابق چه تفاوتی دارد و چرا دست به تغییر زده‌اید باید بگوییم که نیازها چگونه سنجیده شده است. باید بگوییم که چگونه به این روش‌های جدید

هسته‌ی مرکزی
نظام تعلیم و تربیت
ما تعقل و
عقلانیت ورزی است

فطرت نیست. اگر فطرت را ما از مباحث انسان‌شناسی اسلامی حذف کنیم چیزی از انسان‌شناسی اسلامی باقی نمی‌ماند. اگر اینجا مکاتب و فلاسفه نتوانستند انسان را تعریف کنند به دلیل این بود که چشم‌شان را بر فطرت انسانی بسته‌اند. در تعریف علامه طباطبایی هم تعبیر حیات فطری وجود دارد. انسان در غریز با همه‌ی حیوانات مشترک رشد می‌کند، جوان می‌شود، پیر می‌شود، نیازهایی دارد که از بیرون نیاموخته و همیشه با اوست. اما انسان چیز دیگری دارد که او را از حیوان ممتاز می‌کند. تعلیم و تربیت عهده‌دار شکوفایی این بخش است اما معمولاً در نظام‌های دیگر دنبال این هستند که فطرت را در خدمت غریزه به کار بگیرند، تفاوت این است. اسلام رفتارهای غریزی را می‌خواهد به کمک فطرت رنگ فطری بدهد. لذا این شکوفایی فطرت حق ماست اما تا به حال نتوانسته‌ایم خوب تدوین بکنیم. هسته‌ی مرکزی نظام تعلیم و تربیت ما تعقل و عقلانیت ورزی است. این بسیار جدی است. عقلانیت هسته‌ی مرکزی است. یکی از دلایل عقب‌ماندگی و ضعف تاریخی ما این است که ما به عقلانیت پشت کردیم. گرفتار حرص شدیم و تنبلی



خردورزی ما را به اینجا رسانده است. ائمه معصومین (ع) در وظایف روزانه به ما گفتند هر چه عقل حکم می کند شرع آن را قبول می کند. لذا ما باید تعقل را بارور کنیم. نکته‌ی دوم که باز هم بر آن تأکید می کنیم به عنوان ویژگی ممتاز برنامه‌ی خودمان می گویم بحث ایمان است. ایمان یک عنصر اساسی است. علم می خواهد توان زندگی را سامان بدهد ویژگی انسان در مقایسه با سایر موجودات همین است. قداست بخشیدن به فهم خود، اگر این قداست بخشیدن به فهم خود اتفاق نیفتد دانش پایه نمی گیرد. البته باز اینجا من تذکر می دهم که این اگر با فهم درست همراه نباشد احتمال دارد از هویت بخشیدن به فکر خود و یافته‌ی خود تأسف هم بزاید. گاهی از اوقات یافته‌های خود که برای خود آدم مقدس باشد اما مبادی اصولش درست نباشد احتمال ایجاد تعصب هم هست. لذا اول باید عقلانیت باشد که مسیر، مسیر درستی باشد اما آن عقلانیت ما را به جایی برساند که ذهن ما که کامل شد، دل ما هم آرام بشود. کتاب درسی از این جهت با اهمیت است که مخاطبان آن نوجوان‌ها و کودکانی هستند که دلشان به شائبه‌ها آلوده نیست. آنچه می یابند آن را مقدس می کنند. پس، باید مواظبت کرد هر

امر نادرستی به عنوان متن آموزشی و تربیتی قرار نگیرد. به همین جهت است که معلم برای دانش آموز مقدس می شود. علم محصول این تلاش است. مقدماتی که شما یافتید، بتوانید کشف کنید و به کار بگیرید، علم را همراه با اخلاق به کار بگیرید. این پنج عنصر تفکر یا تعقل، ایمان، علم، عمل و اخلاق را جمع کردن در یک جا ویژگی برنامه‌ی درسی جمهوری اسلامی است و هم چنین چهار عرصه داریم که به اعتقاد من جزو ویژگی‌های برنامه‌ی درسی ماست، عرصه‌ی ارتباط با خدا، خود، خلق خدا و خلقت. ما معمولاً ترجمه‌ی واژه‌ی خلقت و آفرینش را طبیعت مطرح کردیم در حالی که آفرینش علاوه بر نظام طبیعه است یعنی طبیعت جزو آفرینش است. به اعتقاد من نکته‌ی ظریفی است که شما همکاران در برنامه‌ی درسی ملی متوجه شدید و من بازگو می کنم این است که ما در نظام آفرینش به چهار محور نیازمندیم. علت فاعلی، علت مادی، علت صوری، علت غایی. علت مادی و صوری را کمتر کسی منکر است اما نسبت به علت فاعلی هم هیچ کس انکار نمی کند ولی از آن غفلت می کند و فاعل را متفاوت معرفی می کند. اما آنکه عمدتاً مورد غفلت ماست در نظام تعلیم و تربیت ما علت فاعلی است. اگر علت فاعلی را هم گفتیم علت‌های مادی را بیان کردیم علت‌هایی که به لحاظ فلسفی نزدیک‌ترین علت در تعاقب وقوع حادثه و واقعه است. انجماد را دیدیم گفتیم علت انجماد پایین آمدن از نقطه انجماد است انبساط هم همین. یعنی اگر علت را بیان کردیم از جنس علت‌های نزدیک مسئله است اما به معنای علت فاعلی در نظام آفرینش کم توجه کردیم. در کتاب‌های درسی، نویسنده و برنامه‌ریز، معلم و تدریس کننده، دانش آموز و درس یادگیرنده همه مسلمان اند اما می گویند: همیشه گیاه روئید، آب جوشید، باد وزید، باران آمد، کتاب مقدس ما قرآن در همین موضوعاتی که من عنوان کردم به عنوان موضوعات ساده، نسبت به همین علت فاعلی تحدی می کند، به چالش می گیرد و می گوید

جواب بدهید. مثلاً می فرماید: گیاهان را شما می روئانید یا ما، اگر بشر بگوید که ما می روئانیم و جعلنا حطاماً، من خشکش می کنم یعنی می خواهد بگوید که فاعل خداست. این باران می گوید شما نازل می کنید یا ما؟ اگر شما انسان‌ها بگویید که ما باران را خودمان نازل می کنیم و جعلنا اجاجاً، تلخش می کنیم. همه‌ی این‌ها بیان می کنند ما فاعل داریم. اگر علت فاعلی در فلسفه‌ی تعلیم و تربیت برای ما روشن نباشد، رسیدن افراد تحت تربیت به مراحل حیات طیبه اتفاق نخواهد افتاد و ما در تعریف شایستگی‌ها دچار مشکل خواهیم شد. سند تحول بنیادین و برنامه‌ی درسی ما را نسبت به برنامه‌های دیگر متمایز می کند و همین تمایز ضرورت دارد که محل توجه گروه‌های برنامه‌ریزی درسی و مؤلفان کتاب‌های درسی و تولید کنندگان

بسته‌های آموزشی باشد. اگر موفق به این کار شدیم، در چشم انداز بیست‌ساله‌ی کشور موفق می شویم یک انقلاب آموزشی را پدیدار کنیم و نتایجش را ببینیم و هم چنین می توانیم به عنوان یک نظریه‌ی جدید در حوزه‌ی تعلیم و تربیت جهانی ارائه کنیم».

پایش برنامه

نظارت بر حسن اجرای قوانین و هم چنین اسناد بالادستی نظام تعلیم و تربیت از ضرورت‌هاست و نیاز به همراهی نخبگان دارد. در این زمینه دکتر محمدیان می گوید: «این هم یکی از ضرورت‌هایی است که باید در درون مجموعه اتفاق بیفتد و لذا ما معتقدیم هم پژوهشگاه و هم یک دفتر مستقلاً به نام «پایش برنامه‌ی درسی ملی» باید این وظیفه را بر دوش بگیرد اما بالاتر از این، اعتقاد است که نظارت نخبگانی بر اجرای برنامه است. من شخصاً معتقدم که نظارت نخبگانی بر برنامه‌های آموزش و پرورش و تعلیم و تربیت و اسناد تحولی مؤثرترین نوع نظارت، هم در تقویت اجرای برنامه و هم در جلوگیری از بروز مشکلات است».

**معتقدم که نظارت
نخبگانی بر برنامه‌های
آموزش و پرورش و
تعلیم و تربیت و اسناد
تحولی مؤثرترین نوع
نظارت، هم در تقویت
اجرای برنامه و هم
در جلوگیری از بروز
مشکلات است**

صلاحیت‌ها و شایستگی‌های آموزگار عصر حاضر

اصولی که معلمان باید بدانند
و قادر به انجام دادن آن‌ها باشند

دکتر نیره شاه‌محمدی

اشاره

«در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش بر استقرار نظام سنجش صلاحیت‌های عمومی، تخصصی و حرفه‌ای، تعیین ملاک‌های ارزیابی و نظام رتبه‌بندی علمی و تربیتی آموزگاران و تقویت انگیزه‌ی ارتقای شغلی در آنان، «براساس نظام معیار اسلامی» و «استقرار نظام پرداخت‌ها» براساس تخصص، شایستگی‌ها و عملکرد رقابتی تأکید شده است. بدین معنا که برای ارتقای شأن معلم در نظام اجرایی کشور و توسعه و پیشرفت همه‌جانبه‌ی جمهوری اسلامی ایران، به‌خصوص نقش آن در تعلیم و تربیت اسلامی، اقتضا دارد در یک نظام شایسته‌سالاری، مبتنی بر ارزیابی‌های کاربردی و رقابتی، معلم مورد آزمون واقع شود و متناسب با توانمندی‌های تخصصی و حرفه‌ای و شایستگی‌های فردی و اجتماعی در رتبه‌ای مناسب قرار گیرد.

هم‌چنین، اصول تربیت اسلامی (در مواردی نظیر انطباق با نظام معیارهای اسلامی، اولویت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی، خردورزی و اعتدال)، آموزگاران فرهیخته و شایسته و متناسب با تراز اعتقادات اسلامی می‌طلبند. بنابراین و در این راستا، وزارت آموزش و پرورش مکلف شده است در اجرای سند تحول بنیادین و با همکاری تمامی اجزای دولت جمهوری اسلامی ایران، نسبت به تدوین نظام رتبه‌بندی حرفه‌ای معلمان در یک دوره‌ی زمانی اقدام کند و هم‌زمان، اصلاحات ساختاری و محتوایی لازم را در نظام تعلیم و تربیت اعمال نماید. در این طرح، نظام پرداخت ویژه‌ای به‌منظور ارزیابی شایستگی‌ها و پرداخت متناسب با آن برای جامعه‌ی معلمان در نظر گرفته شده است» (حاجی‌بابایی و دیگران، ۱۳۹۲).

یادگیری، کلید توسعه

یونسکو (۲۰۰۸) آموزش را کلید توسعه‌ی جوامع و مسیری می‌داند که افراد را برای تحقق توانایی‌ها و افزایش کنترل بر تصمیم‌های اثرگذار بر آن‌ها توانمند می‌سازد. کمیسیون بین‌المللی یونسکو در کتاب «آموزش برای قرن ۲۱» معتقد است که یادگیری در سراسر زندگی و مشارکت در جامعه از عوامل کلیدی پاسخ‌گویی به چالش‌های جهان به سرعت در حال تغییر است. کمیسیون مذکور بر چهار ستون یادگیری، یعنی یادگیری برای دانستن، یادگیری برای انجام دادن، یادگیری برای با هم زیستن و یادگیری برای شدن تأکید می‌کند. جامعه‌ی امروز از فراهم نمودن اجباری آموزش به سمت تمرکز بر کیفیت آموزش و پرورش حرکت کرده [است] و اصلاحات جدید برنامه‌ی درسی بر پرورش

مهارت‌های فراگیرندگان، چگونه یاد گرفتن، توسعه‌ی برنامه‌ی درسی و استفاده از راهبردهای متنوع تدریس تأکید می‌کنند. چنین تغییراتی مستلزم تغییر نقش معلم است (لی و همکاران، ۲۰۰۳). نقش معلم از مخابره‌کننده‌ی اطلاعات به یاری‌گر فراگیری، راهنما و هم‌درس با دانش آموز تغییر می‌یابد. این نقش جدید از اهمیت مقام معلم نمی‌کاهد بلکه نیازمند کسب دانش‌ها و مهارت‌های جدید است. دانش آموز در چنین محیطی، در فرایند یادگیری خود مسئولیت بزرگ‌تری را به عهده می‌گیرد؛ چرا که باید بجوید، بیابد، نتیجه بگیرد و دانسته‌های خود را با دیگران شریک شود. فناوری اطلاعات و ارتباطات، ابزارهای نیرومندی را برای پشتیبانی از این سیر تحول به‌سوی فراگیری دانش آموز محور و نقش جدید معلم و شاگرد فراهم می‌کند (شمس، ۱۳۸۴).

معلمان در گسترش آموزش و پرورش نقش کلیدی دارند. مهم‌ترین عامل کیفیت، کنش و واکنش‌هایی است که میان معلمان و دانش‌آموزان اتفاق می‌افتد

در تهیه‌ی طرح، اجرای روش‌های نوین تدریس، طراحی آموزشی و ارزش‌یابی و شعبانی، نوروزی و آقازاده نیز به آشنایی معلمان با «روش‌های تدریس، طراحی آموزشی و ارزش‌یابی» به‌عنوان مؤلفه‌های مهارت‌های حرفه‌ای معلمان اعتقاد دارند. لذا، با بررسی نظریه‌های مختلف صاحب‌نظران ترکیبی از نظریات مختلف اتخاذ شده است اما نکته‌ی حائز اهمیت این است که این مفاهیم با مفهوم معلم اثربخش مرتبط‌اند (مهر محمدی، ۱۳۷۹).

معلم اثربخش کیست؟

تاکنون درباره‌ی «اثربخشی» تعاریف گوناگونی ارائه شده است. در فرهنگ علوم تربیتی آمده است: «اثربخشی عبارت است از میزان تحقق اهداف و انجام موفقیت‌آمیز مأموریت. به تعبیر دیگر اثربخشی عبارت است از عملکرد و کارایی مطلوب در تخصیص منابع» (فرهین‌ی فراهانی، ۱۳۷۸).

آموزگاران اثربخش باید دانش و مهارت‌های موردنیاز برای دستیابی به هدف‌های موردنظر را داشته باشند و نیز باید بتوانند آن‌ها را در زمان مناسب به شیوه‌ی مطلوب و مورد انتظار به کار گیرند. طبق نظر میدلی (۱۹۸۲)، برخورداری از دانش و مهارت‌های مختلف با عنوان شایستگی یا صلاحیت معلم مطرح می‌شود و کاربرد دانش و مهارت‌های مزبور عملکرد معلم تلقی می‌گردد. لذا، پژوهشگرانی که سعی دارند اثربخشی معلم را بشناسند، باید بتوانند بین شایستگی معلم و عملکرد وی و تحقق هدف‌های آموزشی پیوندی برقرار کنند. آموزگار اثربخش به گونه‌ای متناسب هدف‌هایی را که به طور مستقیم یا غیرمستقیم با یادگیری دانش‌آموز مرتبط است، محقق کند. کارهای آموزگاران اثربخش به خوبی سازمان‌یافته و آماده است؛ یعنی از وقتشان به خوبی استفاده می‌کنند و می‌کوشند برنامه‌های خود را از قبل تنظیم کنند. برای تغییر دادن موضوع بحث و گفت‌وگو از لحظه‌ها استفاده می‌کنند؛ یعنی در کلاس فعالیت‌های متنوعی را باعث می‌شوند و هر حادثه‌ی یادگیری را مقدمه و بهانه‌ای برای حادثه‌ی یادگیری دیگر می‌دانند. این گونه معلمان از برنامه یا جدول یادگیری سریع بهره می‌برند؛ یعنی کلاس را به صورت زنده، شاد و فعال اداره می‌کنند،

عصر حاضر با چالش‌های پیچیده و بسیار در نحوه‌ی انجام کار، برقراری ارتباط با دیگران و نحوه‌ی یادگیری، ما را تحت تأثیر قرار داده است. عامل اصلی و تازه در این تغییرها افزایش نقش بنیادی اطلاعات و دانش است. «جامعه‌ی اطلاعاتی»، «جامعه‌ی دانش» و «جامعه‌ی یادگیری» اصطلاحاتی برای معرفی این دوره هستند (وایلانت، ۲۰۰۷).

معلمان در گسترش آموزش و پرورش نقش کلیدی دارند. مهم‌ترین عامل کیفیت، کنش و واکنش‌هایی است که میان معلمان و دانش‌آموزان اتفاق می‌افتد. عناصر این تعامل دانش، مهارت و حساسیت معلم از یک سو و انتظارات یادگیری، وضعیت اقتصادی و اجتماعی و ویژگی فرهنگی یادگیرندگان از سوی دیگر هستند که موفقیت یا شکست آموزش و پرورش را تعیین می‌کنند. بنابراین، به کارگماردن تواناترین و شایسته‌ترین افراد برای حرفه‌ی معلمی حیاتی‌ترین مسئله است و حیاتی‌تر از آن برنامه‌های تربیت معلم و آموزش‌های ضمن خدمت هستند که با کیفیت برتر و بالاتر فراهم آیند و برای معلمان این فرصت پیش آید تا دانش و مهارت خویش را در طول دوران خدمت افزایش دهند. کیفیت هر نظام آموزشی در نهایت به کیفیت معلمان آن جامعه وابسته است (رئوف، ۱۳۷۹). حرفه‌ای شدن معلمان بر جنبه‌های تکنیکی تدریس و ارتقای موقعیت اجتماعی حرفه‌ی معلمی متمرکز است. حرفه‌ای شدن فرایندی است که به وسیله‌ی آن انجام یک حرفه یا شغل مستلزم داشتن مهارت‌های ویژه‌ای می‌شود. معلم حرفه‌ای باید از دانش محتوایی، رشد کودک، سبک‌های یادگیری، راهبردهای تدریس و مجموعه‌ای جدید از ارزش‌های همراه با احترام به تفاوت‌های فردی، همکاری با همکاران و گرفتن بازخورد مداوم از تدریس و قابلیت هدایت و تغییر و ارتباط مؤثر درک عمیق‌تری داشته باشد. رویکردهای جدید در تربیت و آموزش مداوم آموزگاران براساس توسعه‌ی مفهوم رویکرد سیستمی به آموزش، در نظر گرفتن تدریس به عنوان فعالیت حرفه‌ای و سیاست‌های حمایت‌کننده‌ی توسعه‌ی حرفه‌ای به وجود آمده و آموزش نیاز مداوم زندگی حرفه‌ای معلمان شده است (وایلانت، ۲۰۰۷).

مفهوم صلاحیت و مهارت حرفه‌ای آموزگاران

صاحب‌نظران تعلیم و تربیت درباره‌ی مفهوم صلاحیت و مهارت‌های حرفه‌ای آموزگاران، که از اواسط قرن بیستم در نظام‌های آموزشی پدیدار شده است، نظریات مختلفی بیان کرده‌اند. از جمله هابیرمن و بومهان (۲۰۰۵) به مؤلفه‌های «روش‌های تدریس و ارزش‌یابی» اشاره کرده‌اند و ویلگاس و ریمرس (۲۰۰۷) نیز نقش مهارت‌های حرفه‌ای معلم را در تغییر در نظام آموزشی بسیار ضروری دانسته و در این رابطه به مؤلفه‌های «روش‌های جدید تدریس، تکنولوژی آموزشی و ارزش‌یابی» پرداخته‌اند. مهر محمدی به توانایی‌های مربوط به روش‌های تدریس و ارزش‌یابی و استفاده کردن معلم از

یادگیری بیشتر برمی‌انگیزد. ضمناً خلاقیت و نوآوری او باعث می‌شود دانش‌آموزان کلاس فعال‌تر باشند، بیشتر احساس مسئولیت کنند و در عین حال عزت‌نفس و کنترل رفتارهای نامطلوب نزد آنان بالاتر از دانش‌آموزان دیگر باشد.

به عقیده‌ی پرل (۱۹۷۲) معلمی که در ایفای نقش خود به‌عنوان رهبری موفق عمل می‌کند، دارای ویژگی‌های زیر است. ۱. تنوع و گوناگونی را ترغیب می‌کند و اغلب به شنیدن عقیده و نظرهای جدید دانش‌آموزان تمایل نشان می‌دهد.

۲. در بحث و گفت‌وگو پرانرژی است. ۳. برای مصالحه و توافق شرافتمندانه آماده است. در هر نظام آموزشی مواردی در کلاس درس پیش می‌آید که دانش‌آموزان علاقه‌مندند در زمینه‌ی خاصی به بحث و مجادله با معلم خود بپردازند. این‌گونه بحث و جدل‌ها زمانی به نتایج قابل توجهی منتهی می‌شود که معلم مهارت و توانایی دستیابی به نوعی توافق و مصالحه‌ی شرافتمندانه و مبتنی بر واقعیت‌های زندگی را در کلاس درس داشته باشد.

۴. تعارض‌هایی را که مصالحه‌ناپذیرند، تشخیص می‌دهد. معلمی که در اداره و رهبری کلاس خود موفق است، توانایی حل هوشمندانه‌ی تعارض‌ها و تضادهایی موجود در مباحث را دارد.

۵. قادر است قوانین و مقررات آموزش را با توجه به آثار و نتایج آن‌ها مورد توجه قرار دهد. معلم موفق برده‌ی بی‌چون و چرای مقررات نیست و هنگام اجرای مقررات، ضمن احترام به آن‌ها می‌کوشد مقررات را با توجه به ابعاد و عوامل پیچیده‌ی انسانی، عدل، انصاف و مروت و مهم‌تر از آن عقل سلیم اجرا کند (ساعتچی، ۱۳۷۴).

استانداردهای حرفه‌ای

در زبان انگلیسی میانه، واژه‌ی «استاندارد» به‌معنای پرچم، علم و گنبدی بود که لشکریان پیرامون آن گرد می‌آمدند. واژه‌ی استاندارد از زبان فرانسوی باستانی گرفته شده و از نظر معنی تحت‌تأثیر واژه‌ی انگلیسی (stand) یعنی ایستادن بوده است. در زبان فارسی واژه‌ی «معیار»، «مقیاس»، «شاخص» و «تراز» برای استاندارد به‌کار برده شده است. در سال‌های اخیر، دانش «مدیریت منابع انسانی»، استاندارد و استانداردسازی عملکرد منابع انسانی مورد توجه پژوهشگران حوزه‌ی مدیریت قرار گرفته است. با توجه به نقش منابع انسانی اثربخش در تحقق هدف‌های تعلیم و تربیت در سازمان‌های آموزشی، استانداردسازی عملکرد منابع انسانی و استانداردهای حرفه‌ای مدیران آموزشی، معلمان و فراگیرندگان مورد توجه قرار گرفته است. در آموزش و پرورش استانداردسازی عملکرد آموزگاران برای ایجاد هماهنگی معقول در فرایند یاددهی-یادگیری متناسب با تحولات زمان و مکان صورت می‌پذیرد.



ولی به دانش‌آموز فشاری بیش از ظرفیت او وارد نمی‌آورند. انگیزه‌های دانش‌آموزان را برای یادگیری، فعال نگه می‌دارند؛ یعنی آن‌چنان فضای روانی‌ای ایجاد می‌کنند که دانش‌آموزان کنجکاو و برانگیخته برای آموختن باقی می‌مانند. موجباتی را فراهم می‌آورند که دانش‌آموزان ما هیجان و انگیزه‌ی لازم را برای انجام فعالیت‌های یادگیری داشته باشند (ساعتچی، ۱۳۷۴). براساس تحقیقی که راینز (۱۹۶۱) انجام داده است، معلمی که رفتار دوستانه دارد، دانش‌آموزان را می‌فهمد و رفتار و هیجان‌هایش سازمان‌یافته و سالم است، دانش‌آموزان را برای

صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمی

صلاحیت‌های معلمی، مجموعه‌ای شناخت‌ها، گرایش‌ها و مهارت‌هایی است که آموزگار با کسب آن‌ها می‌تواند در جریان تعلیم و تربیت به پرورش جسمی، عقلی، عاطفی، اجتماعی و معنوی فراگیرندگان کمک کند. این صلاحیت‌ها را می‌توان در سه حیطه‌ی شناختی، عاطفی و مهارتی طبقه‌بندی کرد. منظور از صلاحیت‌های شناختی مجموعه‌ی آگاهی‌ها و مهارت‌های ذهنی است که معلم را در شناخت و تحلیل مسائل و موضوعات مرتبط با تعلیم و تربیت توانا می‌سازد. صلاحیت‌های عاطفی مجموعه‌ی گرایش‌ها و علایق معلم به مسائل و موضوعات مرتبط با تعلیم و تربیت است و صلاحیت‌های مهارتی به مهارت‌ها و توانایی‌های علمی آموزگار در فرایند یادگیری مرتبط می‌شود. از مجموعه‌ی صلاحیت‌های سه‌گانه، صلاحیت تأثیرگذاری بر دانش‌آموز حاصل می‌شود (ملکی، ۱۳۸۴).

هانتلی (۲۰۰۸) قابلیت‌های آموزگاران را در سه زمینه‌ی دانش حرفه‌ای، عمل حرفه‌ای و تعهد حرفه‌ای دسته‌بندی کرده است.

صلاحیت‌های حرفه‌ای آموزگاران در آمریکا

صلاحیت‌های کلیدی معلم همه‌ی زمینه‌های اعطای گواهی‌نامه به معلم را در بر می‌گیرند. این صلاحیت‌ها ده اصل کلی هستند که همه‌ی معلمان باید آن‌ها را بدانند و بدون در نظر گرفتن محتوای درسی خاص قادر به انجام دادن آن‌ها باشند. خلاصه‌ی صلاحیت‌ها به شرح زیر است:

۱. داشتن دانش مرتبط با محتوای درس
۲. داشتن دانش مرتبط با بهبود و یادگیری دانش‌آموز
۳. توانایی تطبیق دادن آموزش با نیازهای یکایک فراگیرندگان
۴. توانایی استفاده از راهبردهای چندگانه‌ی آموزشی
۵. داشتن مهارت‌های اداره‌ی کلاس و ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان



۶. داشتن مهارت‌های ارتباطی

۷. داشتن مهارت در برنامه‌ریزی آموزشی

۸. ارزیابی یادگیری دانش‌آموزان

۹. مسئولیت‌پذیری و تعهد حرفه‌ای

۱۰. فعالیت گروهی

صلاحیت‌های حرفه‌ای آموزگاران در سنگاپور

در سنگاپور صلاحیت‌های حرفه‌ی معلمی به پنج بخش زیر تقسیم می‌شود.

۱. رشد همه‌جانبه‌ی کودک (شایسته‌محوری)
 - ✓ در میان گذاشتن ارزش‌ها با دانش‌آموزان
 - ✓ اقدام برای رشد دانش‌آموز
۲. پرورش دانش
 - ✓ تسلط بر موضوع
 - ✓ علاقه‌ی فعال به موضوع درسی
 - ✓ ابتکار عمل برای هم‌گامی با روند آموزش و پرورش در موضوع تدریس خود
 - ✓ داشتن تفکر تحلیلی
 - ✓ توانایی در تحلیل و حل مشکلات
 - ✓ بازشناسی روابط علی- معلولی
 - ✓ اولویت‌بخشی به وظایف بر مبنای اهمیت آن‌ها
 - ✓ تدریس خلاقانه
 - ✓ استفاده از روش‌های متداول و نو برای تدریس
 - ✓ فراهم کردن نوشته‌ها و برگه‌های کار
 - ✓ برانگیختن علاقه‌ی دانش‌آموزان با استفاده از فنون خاص و رویکردهایی به آموزش مفاهیم
 - ✓ ارزیابی یادگیری از طریق پرسش‌های ساده
۳. کار با دیگران
 - ✓ اطلاع‌رسانی به والدین در زمینه‌ی فعالیت‌ها، پیشرفت‌های دانش‌آموزان و خط‌مشی‌های آموزشی
 - ✓ در نظر گرفتن والدین به‌عنوان همکاران آموزشی
 - ✓ ترغیب درگیری والدین در فرایند آموزش
 - ✓ تمایل به کمک به دیگران و در اختیار قرار دادن اطلاعات
 - ✓ بیان نگرش مثبت و انتظارات از دیگران
 - ✓ داشتن تمایل و اشتیاق به یادگیری از همکاران برای دستیابی به اهداف کار خود
۴. شناخت خود و دیگران (این شایستگی به‌طور رسمی بررسی نمی‌شود).
 - ✓ داشتن درک درست از توانایی‌ها و ضعف‌های خود در جنبه‌های مختلف
 - ✓ برخورداری از هوش هیجانی مناسب
۵. نفوذ بر ذهن‌ها و قلب‌ها
 - ✓ ارائه‌ی پیشنهاد برای برطرف کردن فوری نیازهای رشد

افراد متخصص
 ✓ دانستن طیف وسیعی از راهبردها برای ارتقای رفتار خوب و ایجاد يك محیط یادگیری هدفمند
 ۳. تدریس
 این شایستگی‌ها مرتبط با مهارت‌های برنامه‌ریزی، نظارت و ارزیابی، آموزش و مدیریت کلاس هستند. و با ارزش‌ها و دانش مرتبط با بندهای يك و دو گره خورده‌اند.



✓ استفاده‌ی مناسب از طیف وسیعی از راهبردهای کنترل و ارزیابی برای سنجش پیشرفت دانش‌آموزان در جهت هدف‌های یادگیری برنامه‌ریزی شده و استفاده از این اطلاعات برای ارتقای برنامه‌ریزی و تدریس خود
 ✓ مشخص کردن هدف‌های یادگیری - یاددهی که مرتبط با همه‌ی دانش‌آموزان کلاس است.
 ✓ استفاده از هدف‌های یاددهی- یادگیری برای برنامه‌ریزی درس‌ها، توالی درس‌ها و نشان دادن اینکه چگونه یادگیری دانش‌آموزان را اندازه می‌گیرند.
 ✓ مشارکت و کمک به گروه‌های آموزشی به شیوه‌ی مناسب در مواقع لزوم و برنامه‌ریزی برای به کارگیری والدین، بیشتر به‌منظور حمایت از یادگیری دانش‌آموزان
 ✓ کنترل و ارزیابی هنگام تدریس و ارائه‌ی بازخورد فوری و ساختار یافته برای حمایت از یادگیری دانش‌آموزان
 ✓ توانایی ارزیابی پیشرفت دانش‌آموزان با بهره‌گیری درست از هدف‌های یادگیری و برنامه‌ی درسی ملی
 ✓ شناسایی و پشتیبانی دانش‌آموزان توانمند و کسانی که کمتر از انتظارات وابسته به سن کار می‌کنند.
 ✓ ثبت نظام‌مند پیشرفت‌ها و دستاوردهای دانش‌آموزان با

حرفه‌ای دیگران
 ✓ دادن مشاوره‌ی علمی و ارائه‌ی تجربه‌ی حرفه‌ی معلمی به آموزگاران تازه کار
 ✓ آگاهی از خط‌مشی‌ها و رویه‌های کاری
 ✓ بازشناسی توانایی‌های سازمانی
 ✓ درک مقاومت دیگران در مقابل تغییر
 ✓ درک منطق حاکم بر خط‌مشی‌ها (استینر، ۲۰۱۰)

صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان در انگلستان

شایستگی‌های حرفه‌ی معلمی در انگلستان در سه بخش مرتبط طبقه‌بندی شده‌اند: ۱. تجربیات و ارزش‌های حرفه‌ای، ۲. دانش و درک و فهم، ۳. تدریس.
 ۱. تجربیات و ارزش‌های حرفه‌ای
 این شایستگی دربرگیرنده‌ی نگرش و تعهدی است که انتظار می‌رود هر معلمی داشته باشد و شامل موارد زیر می‌شود.
 ✓ داشتن رفتار همراه با توجه و احترام به دانش‌آموزان و توجه به رشد آن‌ها به‌عنوان یادگیرنده
 ✓ ترویج رفتارها، نگرش‌ها و ارزش‌های مثبت در بین دانش‌آموزان
 ✓ ارتباط مؤثر با والدین و صاحبان مشاغل برای تعیین مسئولیت‌ها، علایق و حقوقی که در یادگیری دانش‌آموزان دارند
 ✓ درک کمک‌ها و حمایت‌های همکاران و دیگر افراد حرفه‌ای در زمینه‌ی تدریس و یادگیری
 ✓ توانایی بهبود تدریس خود از طریق ارزش‌یابی، یادگیری از تجربه‌های مؤثر دیگران و از مدارک و شواهد علمی
 ✓ آگاهی از چارچوب‌های قانونی مرتبط به حوزه‌ی کاری و مسئولیت‌های خود

۲. دانش و درک و فهم

این شایستگی به آموزگاری کارآموده و آگاه از موضوع تدریس خود نیاز دارد؛ معلمی که درک روشنی از نحوه‌ی یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان داشته باشد. شایستگی دانش و درک و فهم شامل موارد زیر می‌شود.
 ✓ داشتن دانش و درک درست نسبت به موضوع تدریس
 ✓ دانش و فهم ارزش‌ها، مقاصد، هدف‌ها و نیازهای معمول آموزشی مندرج در برنامه‌ی درسی ملی
 ✓ درک تأثیرپذیری یادگیری دانش‌آموزان از رشد جسمی، ذهنی، زبانی، اجتماعی، فرهنگی و عاطفی آن‌ها
 ✓ آگاهی از انتظارات، برنامه‌های درسی رایج و الزامات آموزشی
 ✓ استفاده‌ی مؤثر از فناوری اطلاعات و ارتباطات در آموزش موضوع درسی و در حمایت از نقش گسترده‌تر حرفه‌ای خود
 ✓ درک مسئولیت‌ها و دانستن روش کسب کمک و مشاوره از

ارائه‌ی شواهد گسترده‌ای از کار، پیشرفت و موفقیت آن‌ها در طول زمان (این کار به دانش‌آموزان در بررسی پیشرفت خود و به‌آموزگار در برنامه‌ریزی کار خود کمک می‌کند)

✓ توانایی استفاده از سوابق به‌عنوان پایه‌ای برای ارائه‌ی گزارش در مورد پیشرفت دانش‌آموزان (به‌صورت شفاهی و کتبی) به‌طور مختصر و اطلاع‌رسانی به والدین، صاحبان حرفه و دیگر افراد مرتبط

✓ داشتن انتظارات بالا از دانش‌آموزان و برقراری ارتباط موفق با آن‌ها با محوریت یاددهی - یادگیری

✓ توانایی تدریس دانش و مهارت مورد نیاز و انتظار مرتبط با برنامه‌ی درسی دانش‌آموزان

✓ آموزش درس‌های ساختار یافته و توالی کار خود به روشنی؛ به‌نحوی که موجب علاقه و تحریک دانش‌آموزان شود.

✓ استفاده از روش‌های تدریس متفاوت و متنوع با توجه به نیازهای دانش‌آموزان به‌خصوص دانش‌آموزان با نیازهای ویژه و دانش‌آموزان سرآمد

✓ توانایی حمایت از کسانی که به یادگیری انگلیسی به‌عنوان زبان دوم می‌پردازند

✓ توجه به تفاوت‌ها در تجربه‌ها، انگیزه‌ها و پیشرفت تحصیلی بین دختران و پسران و در نظر گرفتن فرهنگ‌های متفاوت و گروه‌های قومی دانش‌آموزان به‌منظور کمک به پیشرفت صحیح و مناسب آن‌ها

✓ سازمان‌دهی، مدیریت و استفاده‌ی مؤثر و درست از زمان تدریس و یادگیری

✓ سازمان‌دهی و مدیریت مؤثر و امن فضای فیزیکی آموزش، ابزارها، مواد، متون و دیگر منابع

✓ تعیین انتظارات بالا از رفتار دانش‌آموزان

✓ استفاده‌ی مؤثر از فناوری اطلاعات و ارتباطات در آموزش و تدریس

✓ توانایی تدریس به دانش‌آموزان با توانایی‌ها و طیف سنی‌ای که برای آن تعلیم دیده‌اند.

✓ توانایی ارائه‌ی تکلیف و فعالیت‌های خارج از مدرسه‌ای که به تعمیق مطالب آموزش داده شده در کلاس درس کمک می‌کند.

✓ توانایی تشویق دانش‌آموزان به یادگیری مستقل

✓ مدیریت بر کار دستیار معلمان و دیگر بزرگسالانی که به بهبود یادگیری بزرگسالان کمک می‌کنند.

✓ بازشناسی و ارائه‌ی بازخورد مؤثر به فرصت‌های آموزشی که در کلاس درس به‌وجود می‌آید، شامل مبارزه با دیدگاه‌های کلیشه‌ای، مبارزه و مقابله با زورگیری و آزارسانی از طریق خط‌مشی‌ها و رویه‌های مناسب.

منابع

۱. استانداردسازی در آموزش و پرورش (۱۳۸۳) دفتر بهبود کیفیت و راهبری استانداردها، وزارت آموزش و پرورش، ص ۲۰.
۲. بازگان، زهرا (۱۳۸۴)، «جهانی شدن و تحول نقش مدیران آموزشی»، مجموعه‌ی مقاله‌های اولین همایش ملی جهانی شدن و تعلیم و تربیت، انتشارات وزارت امور خارجه.
۳. حاجی بابایی و دیگران، (۱۳۹۲)، «نظام رتبه‌بندی حرفه‌ای معلمان و جذب و تأمین منابع انسانی وزارت آموزش و پرورش»، معاونت توسعه‌ی مدیریت و پشتیبانی وزارت آموزش و پرورش.
۴. دانش‌پژوه، زهرا و ولی‌الله فرزاد، (۱۳۸۵)، «ارزش‌یابی مهارت‌های حرفه‌ای معلمان دوره‌ی ابتدایی»، فصلنامه‌ی نوآوری‌های آموزشی شماره‌ی ۱۸، سال پنجم، زمستان.
۵. روف، علی، (۱۳۷۴)، «جنبش جهانی برای بهسازی تربیت معلم»، تهران، انتشارات پژوهشکده تعلیم و تربیت.
۶. ساعتچی، محمود، (۱۳۷۴)، «روانشناسی کاربردی برای مدیران در خانه و مدرسه و سازمان»، نشر و ویرایش.
۷. شعاری‌نژاد، علی‌اکبر، (۱۳۸۱)، «برای رشد علمی و فنی معلمان»، رشد معلم، شماره‌ی ۱۶۷، دفتر انتشارات کمک‌آموزشی، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.
۸. شمس، محمدشهاب، (۱۳۸۴)، «فن‌آوری‌های اطلاعات و ارتباطات در عرصه آموزش معلمان»، کمیسیون ملی یونسکو.
۹. فرمینی‌فراهمی، محسن، (۱۳۷۸)، «فرهنگ توصیفی علوم تربیتی»، نشر اسرار دانش، ص ۸۸.
۱۰. کمیسیون بین‌المللی یونسکو، (۲۰۰۸)، «آموزش و پرورش برای قرن بیست و یکم»، چاپ اول، انتشارات تزکیه، تهران.
۱۱. کریمی، زیبا، (۱۳۸۷)، «مطالعه‌ی صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان دوره‌ی ابتدایی»، فصل‌نامه‌ی رهبری و مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار، سال دوم، شماره‌ی ۴، زمستان، ص ۱۵۱-۱۶۶.
۱۲. معروفی، یحیی، (۱۳۸۴)، «مقدمه‌ای بر جهانی شدن آموزش و پرورش»، مجموعه مقاله‌های اولین همایش ملی جهانی شدن تعلیم و تربیت، انتشارات وزارت امور خارجه.
۱۳. ملکی، حسن، (۱۳۸۴)، «صلاحیت‌های حرفه‌ی معلمی»، تهران، انتشارات مدرسه.
۱۴. مهرمحمدی، محمود، (۱۳۷۹)، «بازاندیشی فرایند یاددهی - یادگیری و تربیت معلم»، تهران، انتشارات مدرسه.
۱۵. مرعشی، علی‌اکبر، (۱۳۷۴)، «بررسی مهارت‌های شغلی معلمان ابتدایی»، مؤسسه‌ی اندیش‌ور، مرکز تحقیقات آموزشی، وزارت آموزش و پرورش.
16. Anderson, L.W (2004) "Teacher Effectiveness", Unesco, IIEP, Paris
17. Demonte, Jenny (2013) "High Quality Development For teachers, www.AmericanProgress.org
18. Grant, Carl A. & Maureen Gillette (2006) "A Candid Talk to Teacher Educators about Effectively Preparing Teachers Who Can Teach Everyone's Children", Journal of Teacher Education, Vol. 57, No. 3
19. Huntly, Helen (2008) "Teachers' Work: Beginning Teachers' Conceptions Of Competence", The Australian Educational Researcher, Vol. 35, No. 1
20. Koster, Bob & Mieke, Brekelmans & Fred, Korthagen & Theo, Wubbels (2005) "Quality requirements for teacher educators", Teaching and Teacher Education Vol. 21, Issues 2
21. Lee, John Chi Kin, Wing po, Lam & Yuk yung Li. (2003) "Teachers Evaluation and Effectiveness in Hong Kong": Issues and Challenges, Journal of Personnel in Education, Vol 17, N 1
22. Medly, Donald M. and Harold. Mizel (1982) "A technique for Measuring classroom Behavior", J. Ed. Psych, 49, 86-92.
23. Moreno, Juan Manuel, (2007) "Do the initial and the continuous teachers' professional development sufficiently prepare teachers to understand and cope with the complexities of today and tomorrow's education?", Journal of Educational Change Vol. 8, No. 2 June, Springer Netherlands
24. Robbins, S.P. (1999) "Organizational Behaviour". London: Prentice -Hall, International Inc
25. steiner, Lucy (2010) "Lessons from Singapore", Public Impact, Chapel Hill, NC, www.opportunityculture.org.
26. Vaillant, Denise (2007) "preparing Teachers for Inclusive Education in Latin America" Quartely Review of Comparative Education, Vol 1
27. Villegas, reimers. (2007) "teacher professional development": an international review of the literature. unesco; international institute for educational planning
28. www.education.gov.uk

کیفیت بخشی به آموزش و مهارت‌ها در دوره‌ی ابتدایی

معاون آموزش ابتدایی از طرح‌ها و چالش‌های
آموزش آموزگاران می‌گوید

تنظیم: محمود دیحوی

اشاره

در کنار تغییرات کتاب‌های درسی ابتدایی بر آن شدیم تا اهم فعالیت‌ها و آثار دگرگونی‌ها را در گفت‌و‌گوها، گزارش‌ها و مقالات و ارزیابی مؤلفان، مسئولان و دست‌اندرکاران این امر به اطلاع آموزگاران و مخاطبان مجله برسانیم. به همین دلیل در این مجال با محمد دیمه‌ور، معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش در باره‌ی اسناد بالادستی نظام تعلیم و تربیت، چالش‌های اجرای طرح تحول بنیادین و نوع آماده‌سازی‌های مدارس و مواردی از این دست سؤال‌ها و جواب‌هایی مکتوب شده است که شما را به مطالعه‌ی آن دعوت می‌کنیم.



آموزش-یادگیری با تأکید بر روش‌های حل مسئله و فعالیت‌محوری و پرورش هر چه بیشتر قدرت تفکر و اندیشیدن در دانش‌آموزان، هم در تهیه و تنظیم محتوا و هم در شیوه‌های آموزش-یادگیری اقدامات مؤثری را پیگیری و در حال اجراست. براساس برنامه‌های پیش‌بینی شده تغییر و اصلاح محتوای کتاب درسی، آموزش ضمن خدمت معلمان پایه‌ی چهارم ابتدایی برای سال تحصیلی ۹۳-۹۴ با برنامه‌ریزی مناسب در حال پیگیری برای اجرا (به‌ویژه در طول تابستان ۹۳ و قبل از شروع سال تحصیلی آینده) است.

۳. در این ارتباط با سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و دفاتر تابعه از جمله دفتر تألیف و برنامه‌ریزی کتب درسی چه همکاری و هماهنگی‌هایی شده است؟

همکاری این معاونت با سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و دفتر تألیف کتاب‌های درسی

رهنامه‌ی تربیت رسمی و عمومی به خدمت بگیرد و سند تحول بنیادین نیز براساس اصول حاکم از محتوای قرآن، سنت، یافته‌های علمی، میراث و تجارب بشری، فرهنگ بومی، نیازهای اجتماعی و... تهیه و تدوین شده است؛ این مبانی با انسجام و هماهنگی لازم در مجموعه‌ی مؤلفه‌ها و اجزای نظام آموزشی سعی دارد تا مبانی فکری، فلسفی، ارزش‌های دینی، فرهنگی و اجتماعی را در یک بستر قانونی برای کلیه‌ی برنامه‌ها و فعالیت‌های نظام آموزش و پرورش فراهم کند.

۲. معاونت آموزش ابتدایی در راستای اجرای اسناد بالادستی، چه فعالیت‌ها و برنامه‌هایی برای دوره‌ی ابتدایی و به‌ویژه پایه‌ی چهارم دارد؟

دوره‌ی ابتدایی با توجه به اسناد بالادستی و اجرایی شدن نظام آموزشی ۳-۶-۶ ضمن تغییر و اصلاح در محتوای درسی، نسبت به آموزش نیروی انسانی و حرفه‌مند کردن آنان، توجه به فرایند

۱. چه تحلیلی از سند برنامه‌ی درسی ملی و نیز مبانی تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت دارید؟

برنامه‌ی درسی ملی یک چارچوب کلی برای مجموعه‌ی برنامه‌ریزان و فعالان حوزه‌ی آموزش و پرورش رسمی و حتی غیررسمی است که به استناد آن امکان پیش‌بینی برنامه‌ها، فعالیت‌ها و اقدامات به‌صورت دقیق‌تر فراهم می‌شود و به عبارتی دیگر، برنامه‌ی درسی ملی برای سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان، مدیران، تولیدکنندگان و تدوین‌کنندگان محتواها و رسانه‌های آموزشی جهت‌دهی مناسب را ایجاد می‌کند. هم‌چنین برنامه‌ی درسی ملی فرصتی بسیار ارزشمند برای متناسب‌سازی سایر مؤلفه‌ها و عناصر نظام آموزشی با رویکرد فطرت‌گرایی توحیدی است و این برنامه می‌تواند تمامی ظرفیت‌های درونی که به‌صورت بالقوه در نظام تعلیم و تربیت به‌ویژه در زمینه‌ی محتوا و آموزش نیروی انسانی وجود دارد را در راستای تحقق مبانی

ابتدایی و متوسطه‌ی نظری، مستمر و پیوسته است و عمدتاً از طریق گروه‌های آموزشی و معرفی معلمان و کارشناسان برای تدوین محتوای درسی در هر پایه و شرکت در جلسات اعتباربخشی دروس مختلف و... می‌باشد. علاوه بر این همکاری در مراحل چاپ و توزیع کتب درسی و همچنین پیش‌بینی اساتید برای اجرای بهتر دوره‌ی آموزش ضمن خدمت معلمان هر پایه بر حسب وظیفه انجام می‌دهیم.

۴. چالش‌ها و مشکلات هم‌سوسازی کتاب‌های درسی آموزش ابتدایی و برنامه‌ی درسی ملی و اجرای سراسری طرح تحول چیست؟

در تغییر، اصلاح و هم‌سوسازی کتاب‌ها، می‌بایست کلیه‌ی عناصر تأثیرگذار از درک درست و مشترکی بر خوردار باشند و گاهی نیز به دلایل مختلف، همه‌ی عناصر این ظرفیت‌ها فراهم نمی‌شود و آن درک مشترک اتفاق نمی‌افتد، بنابراین شکل‌گیری و پیدایی برخی از چالش‌ها و مشکلات تا حدی طبیعی و البته قابل مدیریت است. در این زمینه با توجه به اهمیت موضوع، می‌توان با هماهنگی و هم‌فکری عوامل و عناصر مؤثر که عبارتند از: مؤلفان کتاب‌های درسی و یا مجموعه‌ی مرتبط با سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی درسی، نیروهای آموزشی از جمله اساتید دوره‌های ضمن خدمت و معلمان هر پایه‌ی تحصیلی، مدیران حوزه‌های مختلف مرتبط از سطح ستاد تا مدرسه، اولیای دانش‌آموزان و همبستگی بیشتر، مشکلات و موانع را به حداقل رساند. لذا با توجه به تجربیاتی که از گذشته وجود دارد و روند تغییرات و اصلاحاتی که به‌ویژه در سه سال اخیر در محتوای دروس و دیگر حوزه‌ها صورت گرفته است، لازم است ضمن شناسایی ضعف‌ها، با دقت بیشتری در برنامه‌ریزی‌های اولیه و اجرایی شدن این اصلاحات، شاهد بهبود مستمر اوضاع باشیم.

۵. به آموزگاران و دیگر افراد دست‌اندرکار این تحول و هم‌سوسازی چه توصیه‌هایی دارید؟

در کلیه‌ی حوزه‌های فرهنگی، نهادینه شدن اصلاحات و تغییرات، نیازمند صبر و شکیبایی

توسط افراد مؤثر و درگیر با آن حوزه‌ی فرهنگی می‌باشد که البته در این امر نقش آموزگاران، دانش‌آموزان و اولیای آنان بسیار تأثیرگذار خواهد بود و بی‌شک آنان نیز با شناسایی ضعف‌ها و ارائه‌ی پیشنهادهای خود که صمیمانه از آن استقبال می‌کنیم، یاریگران خوبی خواهند بود. از متولیان تدوین و تألیف نیز انتظار داریم، نتایج برآمده از این پیشنهادهای و سایر ارزش‌یابی‌های علمی را به سرعت در روند اصلاح دخالت داده و به آن توجه کافی مبذول دارند.

۶. در سال تحصیلی ۹۴-۹۳ چه خبرهای مهمی برای آموزگاران و دانش‌آموزان و اولیای آن‌ها دارید؟

مهم‌ترین خبر اینکه بحمدالله پس از بحث و بررسی‌های نسبتاً طولانی، بالاخره برای اولین بار کلاس‌های چند پایه به‌طور ویژه مورد توجه قرار گرفت و خوشبختانه شورای عالی آموزش و پرورش در جلسه مورخ ۹۳/۲/۲۹ آیین‌نامه‌ی کیفیت‌بخشی به کلاس‌های چند پایه را تصویب نمود. در این آیین‌نامه حداکثر تعداد پایه برای تشکیل کلاس، سه پایه و با حداکثر ۱۵ نفر دانش‌آموز قید شده و در صورت ضرورت تشکیل کلاس با پایه‌ی بیشتر با تعداد دانش‌آموز بیشتر تا سقف ۶ ساعت در هفته به معلم کلاس در ازای ساعات تدریس اضافه، حق التدریس پرداخت خواهد شد. هم‌چنین در این مصوبه گذراندن دوره‌ی ضمن خدمت ۴۰ ساعته ویژه‌ی کلاس‌های چندپایه، گنجانیدن دروس ویژه‌ی کلاس‌های چندپایه در برنامه‌ی درسی دانشگاه فرهنگیان، تولید محتوای منعطف و بسته‌های آموزشی-پرورشی خاص کلاس‌های چندپایه مورد تأکید و توجه قرار گرفته است.

هم‌چنین به لطف خداوند تلاش خواهیم کرد در زمینه‌ی ایجاد انگیزه‌ی شغلی کارکنان دروه‌ی ابتدایی و افزایش اعتبار مادی و منزلتی این جایگاه، اقدامات مؤثری را که در حال پیگیری هستیم، به نتیجه برسانیم. علاوه بر آن هدف‌گذاری توسعه‌ی کمی و افزایش پوشش تحصیلی نوآموزان پیش‌دبستانی به‌ویژه در مناطق روستایی، محروم و مرزی به‌خصوص دوزبانه مورد اهتمام جدی است. انسداد مبادی بیسودی به‌طور ویژه با مشارکت فعال استاندانان

محترم، فعال کردن دبیرخانه‌های موضوعی تخصصی در استان‌ها، برگزاری جشنواره‌های علمی-پژوهشی معلمان و دانش‌آموزان از جمله برنامه‌های اولویت‌دار سال تحصیلی آینده است.

۷. مدارس و نظام اداری آموزش و پرورش برای تقسیم دوره‌ی ابتدایی به دو دوره‌ی سه ساله در حال و آینده چه مشکلاتی دارند؟ این مسائل چیست و چگونه برطرف می‌شوند؟

اصلی‌ترین معضل، کمبود فضای آموزشی و نامناسب بودن فضاهای فیزیکی موجود است. استحضر دارید که اصولاً معماری مدارس ابتدایی بر مبنای استقرار پنج پایه‌ی تحصیلی بوده و فضاهای جانبی نیز با همین نگاه احداث شده‌اند. با تغییر ساختار و اضافه شدن یک پایه به دوره‌ی ابتدایی و علی‌رغم اختصاص فضاهای جانبی مدارس به کلاس درس، بحران جدی در تأمین فضای آموزشی به‌وجود آمد که این موضوع طبیعتاً باعث بالا رفتن تراکم کلاس و افت کیفیت آموزش و پرورش مدارس گردیده است.

بنابراین علی‌رغم مطلوبیت تفکیک دانش‌آموزان دوره‌ی اول و دوم و هدف‌گذاری در تفاهم‌نامه‌های معاونت با استان‌ها و تلاش فراوانی که همکاران ما در استان‌ها برای این موضوع انجام می‌دهند و به دلیل مراقبت‌هایی که برای ارجحیت فعالیت مدارس در نوبت صبح باید لحاظ کنیم، این روند به کندی پیش می‌رود. لذا همت و عنایت سازمان نوسازی و خیرین محترم از سویی و از دیگر سو توجه مدیران محترم استان و شهرستان و منطقه در بازچینش فضاهای آموزشی و اختصاص فضای مناسب برای دوره ابتدایی و تحقق این مطالبه‌ی مهم سند تحول که هم از جهت آموزشی و هم از جهت فرهنگی و پرورشی ضروری است، فراهم آید.

مشکل دیگر کمبود نیروی انسانی و منابع مالی دوره است، طبیعتاً نظام دوره‌ای علاوه بر نیاز به فضا، کادر اداری و مدیریتی، منابع تجهیزاتی و مالی را نیز طلب می‌کند که از این حیث هم با مشکلاتی مواجهیم.

۸. در تجهیز مدارس ابتدایی و نیز

پیش‌بینی هوشمندسازی مدارس و آموزش آموزگاران چه برنامه‌هایی دارید؟

با عنایت به اینکه در برنامه‌ی درسی ملی و محتوای درسی در کلیه‌ی پایه‌های تحصیلی از جمله درس فن آوری در پایه‌ی ششم ابتدایی، تأکید بر فعالیت‌محوری و توجه به حل مسئله و درگیر شدن بیشتر دانش‌آموزان به امر یادگیری مادام‌العمر و افزایش مهارت‌ها می‌باشد، لذا در جهت تجهیز مدارس ابتدایی بنا به ضرورت حتمی اقداماتی انجام پذیرفته است.

۹. در چند سال اخیر دیده شد که آموزگاران از پایه‌ها و دوره‌های دیگر به دوره‌ی ابتدایی آمدند. چرا چنین تصمیمی گرفته شد و آیا برای آموزش و آمادگی آن‌ها برنامه‌های خاصی در نظر دارید؟

با توجه به اجرایی شدن نظام آموزشی ۳-۳-۶ در دو سال گذشته و افزایش یک پایه‌ی تحصیلی در دوره‌ی ابتدایی و کاهش یک پایه‌ی تحصیلی در دوره‌ی دیگر، کمبود نیروی انسانی در این دوره‌ی تحصیلی اجتناب‌ناپذیر بود و بنابراین در دو سال گذشته برای جبران این کمبود از دوره‌های دیگر تعدادی نیرو جذب شده است، که این امر پیامدهایی داشت و انتظار می‌رود شیب جذب نیرو از دیگر دوره‌های به دوره‌ی ابتدایی برای سال‌های تحصیلی آینده کم شود. البته با توجه به تغییر کتاب‌های درسی در سه سال گذشته کلیه‌ی نیروها قبل از شروع سال تحصیلی، آموزش دوره‌ی ضمن خدمت مربوط به هر پایه را می‌گذراندند و در مورد همکارانی که از سایر دوره‌ها به ابتدایی آمده‌اند با همکاری مرکز برنامه‌ریزی منابع انسانی تدابیر لازم برای آموزش آنان در طی تابستان صورت می‌گیرد.

طرح‌ها و برنامه‌های دفتر آموزش دبستانی برای ارتقای کیفیت آموزش در دوره‌ی ابتدایی

الف. طرح ارتقای آموزش قرآن:

این برنامه در راستای توجه جدی به تربیت قرآنی و نیز آموزش قرآن کریم در آموزش و پرورش، تأکیدات و مطالبات رهبر

معظم انقلاب (مدظله‌العالی) از مسئولان وزارت آموزش و پرورش و با توجه به اسناد بالادستی، از سال تحصیلی ۸۹-۸۷ در پایه‌ی سوم آغاز شد و هم‌اکنون کلیه‌ی پایه‌های شش‌گانه‌ی تحصیلی و دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی کشور تحت پوشش برنامه قرار گرفته‌اند.

ب. طرح انس با نماز و ارتباط با مسجد

این طرح در سال تحصیلی ۹۳-۹۲ با هدف فراهم آوردن زمینه‌ی مناسب برای ارتقای فرهنگ نماز در مدارس و مساجد، به‌وجود آوردن فضایی معنوی و بانشاط در مدارس، افزایش سطح آگاهی دانش‌آموزان و آشنایی با احکام نماز، بهره‌مندی از راهنمایی‌های روحانیت معظم به‌عنوان الگوی روح معنوی جامعه، ارتقای جایگاه مسجد در فرایند تعلیم و تربیت، ارتقای نقش الگویی معلمان و سایر کارکنان مدارس و اولیای دانش‌آموزان که در سال اول ۳۰ درصد مدارس ابتدایی و توسعه‌ی آن طی سه سال در کل مدارس واجدالشرايط اجرا خواهد شد.

پ. آموزش آداب و مهارت‌های زندگی اسلامی (طرح کرامت)

این برنامه در راستای تحول در آموزش و پرورش به‌ویژه منویات رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) در خصوص تربیت انسان‌هایی با برجستگی‌های اخلاقی، فکری، مغزی و با تدوین با هدف رشد فضایل اخلاقی، ارتقای توانمندی‌های دانش‌آموزان برای زندگی فردی و اجتماعی متناسب با آموزه‌های اسلامی، تقویت بینش و مهارت دانش‌آموزان جهت رشد و توسعه‌ی قابلیت‌های کرامتی و تکریم شخصیت آنان در خانه و مدرسه در بیش از ۱۸۹۰۰۰ کلاس با پوشش دانش‌آموزی ۲۳۷۹۶۶ نفر در مدارس ابتدایی در حال اجراست.

ت. طرح پرورش خلاقیت با رویکرد اصلاح الگوی مصرف

این طرح در راستای مطالبات مقام معظم رهبری در خصوص اصلاح الگوی مصرف در جهت عملیاتی کردن اهداف سند تحول بنیادین با اهداف:

- ایجاد زمینه‌های پرورش خلاقیت دانش‌آموزان
- بهره‌گیری از ایده‌های دانش‌آموزان در حل

مسائل و مشکلات مدرسه و منزل به‌ویژه اصلاح الگوی مصرف آموزش درست و به‌جا مصرف کردن منابع و استفاده بهینه از امکانات - ایجاد خودبیاوری در دانش‌آموزان و تقویت اعتماد به نفس در ۱۰ درصد مدارس ابتدایی در ۱۳۰۰۰ کلاس با پوشش دانش‌آموزی ۲۷۱۰۴۱ در پایه‌های چهارم و پنجم اجرایی شود.

ث. ارزش‌یابی کیفی - توصیفی

به منظور تحقق اهداف ما از سال تحصیلی ۸۲-۸۱ بر مبنای مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش در دوره‌ی ابتدایی آغاز گردیده است که در حال حاضر این رویکرد نوین ارزش‌یابی در پایه‌های اول، دوم، سوم، چهارم و پنجم به‌صورت صد درصد اجرایی شده است.

ج. توسعه‌ی فعالیت‌های گروه‌های آموزشی

گروه‌های آموزشی با برقراری ارتباط سازنده بین معلمان، زمینه‌ی اظهارنظر آن‌ها را در مورد محتوای آموزشی کتاب‌های درسی، روش‌های تدریس و یادگیری، شیوه‌های سنجش و ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی - تربیتی، وسایل و تجهیزات آموزشی و... زمینه‌ی اجرای طرح‌ها و برنامه‌های جدید آموزشی را فراهم می‌آورد و با استفاده از تجارب مفید آموزگاران در راستای اصلاح مداوم نظام آموزشی اقدام نموده و گام‌های مؤثری نیز در جهت ارتقا و بهبود کیفیت فرایند یاددهی - یادگیری برمی‌دارد. در رویکرد معاونت آموزش ابتدایی، خاستگاه اصلی گروه‌های آموزشی مدرسه است و معلمان با حضور مؤثر و تعامل سازنده با یکدیگر فرصت‌های هم‌اندیشی را در خصوص امور مختلف برنامه‌های درسی، آموزشی و تربیتی فراهم می‌آورند.

چ. جشنواره‌ی الگوهای مناسب تدریس و یادگیری

جشنواره الگوهای مناسب تدریس و یادگیری به‌منظور افزایش انگیزه‌ی معلمان در شناسایی و به‌کارگیری روش‌های مناسب تدریس برگزار می‌گردد. جشنواره‌ها با ارائه‌ی نمونه‌هایی از تدریس‌های عملی در نظر دارند تا الگوهایی برتر از فرایند یاددهی - یادگیری ارائه کنند و از آن طریق معلمان با الگوسازی و استفاده از نمونه‌های تدریس دیگران، فعالانه و عملی در جریان بهسازی عملکرد خویش وارد شوند. این



درسی که از پایه‌ی اول شروع شده و به تدریج برای سال تحصیلی ۹۴-۹۳ به پایه‌ی چهارم رسیده است می‌باشد، که در این زمینه باید گفت: کتاب‌های این پایه بنا به اظهار مسئولان سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی تدوین و در حال اعتبار بخشی است و با عنایت به زمان بندی پیش بینی شده، به موقع آماده‌ی ارائه خواهد بود و دانش آموزان و اولیای این پایه‌ی تحصیلی در کل دوره‌ای که از اول ابتدایی شروع به تحصیل کرده‌اند در مقایسه با دیگر دانش آموزان تجربه‌ی تغییر و اصلاح کتاب را از ابتدای تحصیل داشته‌اند و به این موضوع آگاهی کامل دارند و برای معلمان این پایه نیز همانند پایه‌های قبلی، در تابستان ۹۳ دوره‌ی آموزش ضمن خدمت خاص پیش‌بینی و اجرایی خواهد شد. علاوه بر این، پایه‌ی چهارم در مطالعات بین‌المللی «تیمز» و «پرلز» پایه‌ی اساسی و مورد مطالعه است و توانمندی و تسلط دانش آموزان این پایه به دانش، مهارت و نگرش‌های اساسی بسیار مهم و به نوعی نشان دهنده‌ی کارایی درونی نظام تعلیم و تربیت در دوره‌ی ابتدایی خواهد بود. لذا پاسخ به چرایی انتخاب پایه‌ی چهارم در مطالعات بین‌المللی می‌تواند دغدغه‌ی عناصر مؤثر نظام تعلیم و تربیت برای توجه و کیفیت بخشی دوره‌ی ابتدایی و به ویژه این پایه‌ی تحصیلی باشد.

مناطق عشایری و کمتر توسعه یافته با به کارگیری روش‌های نوین تدریس و ایجاد تحول در شیوه‌های سنتی و تسهیل فرایند یاددهی-یادگیری در کلاس‌های چندپایه و مدیریت بهینه‌ی زمان در این کلاس‌ها، از سال تحصیلی ۹۰-۸۹ آغاز شده است و هم‌اکنون با آموزش‌های تخصصی و حرفه‌ای معلمان کلاس‌های چندپایه ادامه می‌یابد.

طبق این برنامه معلمان کلاس‌های چندپایه سراسر کشور در طول شش ماهه‌ی اول سال تحصیلی در کارگاه‌های آموزشی (حداقل ۲۴ ساعت) توسط مناطق با حضور مدرسان مجرب استانی و منطقه‌ای برگزار می‌گردد و به همراه آموزش، بسته‌ها و منابع مطالعاتی ویژه‌ی این گونه کلاس‌ها توسط کارگروه تخصصی کیفیت بخشی استان تهیه و توزیع می‌شود.

۱۰. از نظر معاونت آموزش ابتدایی، پایه‌ی چهارم ابتدایی چه ویژگی‌هایی دارد و معلم، مدیر و والدین دانش آموزان در آن چه وظایفی دارند؟

کل دوره‌ی ابتدایی دارای ویژگی‌های مشترک بوده و هر پایه نیز با توجه به دوره‌ی سنی و جنسی اکثر دانش آموزان هم‌پایه، دارای ویژگی‌های خاص می‌باشد، البته با توجه به تغییر کتب

طرح در سال تحصیلی ۹۳-۹۲ با حضور حدود ۳۵ درصد معلمان برگزار می‌شود.

ح. طرح پروژه‌های علمی دانش آموزان دوره‌ی ابتدایی (جشنواره‌ی جابرین حیان)

این طرح با اهداف ویژه از جمله تقویت مهارت‌های مشاهده‌ی دقیق، تقویت روحیه‌ی کنجکاوی و پرسشگری، تقویت انگیزه‌ی یادگیری دانش آموزان، ایجاد بستر و شرایط برای تفکر منطقی و حل مسئله، تقویت بینش پژوهشی و آموزش روش علمی که براساس اهداف سند تحول بنیادین و برنامه‌ی درسی ملی می‌باشد در سال تحصیلی ۹۳-۹۲ در ۳۸ درصد مدارس ابتدایی اجرایی شود.

خ. طرح درس پژوهی

درس پژوهی یک رویکرد توسعه‌ی حرفه‌ای با پژوهش گروهی، در کلاس درس است که طی آن معلمان با یکدیگر برای تدوین طرح درس، اجرا و مشاهده‌ی نتایج آن در جهت بهبود یادگیری دانش آموزان همکاری و مشارکت می‌کنند.

د. کیفیت بخشی به آموزش کلاس‌های چندپایه

این برنامه در راستای تحقق عدالت آموزشی و دسترسی همگانی به آموزش و پرورش رسمی با کیفیت و ایجاد فرصت‌های برابر آموزشی و پرورشی بین مناطق روستایی و حاشیه شهری و

چرا آموزگار پایه؟

آموزگار پایه، فرصت استفاده از یادگیری و هم‌پوشی دروس مختلف را فراهم می‌کند

رضانباتی

کارشناس و مؤلف
آموزش قرآن، دفتر تألیف
کتاب‌های درسی ابتدایی
و متوسطه‌ی نظری

اشاره

همواره مهم‌ترین چالش و تهدید درس قرآن، بدفهمی آن است. بر این اساس، میزان یادگیری و انس دانش‌آموزان با قرآن دقیقاً به نسبت اندازه‌ی فهم صحیح معلم و مدرسه از آموزش قرآن است. اینکه چه چیزی آموزش قرآن نیست و آموزگاران چه کارهایی را در زنگ قرآن نباید انجام دهند تا دانش‌آموزان راحت‌تر قرآن بیاموزند، خود بحث مفصلی است که به زمان و حوصله‌ی بیشتری نیاز دارد اما در ادامه نمونه‌ای از نظرات موجود را می‌توان در این زمینه ذکر کرد.

از سوی دیگر، برنامه‌ی درسی قرآن در مدارس پیوسته مورد نقد جامعه‌ی قرآنی قرار دارد؛ به‌طوری که برخی از فعالان قرآنی از نحوه‌ی آموزش قرآن در مدارس گلایه‌مندند و دلیل ناکارآمدی و عدم تربیت قرآنی در جامعه را مدارس می‌دانند اما مسئولان آموزش و پرورش معتقدند که آن‌ها باید به «تحقق اهداف آموزش عمومی قرآن» طبق رویکردها و مبانی‌ای که در اسناد بالادستی آمده بپردازند تا همه‌ی دانش‌آموزان بتوانند از حق آموزش به‌صورت یکسان بهره ببرند.

تصور جامعه‌ی قرآنی از آموزش قرآن در مدارس آموزش‌های تخصصی آن است؛ در صورتی که وظیفه‌ی اصلی آموزش و پرورش در آموزش قرآن تحقق سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری و اهداف سند تحول بنیادین و هم‌چنین سند برنامه‌ی درسی ملی است.

وجود برخی از باورهای غلط درباره‌ی مبانی و روش‌های آموزش و تدریس قرآن در دوره‌ی ابتدایی، اجرای ناقص برنامه‌های درسی و نبود نظارت بر آن و نیز اعمال سلیقه‌های متعدد در مدرسه‌ها باعث بروز مشکلات عدیده‌ای شده است که در این مقال به بخشی از آن‌ها می‌توان اشاره کرد.

۱. تلقی اینکه درس قرآن یک درس تخصصی است و باید معلمان متخصص آن را تدریس کنند.

۲. هدف اصلی علاقه‌مند کردن دانش‌آموزان به قرآن کریم است.

۳. هدف از آموزش قرآن، آموزش حفظ و قرائت برخی از سوره‌های کتاب درسی است.

۴. هدف از آموزش قرآن، آموزش حفظ پیام‌های قرآنی کتاب درسی است.

۵. آموزش روخوانی یعنی آموزش قواعد روخوانی قرآن.

۶. تأکید بر آموزش روخوانی قرآن کریم به روش شنیداری.

۷. تربیت حافظان قرآن به جای اهداف مصوب و...

برداشت‌ها

این برداشت‌های غلط و دخالت‌های غیرکارشناسانه، هرگز با اسناد بالادستی نظام آموزش و پرورش، هدف‌های مصوب شورای عالی آموزش و پرورش و هم‌چنین راهنمای برنامه‌ی درسی آموزش قرآن دوره‌ی ابتدایی، که در مقدمه‌ی کتاب‌های درسی آموزش قرآن به آن‌ها به وضوح اشاره شده است، تناسبی ندارد. تجربه نشان می‌دهد که اغلب آموزگاران مقدمه‌ی کتاب درسی را به دقت نخوانده‌اند!



درسی که به درس مورد نظر تسلط دارند، استفاده می‌شود.

۲. در دوره‌ی ابتدایی اگر وظیفه‌ی آموزش قرآن را از آموزگار پایه بگیریم، خواسته یا ناخواسته مروج فرهنگ سکولار در آموزش و پرورش می‌شویم. یعنی آموزگار رفته‌رفته نه تنها از آموزش قرآن بلکه از معنویت آن نیز فاصله می‌گیرد. در چنین شرایطی، دیگر نمی‌توان از چنین معلمی تربیت قرآنی و دینی توقع داشت و نباید شعار احیای حیات طیبه را فریاد کرد چراکه این نگاه با سند تحول بنیادین که بر شکوفایی فطرت الهی دانش‌آموزان تأکید دارد، مغایر است.

۳. آموزگاران پایه، فارغ‌التحصیل تربیت معلم هستند؛ یعنی دوره‌ی آموزش‌های علوم، فارسی، ریاضی و «قرآن» را گذرانده‌اند

و تعهد دارند که قرآن را نیز هم‌چون سایر

دروس به مدت سی سال تدریس کنند.

۴. اصرار برخی افراد به تدریس قرآن توسط

معلم غیر پایه به این دلیل است که آموزش‌های

تخصصی هم‌چون قرائت و حفظ، بدون دلیل

وارد آموزش و پرورش شده است اما مجدداً باید

متذکر شد که آموزش‌های تخصصی قرآن در

چشم‌انداز و اهداف وزارت آموزش و پرورش

نیست. بنابراین، این چنین نگرش‌هایی نیاز به

اصلاح دارد که امیدواریم براساس اسناد بالادستی موجود این رویه

به‌گونه‌ی صحیح و قانونی اعمال شود.

۵. تجربه‌ی آموزش توسط یک آموزگار در همه‌ی دروس یک پایه،

یک تجربه‌ی موفق جهانی است و نباید این تجربه‌ی موفق به‌راحتی

کنار گذاشته شود.

۶. تدریس قرآن به‌وسیله‌ی آموزگار پایه مزایای زیادی در آموزش و

تربیت قرآن دارد. از آن جمله «استفاده از فرصت‌های یادگیری و نیز

همپوشی دروس مختلف» است که این فرصت با حذف آموزگار پایه

به تهدید تبدیل می‌شود.

۷. آموزگار پایه بهترین معلم روخوانی قرآن است؛ زیرا برنامه‌ی

درسی قرآن دوره‌ی ابتدایی بر پایه‌ی آموزش سوادآموزی فارسی بنا

شده است.



وظیفه‌ی آموزش و پرورش ایجاد زمینه‌ای برای کسب حداقل سواد قرآنی برای همه‌ی دانش‌آموزان است و این به‌معنای کسب حداقل دانش و مهارت پایه از آموزش قرآن است؛ به زبان عامیانه به آن کف یادگیری قرآن یا سواد قرآنی گفته می‌شود.

سواد قرآنی دارای چهار رکن است. کسب مهارت خواندن اولین و مهم‌ترین رکن از ارکان آموزش قرآن است. خواندن قرآن در مدارس به معنای قرائت قرآن با رعایت فنون چهارگانه‌ی قرآن یعنی تجوید، صوت و لحن، وقف و ابتداء نیست بلکه منظور فقط صحیح خوانی آیات قرآن کریم است.

بنابراین آموزش‌های تخصصی قرآن، جزء برنامه‌ی درسی و نیز فعالیت‌های قرآنی در مدارس نیست.

طبق نظریه‌های روان‌شناسی تربیتی، هوش‌های چندگانه‌ی یادگیری و هم‌چنین موضوع تفاوت‌های فردی، تمامی فراگیرندگان توانایی رسیدن به جایگاه هنری قرائت و حفظ قرآن کریم را ندارند.

بنابراین، اگر ما بر آموزش‌های خاص در آموزش و پرورش تأکید کنیم، بسیاری از دانش‌آموزان سرخورده می‌شوند و این امر اعتراض خانواده‌ها را به دنبال دارد و البته، این مسئله به نفع نظام تعلیم و تربیت و آموزش قرآن نیست.

چرا آموزش قرآن در دوره‌ی ابتدایی باید به‌وسیله‌ی آموزگار پایه انجام شود؟

۱. درس آموزش قرآن دوره‌ی ابتدایی، چه در مدارس دولتی و چه در سایر مدارس، باید توسط معلم پایه تدریس شود و طبق قانون، تنها آموزگاران پایه باید به آموزش قرآن در دوره‌ی ابتدایی بپردازند. در دوره‌ی ابتدایی، آموزش تخصصی وجود ندارد بلکه ایجاد ارتباط عاطفی با دانش‌آموزان و آموزش مهارت‌های اولیه‌ی روخوانی و روان‌خوانی و در نهایت تحقق تربیت اسلامی مورد نظر است. در این دوره، هدف‌های عمومی و پایه‌ی پیگیری می‌شوند؛ در حالی که در پایه‌های بالاتر، موضوعات کمی تخصصی‌تر می‌گردد و از معلمان



روایت من از درسی که فهمیدم

درس سوم کتاب آموزش قرآن، پایه‌ی چهارم ابتدایی

رضانباتی

اشاره

شاید چندان به‌منظر معمولی نیاید اما این گزارش را از قول یک دانش‌آموز روایت می‌کنیم. درج مقاله در این شکل به آن جهت است که متن صمیمی و کاربردی را منعکس کنیم و نمودی باشد برای به‌کار بستن تدریسی که با شیوه‌ای آسان، روند یاددهی - یادگیری قرآن را طی کرده است.

روز شنبه

نزدیک زنگ تفریح بود. آقای فاطمی به دانش‌آموزان کلاس رو کرد و گفت: «بچه‌ها، زنگ دوم قرآن داریم. چه خوب است همه با هم زنگ تفریح وضو بگیریم تا موقع خواندن قرآن ثواب بیشتری ببریم.»

جلسه‌ی اول

الف

زنگ تفریح همراه دوستانم وضو گرفتیم و وارد کلاس شدم. با ورود آقای فاطمی همه بلند شدیم و با هم صلوات قرآنی را هم خوانی کردیم. آقای فاطمی طبق معمول پس از گفتن «بسم‌الله الرحمن الرحیم» و سلام و احوال‌پرسی مختصر، کتاب درسی قرآن را بوسید و گفت: «بچه‌های گلم، لطفاً درس سوم صفحه‌ی ۱۵ کتاب را باز کنید. پنج دقیقه وقت دارید که هر کدام این صفحه را برای خودتان بخوانید. چه‌طور می‌خوانید؟»

- زمزمه می‌کنیم.

- آفرین؛ یعنی طوری که صدای خودتان را بشنوید. این اولین مرحله‌ی روخوانی است که به آن «مرحله‌ی پیش‌خوانی در کلاس» می‌گوییم.

سپس معلم به ساعتش نگاه کرد. من هم مانند همه‌ی بچه‌های کلاس، قرآنم را بوسیدم و شروع کردم به خواندن آیات درس. در حالی که قرآن می‌خواندم، بعضی وقت‌ها به آقای فاطمی هم نگاه می‌کردم که بالای سر بچه‌ها می‌رفت و آن‌ها را به خواندن تشویق می‌کرد.

- آفرین بچه‌ها، حالا ده دقیقه وقت دارید برای «خواندن تمرین همین صفحه در گروه». هر کس يك خط برای دوستش بخواند و دوستش هم سطر بعدی را بخواند تا صفحه تمام شود. مراقب باشید غلط نخوانید.

اودر حالی که به ساعتش هم توجه داشت، با نگاه تشویق‌آمیزی به گروه‌ها سرکشی می‌کرد و به خواندن آن‌ها گوش می‌داد.

- خب، وقت تمام شد. حالا رسیدیم به مرحله‌ی سوم یعنی «مرحله‌ی خواندن برای کلاس». چه کسی حاضر است يك سطر برای کلاس بخواند؟

بیشتر دانش‌آموزان دست بلند کردند. هر يك از دانش‌آموزان داوطلب سطری از آن صفحه را خواند. معلم هم با مهربانی و حوصله اشکالات همه را در خواندن برطرف می‌کرد. گاهی هم معنای کلمه یا ترکیب‌های ساده‌ای مانند «نعمت»، «نعمت‌الله»، «صلاه»، «ناس»، «رزق»، «شیء» و... را سؤال می‌کرد. این بخش هم حدود بیست دقیقه طول کشید.

- دانش‌آموزان عزیز، امروز این صفحه را خوب یاد گرفتیم. ان‌شاءالله، جلسه‌ی بعد به سراغ آیه‌های جدید می‌رویم اما از شما انتظار دارم برای اینکه این درس را خوب یاد بگیرید، يك بار هم در خانه آن را بخوانید.

ب

آقای فاطمی باقی‌مانده‌ی زنگ را به آموزش پیام قرآنی پرداخت.



- صفحه‌ی ۱۶ را باز کنید. این پیام قرآنی را خودتان يك بار با دقت بخوانید و دانش‌آموزانی که آمادگی دارند آن را با صدای بلند بخوانند.
من نیز پیام قرآنی را با دقت خواندم و اولین نفری بودم که برای خواندن داوطلبانه دستم را بلند کردم:

«وَأِنْ تَعَدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا»
اگر بخواهید نعمت‌های خدا را بشمارید، آن قدر زیاد است که نمی‌توانید.
(سوره‌ی ابراهیم، آیه ۳۴)

- آفرین! خوب و درست خواندی.
پس از من چند دانش‌آموز دیگر هم آن پیام را خواندند.

آقای فاطمی اضافه کرد:

- بچه‌ها، به تصویر نگاه کنید. در این تصویر چه نعمت‌هایی نقاشی شده است؟

دانش‌آموزان به تصویر نگاه کردند.

- آقا اجازه، می‌توانیم با هم مشورت کنیم؟

- بله، خیلی هم خوب است.

... دانش‌آموزان مطالب خوبی گفتند و آقای فاطمی هم مثل همیشه از پاسخ‌های بچه‌ها خیلی خوشحال می‌شد و بچه‌ها را تشویق می‌کرد تا مطالب بیشتر و بهتری بگویند. جالب بود که آقای فاطمی بیشتر گوش می‌کرد. پس از چند لحظه رو به بچه‌ها کرد و گفت:

- چه کسی می‌تواند زودتر از بقیه این پیام قرآنی را در آیه‌های صفحه‌ی قبل پیدا کند؟

محسن زودتر از بقیه آن را پیدا کرد:

- آقا اجازه، خط اول و دوم!

- آفرین! بچه‌ها زیر پیام قرآنی خط بکشید.

سپس ادامه داد:

- بچه‌ها، این شعر زیبا از سعدی شیرازی است. چه کسی آن را می‌خواند؟

فضل خدای را که تواند شمار کرد؟

یا کیست آن که شکر یکی از هزار کرد؟

- این بیت از شعر در واقع ترجمه‌ی منظوم پیام قرآنی درس است.

ج

- بچه‌ها، يك دقیقه وقت دارید این پیام قرآنی را حفظ کنید.
دانش‌آموزان شروع به حفظ پیام قرآنی کردند و من سومین دانش‌آموزی بودم که داوطلب شدم و پیام قرآنی و ترجمه‌ی آن

را برای هم‌کلاسی‌هایم خواندم. البته تعداد زیادی از بچه‌ها پیام را خیلی سریع حفظ کردند و آن را خواندند تا اینکه صدای زنگ به گوش رسید.

- دانش‌آموزان عزیز، آیا به عهد و پیمانی که اول سال با هم داشتیم وفادارید؟ پس تلاوت يك صفحه از قرآن هر شب فراموش نشود!

- چشم آقا، «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ»

روز دوشنبه، جلسه‌ی دوم

الف

امروز آقای فاطمی در حالی که در يك دستش رایانه‌ی همراه و در دست دیگرش بلندگوهای رایانه بود، وارد کلاس شد. فهمیدم امروز قرار است تمرین قرائت قرآن داشته باشیم. او مثل همیشه دفتر نمره‌اش را باز کرد:

- بچه‌ها سلام! الوعدہ وفا!

- بهنام احمدی

- آقا اجازه، سه صفحه

- میلاد برادری

- اجازه، پنج صفحه

...

یعنی اینکه ما در این هفته چند صفحه قرآن خوانده‌ایم. او در دفتر نمره جلوی اسم هر دانش‌آموز تعداد صفحات خوانده شده را می‌نوشت و بعضی وقت‌ها جمع می‌زد و مثلاً می‌گفت امروز بچه‌ها سر جمع ۸۶ صفحه قرآن خوانده‌اند. البته این کار الزامی نبود بلکه دلخواهی بود.

- لطف کنید صفحه‌ی ۱۵ کتاب قرآن درسی را باز کنید. يك بار همه با هم گوش می‌کنیم و سپس دانش‌آموزانی که داوطلب باشند مانند قاری با صوت بخوانند، اعلام آمادگی کنند.

- آقا اجازه، چرا جلسه‌ی قبل از ما نخواستید با صوت بخوانیم



- صد آفرین، قبل از آن از کجا؟
 - آقا/اجازه، از ذهن و فکر خودمان.
 - هزار آفرین به شما، اول از همه باید از معلومات خودمان کمک بگیریم و اگر نتوانستیم از ترجمه‌ی عبارت‌های صفحه‌ی قبلش و اگر باز نتوانستیم از لغت‌های آخر کتاب.
 - گروه‌های محترم برای تمرین اول سه دقیقه وقت دارید. داشتن «مداد و پاک‌کن» الزامی است. شروع کنید!
 آقای فاطمی به ساعتش نگاه کرد و سپس بالای سر بچه‌ها رفت تا گروه‌ها را به انجام دادن تمرین تشویق کند.
 - سه دقیقه تمام؛ گروه چهار، شماره‌ی یک را بخوان.
 - ۱ - آجر: پاداش، پاداش‌ها. آقا/اجازه، پاداش درست است.
 - آفرین! پاسخ را از کجا پیدا کردی؟
 - آقا، در فارسی هم اجر و پاداش داریم.
 - آفرین به شما! شماره‌ی دو را گروه سه بخواند.
 ...

تمرین دوم هم به همین شکل انجام شد. این فعالیت هم حدود ده دقیقه طول کشید.
 - دانش‌آموزان عزیز، لطف کنید برای جلسه‌ی بعد تمرین‌های صفحه‌ی ۱۹ یعنی صفحه‌ی «انس با قرآن در خانه» را انجام دهید و هم چنین آیات صفحه‌ی ۲۰ را پیش خوانی کنید. در صورتی که کتاب گویای آیات درس را دارید، با استفاده از آن تمرین کنید.
 آقای فاطمی ادامه داد:
 - این موضوع انشای شما برای زنگ انشای هفته‌ی آینده است. سعی کنید با اعضای خانواده‌ی خود مشورت کنید و به پنج مورد اشاره کنید.

- راستی، تکلیف قرآن شما مثل همیشه چیست؟
 - خواندن روزانه‌ی آیات قرآن
 - آفرین به شما نونهالان قرآنی!

روز چهارشنبه، جلسه‌ی سوم

امروز زنگ دوم، آقای فاطمی باز هم با روی خندان وارد کلاس شد. پس از ذکر نام خدا و سلام و احوال‌پرسی، اسم بچه‌ها را خواند و مثل جلسات قبل تعداد صفحاتی را که از قرآن کریم خوانده بودیم در دفتر نمره‌اش یادداشت کرد. سپس گفت:
 - امیرالمؤمنین، امام علی - علیه السلام - درباره‌ی قرآن

اما این جلسه باید با صوت بخوانیم؟
 آقای فاطمی با لبخند همیشگی‌اش گفت: «میلاد عزیزم، جلسه‌ی قبل هدف کلاس آموزش روخوانی بود اما این جلسه هدف ما روان‌خوانی قرآن است. یعنی باید سعی کنیم معمولی و روان بخوانیم. البته رعایت لحن و لهجه‌ی عربی الزامی نیست.»
 بچه‌ها در حین گوش دادن به قرائت ترتیل زیبای قرآن، با چشم آیات را خطبری می‌کردند و بعضی از آن‌ها هم آرام با قاری زمزمه می‌کردند. پس از اینکه تلاوت آن صفحه به پایان رسید، بلافاصله دانش‌آموزان زیادی برای قرائت آیه‌های درس اعلام آمادگی کردند. من هم یکی از آن‌ها بودم. ۲۵ دقیقه از وقت کلاس به تمرین قرائت بچه‌ها گذشت و بچه‌ها هنوز داوطلب بودند که هر کدام حداقل سه سطر بخوانند.

- فرزندان عزیز و قرآنی‌ام، می‌دانم که خواندن و قرائت قرآن برای شما یکی از جذاب‌ترین فعالیت‌هاست، بقیه‌ی بچه‌ها روز چهارشنبه خواهند خواند اما در این زنگ باید یک فعالیت دیگر هم داشته باشیم. به تمرین دوم کتاب درسی نگاه کنید. شماره‌ی یک را آقای قاسم‌پور بخواند.

- «أطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ» یعنی: اطاعت کنید از خدا و پیامبرش (سوره‌ی انفال، آیه‌ی ۲۰).

- آفرین، چرا آخر عبارت نگفتی «رَسُولَهُ»؟
 - آقا اجازه، آخرش وقف کردیم.
 - مرحبا، درست گفتی. آقای عظیمی شماره‌ی دورا بخوان.
 - «فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ» یعنی پس پاداش او نزد پروردگارش است (سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۱۲).

- چرا در آخر عبارت گفتی «رَبِّهِ»؟ آیا درست خواندی؟
 - آقا اجازه! فکر کنم باید می‌گفتم «رَبِّهِ».

- احسنت به تو پسر باهوش؛ بچه‌ها، همان‌طور که می‌دانید، صداها چاپ شده با رنگ آبی «هه و هی» در آخر عبارت خوانده نمی‌شوند. از این پس، این صداها معمولی نوشته می‌شوند ولی مثل گذشته خوانده نمی‌شوند. حالا عبارت سوم را علیرضا بخواند.

- «أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ» یعنی آیا خدا برای بنده‌اش کافی نیست؟ (سوره‌ی زمر، آیه‌ی ۳۶)

- آفرین، این هم قاعده‌ی این درس. می‌دانم این قسمت آن قدر ساده بود که به بیش از پنج دقیقه نیاز نداشت و همه یاد گرفتند.

- عنوان صفحه‌ی ۱۸ کتاب چیست؟
 - «کار در کلاس»

- بگویید بینم پاسخ این دو تمرین را از کجا پیدا کنیم؟
 - آقا/اجازه، از لغات آخر کتاب

- آفرین! قبل از آن از کجا؟

- آقا از ترجمه‌ی آیات صفحه‌ی قبلش.



۱. تمرین دوم و سوم در عین حال که بسیار ساده است و وقتی از شما نمی‌گیرد اما بسیار مهم است؛ زیرا درباره‌ی قاعده‌ی درس است و باعث می‌شود قواعد را با تمرین‌های مکرر به‌خاطر بسپارید.

۲. در تمرین دوم عبارات قرآنی را می‌خواندیم و دور حرکاتی که هنگام وقف خوانده نمی‌شوند، خط می‌کشیدیم. در تمرین سوم، صدای قبل از حروف ناخوانا را با علامت پیکان (←) به ساکن یا تشدید بعد از آن وصل می‌کردیم.

د

- دانش‌آموزان عزیز، رسیدیم به تمرین روخوانی آیات صفحه‌ی ۲۰ کتاب درسی. مثل جلسه‌ی اول پنج دقیقه وقت دارید که هر کدام این صفحه را برای خودتان بخوانید. چه‌طور می‌خوانید؟ - زمزمه می‌کنیم.

- آفرین! یعنی «مرحله‌ی پیش‌خوانی در کلاس».

سپس آقا معلم به ساعتش نگاه کرد.

- آفرین بچه‌ها! حالا رسیدیم به مرحله‌ی دوم روخوانی؛ یعنی «مرحله‌ی خواندن در گروه». برای تمرین همین صفحه در گروه ده دقیقه وقت می‌دهم. هر کس يك خط برای دوستش بخواند و دوستش هم سطر بعدی را بخواند تا صفحه تمام شود. مراقب باشید غلط نخوانید.

او در حالی که به ساعتش نگاهی می‌انداخت، به گروه‌ها سرکشی می‌کرد و به خواندن آن‌ها گوش می‌داد.

- خب، وقت تمام شد! حالا رسیدیم به مرحله‌ی سوم یعنی «مرحله‌ی خواندن برای کلاس». چه کسی حاضر است يك سطر برای کلاس بخواند؟

بیشتر دانش‌آموزان دست بلند کردند. هر يك از دانش‌آموزان داوطلب سطری از آن صفحه را خواند. معلم هم با مهربانی و حوصله اشکالات خواندن همه را بر طرف می‌کرد. گاهی هم معنای کلمه یا ترکیب ساده‌ای مانند «الْخَمْد»، «اَكْبَر»، «إِسْحَاق» و «إِسْمَاعِيل»، «جِبَال»، «غَافِل»، «لِلْمُؤْمِنِينَ»، «لِوَالِدَيَّ» و... را سؤال می‌کرد. این بخش حدود بیست دقیقه طول کشید.

- دانش‌آموزان عزیز، ما امروز این صفحه را خوب یاد گرفتیم. ان‌شاءالله جلسه‌ی بعد به سراغ آیات جدید می‌رویم. اما من از شما انتظار دارم برای اینکه این درس را خوب یاد بگیرید، يك بار هم آن را در خانه بخوانید. در ضمن، خواندن روزانه‌ی قرآن در منزل فراموش نشود.

این بود گزارش من از تدریس يك درس از کتاب آموزش قرآن پایه‌ی چهارم که در طول يك هفته و طی سه جلسه توسط آموزگار خوبمان آقای فاطمی انجام شد.

فرمودند: «قرآن هرچه خوانده و شنیده شود، هرگز کهنه نمی‌شود.» بچه‌ها بگویید این سخن زیبا یعنی چه؟ - آقا اجازه، اگر ما يك فیلم زیبا را يك یا دوبار ببینیم از آن خسته می‌شویم اما از خواندن قرآن و نماز خسته نمی‌شویم.

- اجازه آقا، ما اگر يك وعده چلوکباب بخوریم چند لحظه بعد دیگر نمی‌خواهیم همان غذا را بخوریم. اما قرآن را هر چه بیشتر می‌خوانیم و در معنا و مفهوم آن دقت می‌کنیم از یادگیری آن سیر نمی‌شویم.

- آفرین فرزندانم؛ این همان فرمایش مولا علی علیه‌السلام است که در بخش «قطره اما دریا» در صفحه‌ی ۱۹ آمده است.

ب

- دوشنبه نتوانستم از همه‌ی بچه‌ها بپرسم. این جلسه می‌خواهم از همه‌ی دانش‌آموزان سؤال کنم. اگر آماده‌اید شروع می‌کنیم. فقط یادتان باشد قاعده‌ی درس را حتماً رعایت کنید. آقای فاطمی مثل جلسه‌ی قبل از هر دانش‌آموز خواست حدود سه سطر را بخواند. این بخش (یعنی تمرین اول صفحه‌ی ۱۹) حدود ۱۵ دقیقه طول کشید.

ج

نام این صفحه «انس با قرآن در خانه» است و شما حتماً این تمرین را در منزل انجام داده‌اید. لطفاً کتاب‌ها باز باشد تا من ببینم.

آن‌گاه از جای خود برخاست و میز به میز کتاب‌ها را بررسی کرد. کل این قسمت هم حدود ده دقیقه طول کشید. یادم هست آقای فاطمی دو تذکر درباره‌ی این بخش دادند:

تربیت برای دستیابی به مراتبی از حیات طیبه

تغییرات کتاب هدیه‌های آسمان پایه‌ی چهارم ابتدایی
(این کتاب در سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ اجرای آزمایشی خواهد شد)

دکتر فریال آمار
کارشناس گروه قرآن و
معارف اسلامی



برنامه‌های درسی و تربیتی را در سطح کلاس بر عهده دارد. خانواده نیز از محیط‌های مهم و اثربخش تربیت و یادگیری است که در تعامل مستمر با مدرسه و با مشورت و همکاری والدین در مورد برخی مسائل تحقیق نموده و یا با استفاده از تجارب آنان به آن پاسخ دهند.

اصول حاکم بر درس‌ها و سرفصل‌ها

درس‌ها و سرفصل‌ها بر اساس اصول حاکم بر برنامه‌ی درسی تعلیم و تربیت دینی تدوین شده‌اند که عبارت‌اند از:

۱. محور قرار گرفتن قرآن کریم و سنت و سیره‌ی معصومین (صلوات الله علیهم)
۲. توجه به رویکردهای جدید در تعلیم و تربیت با هدف روزآمد شدن برنامه
۳. توجه به توانایی‌ها و محدودیت‌های رشد شناختی دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی
۴. توجه به جنبه‌های عاطفی، نگرشی برای عمل کردن به باورها

تحول در آموزش و پرورش یکی از ضرورت‌های اجتناب‌ناپذیری است که همیشه مورد تأکید بسیاری از مسئولان و اندیشمندان حوزه‌ی تعلیم و تربیت بوده است؛ زیرا آموزش و پرورش به عنوان اساسی‌ترین نهاد تربیتی کشور پایه‌گذار شخصیت دینی، علمی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نسل آینده است. گروه درسی معارف اسلامی نیز بر این اساس، به تغییر کتاب درسی هدیه‌های آسمان پایه‌ی چهارم ابتدایی اقدام نمود و بر اساس اهداف مصوب شورای عالی آموزش و پرورش در دوره‌ی ابتدایی و اسناد تحولی آموزش و پرورش و در راستای برنامه‌ی درسی ملی، این درس را در ده بخش تدوین کرد. حوزه‌های موضوعی و دروس اختصاص داده شده بدین قرار می‌باشد:

خداشناسی یک درس، پیامبری یک درس، امامت چهار درس، جهان آخرت یک درس، آشنایی با قرآن یک درس، آداب و اخلاق اسلامی شش درس، احکام سه درس، مراسم اسلامی یک درس، شخصیت‌های دینی یک درس و خودشناسی که به صورت تلفیقی در دروس گنجانده شده است.

ارکان و عناصر مهم در این تغییرات

- نوسازی فعالیت‌های درس
- تفاوت در نوع نگارش متن به اقتضای سن دانش‌آموزان
- استناد به آیات و احادیث به عنوان منابع معتبر و اصیل دینی با امکان تفکر و گفت‌وگو در مورد محتوا.

وظایف دانش‌آموز، آموزگار و خانواده

دانش‌آموز در فرایند یاددهی-یادگیری و تربیت‌پذیری نقش اساسی و فعال داشته و با محیط یادگیری رابطه‌ی تعاملی برقرار می‌کند نه اینکه تابع محض و مقهور محیط باشد.

آموزگار به عنوان راهنما و راهبر فرایند یاددهی-یادگیری با شناخت ظرفیت‌های وجودی دانش‌آموز، با خلق فرصت‌های تربیتی و آموزشی، مسئولیت تطبیق، تدوین، اجرا و ارزش‌یابی

۵. اصالت قائل شدن به کیفیت فرایند یاددهی - یادگیری و استفاده از روش آموزش فعال
۶. تقویت احساس نیاز به دین
۷. توجه به هنر برای ترسیم چهره‌ی زیبای الگوهای دینی
۸. توجه به زبان و ادبیات خاص کودکان
۹. ارتباط آموزش با نیاز و علاقه‌ی دانش‌آموزان و توجه به او به عنوان منبع اطلاعات برنامه‌ی درسی
۱۰. حضور اندیشه‌های حضرت امام خمینی (قدس سره) در کالبد محتوای آموزش
۱۱. بهره‌مندی از دستاوردهای عالمان دین
۱۲. توجه به اهداف ویژه‌ی دختران و پسران
۱۳. سمت‌گیری آموزش در جهت وحدت اسلامی
۱۴. آموزش اقلیت‌های دینی (مسیحی، یهودی و زرتشتی)

توجه به آداب و مهارت‌های زندگی اسلامی - ایرانی

تربیت همه‌جانبه‌ی دانش‌آموزان در راستای دستیابی به مراتبی از حیات طیبه متناسب با موقعیت‌ها و نیازهای جدید و پاسخ به اقتضائات آن و کسب آداب و مهارت‌های ضروری زندگی در همه‌ی مراحل برنامه مد نظر قرار گرفته است. از آنجا که هدف تعلیم و تربیت دینی، تنها ارائه‌ی اطلاعات و معارف دینی به دانش‌آموزان نیست، لازم است که دانش‌آموزان از آموخته‌های خود در این زمینه در موقعیت‌های مختلف زندگی روزمره‌ی خود استفاده کنند.

انتخاب سرفصل‌ها با دید تلفیقی و هم‌افزایی

اهداف تعلیم و تربیت دینی دوره‌ی ابتدایی، معرف کارکردها یا مأموریت‌های ثانوی در جهت کمک به تحقق اهدافی است که مسئولیت آن در درجه‌ی نخست بر عهده‌ی این ماده‌ی درسی نیست ولی در تمام پایه‌ها به آن توجه شده است. شرح این موضوع به قرار ذیل می‌باشد:

- تقویت مهارت‌های زبانی شامل گوش کردن، سخن گفتن، نوشتن، همچنین بهره‌گیری از آموزه‌های مربوط به ادبیات کودکان و محصولات کارشناسان این حیطه زمینه‌ی ارتباطی هدیه‌های آسمان پایه‌ی چهارم را با درس ادبیات فارسی فراهم کرده است.

- برای حفظ ارتباط با درس مطالعات اجتماعی مباحثی از قبیل رعایت حقوق دیگران در محیط خانه، مدرسه و اجتماع، رعایت نظم و انضباط در محیط مدرسه، توانایی برقراری ارتباط با دیگران، تقویت برخی نکات بهداشتی - روانی در روابط اجتماعی و تلاش برای حفظ محیط زیست مورد توجه قرار گرفته است.

- توانایی استفاده از ماهیچه‌ها و عضلات کوچک، تقویت حس زیبایی‌شناسی و تقویت روحیه‌ی خلاقیت و نوآوری زمینه‌های ارتباطی هدیه‌های آسمان پایه‌ی چهارم با درس هنر می‌باشد.

- توانایی انجام مشاهدات ساده، توانایی پیش‌بینی نتایج عملکردها و پدیده‌ها در محیط زندگی، تقویت وظایف فردی در حفظ محیط زیست، تقویت روحیه‌ی کنجکاوی و جست‌وجوگری، رعایت بهداشت فردی و اجتماعی از جمله موضوعاتی هستند که زمینه‌ی ارتباطی هدیه‌های آسمان پایه‌ی چهارم را با درس علوم فراهم کرده‌اند.

- توانایی حل مسائل ساده‌ی روز، تقویت مهارت‌های کار گروهی، تقویت روحیه‌ی شاد و بانشاط، تقویت مهارت کسب اطلاعات از راه‌های مختلف، تقویت روحیه‌ی پشتکار و تلاش برای رسیدن به هدف از جمله عواملی هستند که امکان ارتباط با دروس دیگر را فراهم می‌کنند.

تفاوت آموزش دینی با سایر آموزش‌ها

تربیت دینی عبارت است از به فعلیت رساندن کمالات بالقوه بر اساس اهداف و ارزش‌های دینی در ابعاد گوناگون. بر این اساس، مبانی، اصول و روش‌های ویژه‌ای را طلب می‌کند. آموزش‌های دینی به دلیل ویژگی‌های خاص محتوایی و تمایز آن از سایر دروس، اقتضائات ویژه‌ای دارد. سایر آموزش‌ها بیشتر در عرض تربیت عاطفی، اجتماعی، شناختی و رفتاری قرار دارند؛ اما تربیت دینی قلمرو وسیع‌تری دارد و در طول سایر تربیت‌ها قرار می‌گیرد. تربیت اسلامی در این معنا، به اصول، اهداف و شیوه‌های رایج تربیتی جهت می‌دهد و عرصه‌های مختلف جسمی، روانی، شناختی، عاطفی و رفتاری را دربرمی‌گیرد.

ساعات هفتگی و نحوه‌ی ارزش‌یابی

دو جلسه در هفته برای درس هدیه‌های آسمان اختصاص داده شده است.

ارزش‌یابی در درس هدیه‌های آسمان به صورت مستمر و از طریق مشاهده‌ی عملکرد دانش‌آموزان و محصول عملکرد آن‌ها در طول فرایند یادگیری است. ارزش‌یابی مستمر با استفاده از روش‌های گوناگون می‌تواند صورت گیرد؛ به عنوان مثال به صورت مشاهده که مبتنی بر بررسی فعالیت‌های مستمر روزانه در مدرسه و حتی خارج از آن است. مشاهده ممکن است در موقعیت طبیعی و وضعیت عادی دانش‌آموز انجام شود یا در موقعیت مصنوعی که برای او به وجود آورده‌ایم، صورت پذیرد. بررسی کم و کیفیت انجام فعالیت‌ها، فرصت دیگری است که معلمان جهت اطلاع از پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، به تناسب اهداف و محتوای درس دارند. مواردی که مورد ارزش‌یابی مستمر قرار می‌گیرد عبارت‌اند از:

۱. درک مفاهیم
۲. تقویت نگرش‌ها
۳. کسب مهارت‌ها

آموزش از طریق حل مسئله

روند و رویکرد جدید تألیف درسی ریاضی
در گفت‌وگو با حمیدرضا امیری، مدیر گروه ریاضی
دفتر تألیف کتاب‌های درسی ابتدایی و متوسطه‌ی نظری

www.math-dept.talif.sch.ir

گفت‌وگو: سمانه آزاد

اشاره

قطار تغییر و تحول در نظام آموزشی ایران در مهرماه سال ۱۳۹۳ به پایه‌ی چهارم ابتدایی می‌رسد. از این‌رو، مدت‌هاست همه‌ی دست‌اندرکاران دفتر تألیف کتاب‌های درسی در تکاپوی تألیف کتاب‌های پایه‌ی چهارم هستند. گروه ریاضی هم مانند دیگر گروه‌های تألیف، برنامه‌ریزی و نوشتن کتاب ریاضی را با نظارت حمیدرضا امیری آغاز کرده است. در همین راستا وی از سال ۱۳۹۲ و برای پیشرفت تألیف کتاب پایه‌ی چهارم ابتدایی، کارگروه ابتدایی را تشکیل داد. در این کارگروه سرفصل‌ها و عناوین درس‌های کتاب ریاضی پایه‌ی چهارم براساس برنامه‌ی درسی مشخص شد و گروه تألیف کار خود را آغاز کرد. در ادامه، بخش‌هایی از توضیحات او را در زمینه‌ی روند تألیف کتاب جدید ارائه می‌کنیم.



انتخاب‌های یک درس کامل شد، یک نفر از مؤلفان ایده‌های انتخاب شده برای یک درس را به‌طور یکدست می‌نویسد. سپس در جلسه‌ی بعد متن یکدست شده بررسی می‌شود و در نهایت، بعد از اینکه اشکالاتش رفع شد به‌طور غیررسمی و فصل به فصل آن را اعتباربخشی می‌کنیم. در نهایت مجموع کتاب هم اعتباربخشی می‌شود اما از آنجا که حق آموزگاران است که در جریان کار قرار بگیرند، وقتی عناوین درس‌ها و فصل‌ها مشخص شد آن را روی سایت قرار می‌دهیم چون معلمان، کارشناسان، اعضای گروه‌های علمی و درسی و نیز گروه‌های ریاضی استان‌ها و اولیای دانش‌آموزان باید کتاب را ببینند و نظرات خود را برای ما بفرستند تا در گروه تألیف آن‌ها را بررسی و در نسخه‌ی دوم اصلاحات را اعمال کنیم.

• بازخورد نظرات معلمان و کارشناسان چگونه بود؟

بیشتر معلمان از اینکه نظراتشان مورد توجه قرار گرفته است، تشکر کرده‌اند. گروه‌های درسی یا انجمن‌های بیشتر ایرادهای کتاب را گرفته‌اند. عمده‌ی نظرات هم بحث

پایه‌های چهارم و پنجم تغییر پیدا می‌کردند. نخستین کاری که انجام دادم، تشکیل کمیته ابتدایی بود که مسئولیتش را هم خود بر عهده گرفتم. سرفصل‌ها و عناوین درس‌ها در همین کارگروه بررسی شدند. سپس با مصوبه‌ی اعضای کمیته ابتدایی، تعدادی از همکاران را به‌عنوان گروه تألیف انتخاب کردیم.

بعد از مشخص شدن سرفصل‌ها و عناوین درس‌ها، تیم تألیف کار خود را شروع کرد. هم‌زمان با تألیف کتاب، تصحیح کتاب ریاضی پایه‌ی سوم را هم آغاز کردیم. با وجود این هم‌زمانی برای تألیف کتاب پایه‌ی چهارم سازوکاری اندیشیدیم. به این ترتیب که از گروه ۵ نفره‌ی تألیف خواستیم درگیر تألیف همه‌ی فصل‌های کتاب باشند. بعد از بررسی عناوین فصل‌ها و درس‌ها، هر پنج مؤلف پیشنهادهایشان را برای فصل می‌نویسند؛ از جمله فعالیت و کار در کلاس و تمرین و... هفته‌ی بعد همه‌ی مؤلفان، این پیشنهادها را بررسی و از میانشان بهترین را انتخاب می‌کنند. مثلاً می‌گویند برای درس یک، ایده‌ی این مؤلف از بقیه بهتر است و به‌همین ترتیب برای درس‌های بعدی. وقتی کار

• کتاب ریاضی پایه‌ی چهارم بر چه اساسی تألیف شده است؟

برای پاسخ به این سؤال ابتدا باید به نکته‌ای اشاره کنم. زمانی که من مسئولیت گروه ریاضی دفتر تألیف کتاب‌های درسی را به عهده گرفتم، کتاب‌های ریاضی پایه‌های اول، دوم، سوم و ششم تألیف و سرفصل‌های کتاب‌های پایه‌های چهارم و پنجم با نیز براساس برنامه‌ی درسی ریاضی ابتدایی مشخص شده بود. مأموریت دفتر این بوده است که بعد از پایه‌ی اول ابتدایی، پایه‌های دوم و ششم و سپس پایه‌های سوم و هفتم تغییر کنند تا برنامه تغییر نظام آموزشی کامل شود. زمانی مسئولیت گروه به من سپرده شد که باید کتاب‌های

روی حجم درس‌ها یا درباره‌ی برخی فعالیت‌هاست.

• رویکرد اصلی کتاب ریاضی پایه‌ی چهارم چیست؟

قبلاً رویکرد کتاب‌ها «آموزش برای حل مسئله» بود؛ یعنی ریاضی آموزش داده می‌شد تا دانش‌آموزان بتوانند مسئله حل کنند اما اکنون نگاه به «آموزش از طریق حل مسئله» تغییر یافته است. به همین دلیل، هر فصل کتاب با یک فعالیت، مسئله و چالش آغاز می‌شود. البته راهبردهای حل مسئله را در ابتدای هر فصل آموزش می‌دهیم اما در اصل می‌خواهیم دانش‌آموز از طریق انجام یک فعالیت مسئله را شناسایی کند و سپس به جواب آن برسد.

از موفقیت‌های گروه تألیف، متناسب‌سازی فعالیت‌ها با سن دانش‌آموزان و رشد آن‌هاست. یعنی فعالیت‌ها با رشد شناختی دانش‌آموز هماهنگ است. علاوه بر این، تیم تألیف قسمت‌های گوناگون کتاب را براساس تحقیق می‌نویسد. مراکز استانداردسازی آموزش ریاضی (NCTM) هم بر روش‌های مختلف حل مسئله تأکید دارند. ما هم در تألیف کتاب به این موضوع توجه کرده‌ایم؛ یعنی، یک مسئله یا مفهوم را با بازنمایی‌های مختلف آموزش می‌دهیم. دلبلمان هم این است که طریق غالب فهم برخی انسان‌ها دیداری و برخی شنیداری است، برخی هم با مثال‌های بیشتری متوجه موضوع می‌شوند. پس دلیلی ندارد معلم یک مسئله یا مفهوم را با یک روش برای همه‌ی دانش‌آموزان آموزش دهد و انتظار داشته باشد که همه آن را بفهمند.

• طبق آنچه در سایت گروه ریاضی دفتر تألیف آمده است، کتاب ریاضی پایه‌ی چهارم برای ۲۸ هفته طراحی شده است. با توجه به تعطیلات پیش‌بینی نشده در طول سال تحصیلی، به نظر شما آیا آموزگاران می‌توانند کتاب را در این دوره‌ی

زمانی تدریس کنند؟

کتاب ریاضی پایه‌ی چهارم هفت فصل است و هر فصل شامل چهار درس می‌شود. یعنی کتاب در نهایت دارای ۲۸ درس است که در هر هفته معلم یک درس را آموزش می‌دهد. هر درس هم شامل یک فعالیت و یک کار در کلاس و یک تمرین است. بنابراین، در این زمینه جای نگرانی نیست.

• برنامه‌ی درسی ریاضی جدیدی در راه است. در مفهوم‌سازی درس ریاضی، موضوعات و مفاهیم پیش از آموزش، از طریق نمادهای ریاضی بیان خواهد شد.

• با توجه به تغییرات کتاب، آموزگاران برای تدریس کتاب باید چه توانمندی‌هایی داشته باشند؟

خوش‌بختانه معلمان ما از ظرفیت خوبی برخوردارند. اکنون که نظرها درباره‌ی کتاب از شهرها و استان‌های گوناگون می‌رسد، می‌بینیم که معلمان علاقه‌مند و توانمندند. اشکال کار پیشین این بود که به آموزگاران میدان نمی‌دادند. اکنون دیگر معلم متکلم وحده نیست بلکه باید کار خود را با یک فعالیت آغاز کند. البته واضح است که زمانی که معلم متکلم وحده باشد وقت کمتری از کلاس گرفته می‌شود. یکی از مشکلات ما هم این است که معلمان روش‌های جدید را پذیرفته‌اند اما زمان کم دارند و حق هم با آن‌هاست. میزان ساعت‌ها تغییری نکرده و مانند پایه‌ی چهارم در سیستم قبلی است. در واقع، کتاب‌ها و نحوه‌ی ارائه و روش تدریس تغییر کرده و فعالیت‌محور شده‌اند اما ساعت تدریس اضافه نشده است. ما سعی می‌کنیم تا حدی که امکان داشته باشد حجم فعالیت‌ها را کم کنیم تا معلمان فرصت انجام دادن آن‌ها را پیدا کنند. در دوره‌هایی هم که برای معلمان برگزار می‌کنیم، سعی داریم توانمندی‌های لازم را به آن‌ها بدهیم.

یکی از مشکلات دوره‌ی ابتدایی این است که معلم، تنها معلم یک درس نیست. این مشکل در پایه‌های هفتم و هشتم

• آیا کتاب ریاضی پایه‌ی چهارم نسبت به کتاب قبلی کاملاً تغییر کرده است؟

مفاهیم و موضوعات کتاب ریاضی پایه‌ی چهارم نسبت به گذشته خیلی تغییر نکرده‌اند. تنها موضوعی که قبلاً نبوده و اکنون وارد کتاب‌های دوره‌ی ابتدایی شده، مبحث «احتمال» است. تقریباً می‌توان گفت دوسوم مباحث کتاب مانند کتاب قبلی است. یک‌سوم بقیه هم به این دلیل است که به هر حال دوره‌ی ابتدایی طولانی‌تر شده است و برخی موضوعات جابه‌جا شده‌اند.

• بنابراین، مباحث کتاب تغییر چندانی نکرده‌اند و آنچه تغییر کرده است، روش‌ها هستند.

روش‌ها، نحوه‌ی ارائه و رویکردها تغییر کرده است.

• دانش‌آموز با آموختن مطالب این کتاب به چه مهارت‌هایی دست پیدا می‌کند؟

در این زمینه باید به برنامه‌های سوم و پنجم هم نگاهی بیندازیم اما طبق برنامه، همه‌ی اهدافی که برای دوره‌ی ابتدایی در نظر گرفته شده بود، کاملاً پوشش داده خواهد شد. در اینجا باید به موضوعی اشاره کنم. شورای برنامه‌ریزی درسی بعد از کمیته‌ی



• تدوین کتاب معلم در چه مرحله‌ای است؟

ما گروه مدرسان کشوری را (که آموزششان از مدتی پیش آغاز شده است) به پنج کارگروه تقسیم کردیم. مثل کارگروه «تیمز»؛ چون در اردیبهشت سال ۱۳۹۴ دو پایه‌ی چهارم و هشتم در «آزمون تیمز» شرکت می‌کنند. کارگروه تولید محتوا برای معلمان را هم تشکیل داده‌ایم که همان کتاب کار و معلم است. یعنی از الان همکاران را درگیر کار می‌کنیم. این دوستان که مستقیماً با مؤلفان و در اعتبار بخشی کتاب همکاری دارند، بهترین ظرفیت را برای نوشتن کتاب معلم دارند؛ چون هم با مؤلفان و هم با معلمان در ارتباط‌اند.

• ارزش‌یابی از کتاب به چه صورت خواهد بود؟

ارزش‌یابی کتاب ریاضی پایه‌ی چهارم فعلاً مانند سابق خواهد بود و چیزی تغییر نکرده است.

و کار در کلاس به چه منظور در کتاب آمده است. ۴. کتاب ارزش‌یابی، که می‌شود گفت از همه مهم‌تر است. اکنون آموزش در خدمت ارزش‌یابی است در حالی که ارزش‌یابی باید در خدمت آموزش باشد. هدف کتاب ارزش‌یابی این است که جایگاه ارزش‌یابی را در فرایند آموزش تبیین کند. ۵. کتاب برای اولیا.

نکته‌ی دیگری که شاید بتوان به این بسته اضافه کرد و نیاز آن هم حس می‌شود، لوح‌های فشرده‌ی آموزشی است. لوح‌هایی که به صورت چند رسانه‌ای یا فیلم‌هایی باشد که از مؤلفان هنگام تدریس گرفته شده است. به این ترتیب، به جای کتاب معلم یا مکمل آن می‌توان از این لوح‌های فشرده استفاده کرد. فیلم این مزیت را دارد که هر زمان معلم دوباره احساس نیاز کند، می‌تواند آن را ببیند. تصمیم چنین است که این لوح‌های فشرده به بسته‌ی آموزشی اضافه شود اما مشکل اصلی در این زمینه کمبود زمان است. انشالله در فرصتی که به گروه مؤلفان داده شده، کارها خوب پیش رود و بسته‌ی آموزشی تکمیل گردد.

تقریباً برطرف می‌شود؛ چون چند معلم وجود دارد و معلم ریاضی این دوره هم معلم متخصص آن درس است. درسی اختصاصی مانند ریاضی، درسی است که حتی اولیا هم با آن درگیرند اما معلم محور اصلی است. وقتی معلم نتواند مطلب را خوب آموزش دهد دانش آموز با مشکل روبه‌رو می‌شود. انتظار ما از معلم این است که هدف‌های کتاب و فعالیت‌ها را درک کند. معلم دوره‌ی ابتدایی باید خود را برای کتاب ریاضی‌ای آماده کند که نسبت به کتاب‌های دیگر به صرف وقت و انرژی بیشتری نیاز دارد.

در برنامه‌ی درسی ملی بر وجود بسته‌ی آموزشی تأکید شده است

پایه‌ی چهارم و بسته‌ی آموزشی

این مصوبه‌ی سازمان است که بسته‌ی آموزشی را تحویل پایه‌ها دهیم. در این بسته پنج کتاب وجود دارد. ۱. کتاب درسی، ۲. کتاب کار دانش آموز، ۳. کتاب معلم. کتاب معلم باید تعیین کند که هر فعالیت

ریاضی وارد زندگی می شود

آموزگار چندپایه می گوید؛ دست مادر بازنمایی مفاهیم باز شده است

نادر قوتی

اشاره

در زمینه تدریس ریاضی جدید پایه‌ی چهارم تصمیم بر این شد که با هدایت و نظارت کارشناسان در دو فضای آموزشی متفاوت، یکی روستایی چندپایه و دیگری شهری به تماشای تدریس آموزگاران بنشینیم و نظر آنان را جویا شویم.

ابتدا تدریس ابراهیم گلینی، آموزگار چند پایه‌ی روستایی، در دبستان امام حسن عسکری (ع) از روستای کردوان گرمسار را منعکس خواهیم کرد. او کارشناس آموزش ابتدایی است و ۱۵ سال سابقه‌ی تدریس در چند پایه را دارد.

گلینی در بیان درس و فعالیت آغازین از مثال‌ها و شنیدنی‌های کوتاه استفاده می‌کند. سپس کارش را با طرح پرسش‌هایی از دانش‌آموزان پایه‌های بالاتر و نیز پایه‌ی سوم و توضیح آن‌ها به دانش‌آموزان پایه‌ی چهارم، که همانا درس آموزش کسرهاست، ادامه می‌دهد.

در این میان، نقش کارشناسان و مدرسان همراه، دکتر بهزاد قباخلو و حمدالله صدری در هدایت جلسه و آگاهی بخشی به کلاس برای آشنایی با مباحث درسی درخور تقدیر است. دکتر قباخلو، از مدرسان ریاضی، بحث را با سؤال از دانش‌آموزان آغاز می‌کند.

وی می‌گوید: «دو سوم» و سپس روی تخته می‌نویسد « $\frac{2}{3}$ ». بچه‌ها می‌گویند: «دو قسمت از سه قسمت». سپس قباخلو می‌گوید: «بنابراین، وقتی گفتیم «از» یادتان می‌ماند که مفهوم مورد نظر کسر است.» به نظر صدری نیز گفتن تکلیف و مطالعه در شب‌های قبل دانش‌آموزان را آماده‌ی آشنایی بیشتر با مباحث جدید می‌کند.

به نظر قباخلو این گونه آموزش‌ها ریاضی را از داخل کلاس بیرون می‌آورد و سهم بیشتری به آموختن ریاضی می‌دهد. تکلیف شب گذشته می‌تواند بر این مبنای باشد که دانش‌آموز چه درکی از مفهوم مورد نظر و یا استفاده از اشیا یا مفاهیم دوروبر خود دارد.

گلینی می‌گوید: «گفته بودم که شب قبل دایره‌ای بکشند و بخشی از آن را رنگ کنند تا در کلاس و با استفاده از همان شکل مفهوم را بشناسانم. وقتی دانش‌آموز با این آمادگی می‌آید، مجموعه تاسی درصد در فرایند یاددهی - یادگیری پیش می‌افتد و از آنجا که کلاس چند پایه است، به دیگر درس‌ها و پایه‌ها نیز رسیدگی بیشتری می‌شود.»

آیا برای تدریس «کسرها» پیش‌نیازی لازم است؟

شاید پیش‌نیاز، عبارتی باشد که بعضی‌ها با آن راحت نیستند اما در این کلاس هم وجود پیش‌نیاز ضرورت دارد.

گلینی آموزگار چندپایه در ابتدا متذکر می‌شود: «باید در تدریس کسر به سال گذشته استناد کنیم. یکی از این راه‌ها دادن تکلیف مختصر به دانش‌آموز است. مثلاً می‌گویم در خانه یک قرص نان را به چهار قسمت تقسیم کنید. یکی دیگر از راه‌های یادآوری یا آماده‌سازی دانش‌آموزان مراجعه‌ی آن‌ها به دانش‌آموزان پایه‌های بالاتر است. چون ما در

کلاس چندپایه‌ی روستایی هستیم، این گونه تعامل‌ها اثر بخش است.

وسایل کمک آموزشی ما قطعات رنگی مقوای، نی، نخ، میوه‌ها و حتی قرص نان است.

این آموزگار پایه‌ی چهارم به اهمیت وسایل کمک آموزشی اشاره می‌کند و می‌گوید برخی را خریداری کرده‌ام و تعدادی هم دست‌ساخته‌ی خودمان است. وی اضافه می‌کند: «برخی در بازار هست و تعدادی را هم می‌سازیم. مسلماً بچه‌ها می‌توانند مقواها را در خانه رنگ کرده و استفاده کنند».



توصیفی است. با توجه به فعالیت‌ها و توان دانش‌آموز در هر جلسه قسمت‌های مورد نظر را علامت می‌زنیم. این شامل تفسیر فعالیت خوب، خیلی خوب، متوسط و نیاز به تلاش بیشتر از کار دانش‌آموزان است. آموزگار به‌طور مستمر بر این روند نظارت دارد.»

کارگروه تولید فعالیت‌ها و دست‌ورزی

بهزاد قباخلو، کارشناس گروه درسی ریاضی می‌گوید: «در سال جاری با پیش‌بینی‌هایی که شده است، در پایه‌ی چهارم در سراسر کشور کارگروه تولید فعالیت‌ها و دست‌ورزی تشکیل می‌شود. روش کار این است که از این پس ما از وسایل در دسترس و حتی دورریز در آموزش ریاضی ابتدایی استفاده خواهیم کرد. این فرهنگ را ترویج خواهیم داد و از آن در مباحث «الگویابی»، «تقسیم»، «تقارن» و «کسر» استفاده خواهیم کرد. سعی داریم آموزگار را به سمتی ببریم که از هر موقعیتی برای آموزش



استفاده کند. به این ترتیب، فعالیت دانش‌آموز برای یادگیری ریاضی بیشتر و هدفمندتر می‌شود. تجربه به‌دست می‌آورد و با این تجربه، که حتی شناخت از خودش است، مفاهیم ریاضی را یاد می‌گیرد. اهداف برنامه‌ی درسی ملی و سند مبنای تحول بنیادین نیز همین است. برای نمونه، وقتی دانش‌آموز بداند در آفرینش گوش‌ها، پاها، دست‌ها و چشم‌هایش تقارنی وجود دارد، به راحتی می‌تواند مفهوم تقارن ریاضی را نیز درک کند.

الان نیز همین کار را با شیوه‌های دیگر در پایه‌ی چهارم می‌توانیم انجام دهیم. با رویکردی که مؤلفان و کارشناسان دفتر تألیف کتاب‌های درسی و گروه درسی ریاضی تعریف کرده‌اند، دست ما در بازنمایی مفاهیم به گونه‌های متنوع بسیار باز شده است. در کتاب‌های قبلی مطالب این پیوستگی را نداشت. برای مثال، وقتی می‌گفتیم $\frac{1}{2}$ فقط یک صورت و یک مخرج و یک خط کسری تمام آموزش بود.

هر کدام از دانش‌آموزان سبک یادگیری خاصی دارد. یکی تصویری یاد می‌گیرد و یکی هم کلامی. امروزه بچه‌ها در یادگیری نمادهای ریاضی از «دست‌ورزی» هم استفاده می‌کنند. با توضیحات و بازنمایی‌ها و ابزارهایی که در جریان یاددهی-یادگیری ریاضی به کار می‌رود، دانش‌آموزان می‌توانند آثار کسر را در زندگی خود نیز بشناسند و توضیح دهند. آموزگار وقتی از بچه‌ها می‌پرسد کسری مانند $\frac{1}{2}$ را به چند طریق می‌توانیم نشان دهیم، آن‌ها بی‌تردید می‌گویند: «به راه‌های گوناگون».

تغییر نقش آموزگار در آموزش ریاضی از گذشته تا حالا:

این آموزگار چندپایه‌ی روستای کردوان در بیان تغییر رویکرد خود با توجه به تغییرات کتاب‌های درسی یادآور می‌شود: «در گذشته آموزگار بیشتر تئوری را بیان می‌کرد. الان می‌تواند به کمک وسایل ساده مانند شانه‌ی تخم‌مرغ یا قطعات نی و بسیاری دیگر از خرده‌ریزها تدریس را انجام دهد. عقیده‌ی کارشناسان هم این است که ریاضی به نوعی وارد زندگی افراد شود. به آن‌ها می‌گوییم در هر مطلبی حتی در دیگر درس‌ها نیز ریاضی وارد شده است. دانش‌آموز ما دیگر از کلاس و درس ریاضی نمی‌ترسد».

ارزش‌یابی ریاضی جدیدالتألیف

گلینسی در ارتباط با ارزش‌یابی و استمرار آن در کلاس ریاضی خود می‌گوید: «ارزش‌یابی این درس در پایه‌ی چهارم، که چهار ساعت در هفته تدریس می‌شود، به صورت



گلینسی از تجربه‌ی خود در آموزش مفاهیم ریاضی در کتاب‌های درسی تغییر یافته از جمله پایه‌ی دوم می‌گوید: برنامه‌ریزی مطالب به نوعی است که دانش‌آموز یک مطلب را با چند رویکرد آموزشی می‌بیند و یاد می‌گیرد. حتی کسر را که از قبل یاد گرفته است و در سال‌های بعد هم خواهند داشت. یک بار آن را به صورت $\frac{1}{2}$ و گاهی به صورت یک چهارم می‌نویسد؛ گاهی هم روی نمودار نشان می‌دهد. دانش‌آموز این‌ها را هم‌زمان فرامی‌گیرد تا شبکه‌ی مفهومی مورد نظر آموزگار در ذهنش ایجاد شود.



انشای ریاضی برای تدریس ریاضی

اشاره

در ادامه‌ی انعکاس روش تدریس ریاضی جدید پایه‌ی چهارم به کلاس نعمت گیل‌وری در شهرستان گرمسار می‌رویم. او ۲۲ سال سابقه‌ی تدریس دارد و در مدرسه‌ی امام جواد (ع) با ۳۶ دانش‌آموز مشغول به کار است. او می‌گوید: «در ارتباط با تغییرات جدید کتاب‌های درسی و هم‌سویی آن‌ها با برنامه‌ی درسی ملی و مبانی تحول بنیادین از طریق رسانه‌ها و سایت کتب درسی با آخرین نظرها و دگرگونی‌ها در کتاب و برنامه‌ی درسی آشنا می‌شوم.»

گیل‌وری معتقد است باید بچه‌ها را با مقدمات درسی بیشتر آشنا کرد؛ زیرا با ۳۶ دانش‌آموز در یک کلاس به راحتی نمی‌شود جریان یاددهی - یادگیری را تمام و کمال اجرا کرد. این آموزگار پایه‌ی چهارم در ارتباط با تدریس کسرها با اشاره به آیه‌ای از سوره‌ی «انفال» و اصطلاح «خمس» می‌گوید: «دانش‌آموزان عزیز، گفتیم «خمس» یعنی چه؟ بچه‌ها می‌گویند: «یک پنجم.» و آموزگار ادامه می‌دهد: «یعنی یک قسمت از پنج قسمت مساوی.» در این جا به توضیحات کوتاه این آموزگار در ارتباط با آموزش کسر توجه فرمایید.

دانش‌آموزان می‌توانند مستطیل را بشناسند. آن‌ها از این طریق به اطلاعات پراکنده‌ی خویش سروسامان می‌دهند و به نتیجه می‌رسند. این نوعی روش مسئله‌سازی و رسیدن به جواب یا حل مسئله است. در واقع، این آشتی میان ریاضی و سایر درس‌هاست.



گیل‌وری قبلاً با دانش‌آموزان فعالیت‌های خاصی برای یادگیری و یادآوری درس انجام می‌دهد!

۱- و ۲ را هم به آن‌ها با معنای «ربع» و «نصف» گفته‌ام. حتی برای بازنمایی عبارت $\frac{1}{8}$ ، پنج نفر را پای تخته حاضر کردم که یکی از آن‌ها کلاه بر سر داشت. آن‌گاه با پرسیدن اینکه چند نفر از پنج نفر کلاه دارند، به جواب رسیدیم. با رسم محور اعدادی که پنج قسمت مساوی دارد، می‌توان همین مفهوم را به دانش‌آموزان آموخت.

روش‌ها در استفاده از وسایل و ابزار به جواب می‌رسد! تا کردن کاغذ به چند قسمت و رنگ کردن بخشی از آن می‌گوید، می‌توان مفهوم کسر را نشان داد.

آموزش انشای ریاضی

این آموزگار پایه‌ی چهارم به بچه‌ها می‌گوید: «موضوع انشای ما مساحت مستطیل است. هر موضوعی را که به این بحث مربوط است، بنویسید.»

دانش‌آموزان می‌نویسند: «ضلع، عرض، پهنا، ضرب در دو، طول + عرض، زاویه‌ی راست، خط تقارن، عمود، قطر و...».

این معلم با استفاده از مطالب دانش‌آموزان مطلب را به ذهن آن‌ها نزدیک می‌کند و به تعاریف مورد نظر خود می‌رسد. او می‌گوید: «این نقشه‌ی مفهومی من است که از طریق آن

هنر برای تقویت حواس وظرفیت‌های نهفته

بررسی کتاب راهنمای درس هنر
پایه‌ی چهارم ابتدایی

www.art-dept.talif.sch.ir

مینو آیت‌الهی

اشاره

هنر از درس‌هایی است که رشته‌های متعدد دارد. نقاشی، کاردستی، خطاطی و تعدادی از سایر فعالیت‌های هنری از برنامه‌هایی است که نیازمند توجه بیشتر در مدارس است و واضح است که این همه در راه تعالی انسان و رسیدن به یک زندگی و درک بلند از هستی است. امروزه با تدوین و عملی کردن بندها و مستندات برنامه‌ی درسی ملی و سند مبنای تحول بنیادین آموزش و پرورش، نگاه به این مقوله رنگ و بویی دیگر به خود گرفته است. هرچند در پایه‌های ابتدایی تحصیلی، این درس دارای کتاب مستقل نیست اما ضرورت دارد آموزگاران با دقت در راهنماها و نیز با مطالعات و نوآوری‌های خود این درس را مطرح و نتیجه‌ی وافی از آن را در کلاس جاری کنند. در ادامه و با بررسی مفاد کتاب راهنمای درس هنر در پایه‌ی چهارم، سعی می‌کنیم مخاطب گرامی را به شناختی متقابل از اهداف انطباق برنامه‌ی درسی هنر با برنامه‌ی درسی ملی برسانیم.

است. تربیت هنری را می‌توان به پنج موضوع کلی شامل ۱. ارتباط با طبیعت، ۲. زیبایی‌شناختی، ۳. تولید محصول هنری، ۴. آشنایی با میراث فرهنگی، و ۵. نقد هنری تفکیک کرد.

نگارش ضمیمه‌ی کتاب راهنمای درس هنر در پایه‌ی چهارم، چهارمین مرحله از استقرار برنامه‌ی درسی ملی در دوره‌ی ابتدایی است. این ضمیمه هم‌چون ضمایم کتاب‌های راهنمای آموزش هنر در پایه‌ی دوم و سوم با هدف انطباق برنامه‌ی درسی هنر با برنامه‌ی درسی ملی نگاشته شده است.

با توجه به صلاحیت‌ها و شایستگی‌های پایه و اولویت‌های برنامه‌ی درسی هنر در پایه‌ی چهارم ابتدایی، این کتاب در دو بخش تهیه و تنظیم شده است: بخش اول، به تبیین کلیات برنامه اختصاص دارد. بخش دوم، شامل چند فعالیت هنری است که به صورت تلفیقی طراحی شده‌اند. معلمان هر یک از این فعالیت‌ها را با توجه به شرایط و امکانات کلاس و در جلسات متعددی می‌توانند اجرا کنند.

رویکرد یا جهت‌گیری کلی برنامه‌ی درسی ملی شکوفایی، تقویت و توسعه‌ی فطرت الهی (نظیر خداپرستی، زیبایی دوستی، خلاقیت و...) است (برنامه‌ی درسی ملی: ۳۱). این رویکرد با نگاهی جامع به انسان زمینه‌ساز رشد متعادل او در چهار عرصه‌ی ارتباط با خدا، خود، خلق و خلقت است. رویکرد برنامه‌ی درسی هنر یا همان تربیت هنری نیز شکوفایی فطرت دانش‌آموزان از طریق ایجاد محیطی آزاد برای تقویت حواس، تخیل، خلاقیت، ظرفیت‌های نهفته‌ی هوش و تفکر و افزایش حساسیت دانش‌آموزان نسبت به ویژگی‌ها و ابعاد زیباشناختی پدیده‌های مختلف



طبیعت (نقطه، خط، سطح، حجم، ...)، مجموعه‌های صوتی و تصویری برای آشنایی با رشته‌های هنری، آلبوم «با هم بخوانیم» شامل سرودهای مناسب برای پایه‌ی چهارم، مجموعه‌ی وسایل مورد نیاز برای کاردستی، نقاشی و... برای افزایش دانش و مهارت‌های هنری معلمان و دانش‌آموزان می‌باشد.

در برنامه‌ی درسی جدید بخش «ارتباط با طبیعت» به‌عنوان بخشی از «ارتباط با خلقت» ارائه شده است. از طریق ارتباط با پدیده‌های طبیعی مختلف علاوه بر شناخت عناصر آن‌ها (هم‌چون نقطه، خط، شکل، رنگ، بافت و...) و شناخت زیبایی‌های آفرینش به کمک نمونه‌هایی از نظم، هماهنگی، تناسب و زیبایی به‌عنوان آثار خلقت پروردگار، شناخت ذات حضرت حق همواره مورد تأکید قرار گرفته است.

شکوفایی فطرت و رسیدن به حیات طیبه از طریق پنج عنصر تفکر و تعقل، ایمان و باور، علم، کار و عمل و مجاهدت، و اخلاق تحقیق خواهد یافت. در برنامه‌ی درسی ملی از این عناصر با عنوان «صلاحیت‌ها و یادگیری‌های مشترک» یاد شده است.

در چهارمین مرحله از استقرار برنامه‌ی درسی ملی در نگارش ضمیمه‌ی کتاب راهنمای درس هنر سعی شده است از همه‌ی صلاحیت‌ها و شایستگی‌های مشترک برای طراحی فعالیت‌های هنری در پایه‌ی چهارم استفاده شود.

اصولی که با توجه به راهنمای برنامه‌ی درسی ملی در نگارش این کتاب در نظر گرفته شده است، عبارت‌اند از:

۱. تقویت هویت ملی
۲. توجه به تفاوت‌ها و تنوع‌های فرهنگی-اجتماعی
۳. تنوع و تعدد منابع، روش‌ها و فرصت‌های یادگیری
۴. نقش محوری مربی
۵. درهم‌تنیدگی
۶. درونی‌سازی

در این کتاب فرصت‌های یادگیری و کسب تجربیات جدید به‌صورت یکپارچه و به‌هم پیوسته در قالب فعالیت‌های هنری درهم‌تنیده برای متربیان فراهم آمده‌اند. این یکپارچگی می‌تواند به دانش‌آموزان در کسب صلاحیت‌ها و یادگیری‌های مشترک بیش از پیش کمک کند. روش‌های یاددهی-یادگیری موردنظر برای طراحی فرصت‌ها و اجرای فعالیت‌های یادگیری متناسب با نوع فعالیت هنری می‌تواند تلفیقی از روش‌های مندرج در کتاب راهنمای درس هنر با فعالیت‌های هنری جدید باشد. هر فعالیت هنری را که متناسب با امکانات کلاس و با توجه به رویکرد، اصول جامعیت محتوا، انعطاف‌پذیری و تلفیق رشته‌های هنری انتخاب می‌شود، می‌توان در کلاس اجرا کرد. این روش به دانش‌آموزان اجازه می‌دهد در محیطی آزاد و به‌صورت فردی یا گروهی، به‌طور فعال، به طرح و اجرای ایده‌های هنری خود بپردازند. ایجاد فضایی که دانش‌آموزان بتوانند آزادانه و با

بسته‌ی آموزشی عبارت است از کتاب راهنما و لوح فشرده‌ی معلم که شامل مجموعه‌های تصویری از عناصر و پدیده‌های موجود در طبیعت (گیاهان، جانوران و...) برای آشنایی بیشتر با الفبای

اعتمادبه‌نفس در آن فعالیت کنند، از مهم‌ترین واجبات است و آزادی و خودباوری شادی و نشاط را برای کلاس به ارمغان خواهد آورد.

ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی

مهم‌ترین اصولی که در ارزش‌یابی درس هنر، با توجه به برنامه‌ی درسی ملی، باید مدنظر قرار گیرند، عبارت‌اند از:

۱. پیشرفت هر فراگیرنده نسبت به فعالیت‌هایی که خود او انجام می‌دهد و با توجه به اصل تفاوت‌های فردی سنجیده می‌شود.
 ۲. در ارزش‌یابی هم به فرایند خلق اثر هنری و هم به محصول نهایی طوری توجه می‌شود که فراگیرندگان به استمرار بخشیدن به کارها و فعالیت‌های هنری خود تشویق شوند.
 ۳. ارزش‌یابی فعالیت‌های هنری فرایندی پویاست و با مشارکت معلم، فراگیرنده (خودارزش‌یابی) و سایر هم‌کلاسی‌ها صورت می‌پذیرد.
 ۴. در ارزش‌یابی فعالیت‌های هنری به ویژگی‌های مثبت و برجسته‌ی هنری فراگیرندگان توجه و بر آن‌ها تأکید می‌شود؛
 ۵. ارزش‌یابی از فعالیت‌های هنری فراگیرندگان به‌صورت کیفی (توصیفی) انجام می‌شود. بنابراین، از دادن نمره به فعالیت‌ها و محصولات هنری باید خودداری کرد.
 ۶. به‌نوع ابزار و وسایل و موادی که هر دانش‌آموز استفاده می‌کند، توجه می‌شود؛ زیرا نوع و کیفیت آن‌ها در روند فعالیت و محصول نهایی مؤثر است.
 ۷. دانش‌آموزان می‌توانند با توجه به بازخورد دریافت شده از هر نوع منبع یاد شده (هم‌کلاسی‌ها، معلم و خودشان) در پایان هر فعالیت هنری به اصلاح و بازنگری فرایند خلق یک اثر هنری بپردازند.
 ۸. تمامی فعالیت‌های هنری فراگیرندگان جذاب و بارز است. بنابراین، معلم و مربی باید از قضاوت‌هایی که به ناامیدی و از بین رفتن انگیزه‌ی فعالیت هنری منجر می‌شود، خودداری کنند و با استفاده از جملات مثبت و برانگیزاننده کارایی دانش‌آموزان را افزایش دهند.
 ۹. دانش‌آموزان به دو شکل «فرایندی» و «پایانی» با توجه به سطوح زیر ارزش‌یابی می‌شوند:
- سطح ۱: حساسیت و توجه، (مثلاً نسبت به رنگ‌ها و مصادیق آن در طبیعت و محیط پیرامون)
- سطح ۲: شناخت، (مثلاً رنگ‌های اصلی و ترکیب آن‌ها در آثار مختلف خلقت)
- سطح ۳: ایده گرفتن، (مثلاً استفاده از رنگ‌های اصلی و طیف آن‌ها در آثار هنری خود)
- سطح ۴: رعایت جنبه‌های زیبایی‌شناختی (رنگ‌ها در تولید محصولات هنری)

تربیت شنوایی با تقویت کاردستی و نقاشی

نقش آموزگاران در ارزش‌یابی فرایند یاددهی - یادگیری درس هنر

رحیم محمدمرادی

اشاره

این پژوهش برای بررسی نقش آموزگاران در ارزش‌یابی فعالیت‌های یاددهی - یادگیری درس هنر (تربیت شنوایی، نقاشی و کاردستی) صورت گرفت. جامعه‌ی مادر ۱۱۰ نفر از آموزگاران بودند که با استفاده از جدول مورگان ۸۷ نفر به عنوان نمونه و به صورت تصادفی ساده انتخاب شدند. در این پژوهش از روش توصیفی - مقایسه‌ای استفاده گردید. نتایج داده‌های پژوهش بیانگر آن است که در ارزش‌یابی کار معلم به تربیت شنوایی دانش‌آموزان توجه شده است. فعالیت نقاشی در دو قسمت جذابیت و داشتن پیام و محتوا در نقاشی، نمونه‌هایی از عملکرد دانش‌آموزان در کلاس اعمال شده و قابل قبول است اما در قسمت تنوع در عناصر و تنوع در رنگ نقاشی، امتیازات به دست آمده ضعیف و رد شده است. فعالیت کاردستی در دو قسمت جذابیت و داشتن پیام و محتوا در کاردستی دارای امتیازات مطلوب بوده و عملکرد دانش‌آموزان در کلاس اعمال و تأیید شده است. اما در دو قسمت تناسب و هماهنگی در مواد مصرفی و تازگی در موضوع کاردستی، امتیازات کسب شده چشمگیر نیستند.

کلیدواژه‌ها: ارزش‌یابی، فعالیت‌های یاددهی - یادگیری، درس هنر

هنر

امروزه با تجربه‌های به دست آمده از اجرای برنامه‌ی درسی جدید هنر در مدارس می‌توان گفت فعالیت‌های هنری به تعلیم و تربیت فرزندان ما سمت و سوی فرهنگی می‌بخشد و آن‌ها را در مسیر تجربه‌های واقعی زندگی قرار می‌دهد تا مهارت لازم را کسب کنند. بچه‌ها در زنگ هنر زندگی می‌کنند، خیال می‌کنند، فکر می‌کنند، یاد می‌گیرند، یاد می‌دهند و شاد و بانشاط‌اند و با کلام و بی کلام ارزش‌های خود را بیان می‌کنند. یعنی هم آزاد هستند و هم احساس مسئولیت می‌کنند. از هنر تعاریف متعددی به عمل آمده است. نوید در این باره می‌نویسد:

«هنر از جمله درس‌هایی است که باید بیشتر از گذشته به

آن توجه شود.
هنر همزاد انسان
است و انسان با
هنر زندگی می‌کند و

به خصوص گذشت زمان
باعث لطیف‌تر شدن وجود
انسان می‌گردد و بخش‌های
سخت‌افزاری، کم نقش و کم‌رنگ‌تر
می‌شوند» (نوید، ۱۳۸۶: ۲۱).

گیتی در ترجمه‌ی خود دریان تعریف هنر می‌آورد: «هنر نماد بیرونی نیازها، احساسات، غم‌ها و شادی‌های انسان است و به همین دلیل یکی از راه‌های تخلیه‌ی روحی روانی است. بدون این مهارت، انتقال احساسات به خوبی صورت نمی‌گیرد. هنر وسیله‌ای



در کودکان می‌گوید: «ارتباط تنگاتنگی بین تربیت هنری و عرصه‌ی پرورش خلاقیت وجود دارد و ما نمی‌توانیم این معنا را انکار کنیم که پرورش ظرفیت‌های خلاق، به بهترین شکل و مؤثرترین شکل در وادی هنر اتفاق می‌افتد. هنر اساساً مظهر خلاقیت و نوآوری است. جوهر آزادی انسان قدرت تخیل اوست و دستیابی به عرصه‌های توسعه، اعم از دانایی‌ها، نظریه‌ها، افکار و اندیشه‌های جدید، و حتی تولید و ارائه‌ی خدمات جدید و امثال آن» (۱۳۸۶: ۳۲). صدا یکی از عناصر موجود در طبیعت است. صدای قلب انسان تا صدای آبشار، پرندگان، باد یا سروصدای وسایل نقلیه همه صدا هستند.

نقاشی فعالیت‌ی آشنا و عادی است که بر رشد ذهنی بچه‌ها تأثیر زیادی دارد. **شاپوریان** می‌نویسد: «کودکان به نقاشی علاقه دارند و با هر چه در دسترسشان باشد، طرح‌هایی می‌کشند که متناسب با سن و روحیه‌ی آن‌هاست. این طرح‌ها به مرور و با رشد کودک، کامل‌تر می‌شوند و برای ما مفهوم روشن‌تری پیدا می‌کنند. یک جنبه‌ی کشیدن نقاشی، بازی و سرگرمی و جنبه‌ی دیگر آن، رشد و تکامل ذهن و پیشرفت توانایی است. کودکان عواطف درونی خود را که برای ما دست‌نیافتنی هستند، در نقاشی‌هایشان نشان می‌دهند. آن‌ها تمایلات و آرزوهایشان و هر چه را دوست دارند و مایه‌ی شادی و لذت آن‌هاست و هر چه را دوست ندارند یا باعث ترسشان می‌شود، نقاشی می‌کنند» (۱۳۸۵: ۵۱).

برای برقراری ارتباط دنیای بیرونی و درونی انسان است. تسلط نداشتن بر هنر، امکان برقراری با دنیای بیرونی و درونی را دشوار و گاهی غیرممکن می‌کند. کودکی که نتواند با زبان هنر با دنیای اطرافش ارتباط برقرار کند، رشد شخصیتی‌اش دچار اختلال می‌شود. هنر راهی برای آرام کردن طغیان‌های روحی- روانی است. فراگیری هنر بهترین راه برای ارتقای مهارت تشخیص، آموزش بهتر مفاهیم آموزشی و تعلیم‌وتربیتی و ترغیب دانش‌آموزان به فراگیری بهتر است. انجام دادن هر فعالیت هنری به‌ویژه به‌صورت گروهی، حس استقلال و مشارکت را به‌طور هم‌زمان به کودک می‌آموزد و به او اجازه می‌دهد که مهارت‌های حسی و حرکتی‌اش را هماهنگ کند. هنر به کودک می‌آموزد چطور از محفوظات ذهنی، دیده‌ها و تخیلات خود به‌طور هم‌زمان برای خلق یک اثر استفاده کند. سرعت فراگیری و به‌خاطر‌سپاری کودکانی که به هنری مسلط‌اند، تا سه برابر کودکان همسن آن‌ها گزارش شده است. کودک با انجام دادن هر فعالیت هنری، مهارت تجربه و تحلیل، ارزیابی و نتیجه‌گیری را می‌آموزد (گیتی، ۱۳۸۷: ۱۶).

مهر محمدی درباره‌ی رابطه‌ی هنر و پرورش خلاقیت



تحصیلی سنجش عملکرد یادگیرندگان و مقایسه‌ی نتایج حاصل با هدف‌های آموزشی از پیش تعیین شده به‌منظور تصمیم‌گیری در این باره است که آیا فعالیت‌های آموزشی معلم و کوشش‌های یادگیری دانش‌آموزان به نتایج مطلوب انجامیده‌اند و به چه میزانی. از این تعریف معلوم می‌شود که ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی مستلزم

کاردستی از دیگر فعالیت‌های هنری کودکان در مدارس فعالیت کاردستی است که از آن می‌توان به‌عنوان یکی از رشته‌های پرورش خلاقیت در بچه‌ها یاد کرد. **رادپور** در این مورد می‌نویسد: «کاردستی محصول فعالیت، همکاری و هماهنگی بین ذهن، چشم و دست در ساختن اشیاست

و باعث پرورش خلاقیت، تخیل و تفکر کودکان می‌شود. به کمک این فعالیت سرگرم‌کننده و آموزنده می‌توان مهارت‌های فردی و گروهی کودکان را تقویت کرد و از این طریق، سطح جسمی آن‌ها را بالا برد تا به کشف محیط اطراف خود و زیباسازی آن بپردازند. کودکان با انجام دادن کاردستی، ضمن پرورش قوه‌ی تخیل خویش وسایل مورد نیازشان را نیز می‌سازند» (۱۳۸۵: ۱۱۰-۱۰۹).



ارزش‌یابی هنر

آنچه در این پژوهش بیشتر در نظر است ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی است که سیف در تعریف آن می‌نویسد: «منظور از ارزش‌یابی پیشرفت

دو اقدام اساسی است: ۱. تعیین هدف‌های آموزشی ۲. سنجش یا اندازه‌گیری عملکرد یادگیرندگان (۱۳۷۹: ۶۱۲). امروزه ارزش‌یابی فعالیت‌های هنری دانش‌آموزان به دو شکل فرایندی و پایانی انجام می‌شود: ۱. فرایندی (در طول انجام دادن فعالیت هنری) ۲. پایانی: الف) در پایان هر جلسه‌ی درس هنر که شامل سه مرحله است: ۱. خودارزش‌یابی، ۲. دیگر ارزش‌یابی، ۳. ارزش‌یابی معلم.

ب) در پایان هر نیم‌سال تحصیلی، بررسی پوشه‌ی کار. (نواب صفوی، ۱۳۸۵: ص ۲۶۰-۲۵۲).

در جایی دیگر محمدپور در معیارهای ارزش‌یابی فعالیت‌های هنری کودکان را این‌گونه ارائه می‌دهد: «شاید مهم‌ترین بخش فعالیت‌های هنری کودکان، ارزش‌یابی است. برای ارزش‌یابی آثار هنری کودکان به‌منظور هدایت غیرمستقیم آن‌ها در جهت تمایلات و استعداد‌های خودشان معیارهایی را برای آن یادآور می‌شویم.

معیارهای عمومی ارزش‌یابی: ارزش‌یابی به‌صورت مستمر صورت گیرد. ارزش‌یابی باید به‌عنوان بخشی از مراحل یاددهی - یادگیری در جریان فعالیت‌های هنری باشد. ارزش‌یابی باید براساس اصول و فلسفه‌ی تعلیم و تربیت انجام یابد. معیارهای ارزش‌یابی براساس نیازهای کودک استوار باشد و هم‌چون کودک مدام تغییر یابد (۱۳۸۲: ۸۰-۷۷)

پیشینه‌ی پژوهش

نوری و به‌پژوه (۱۳۸۱) در پژوهشی با عنوان «تأثیر نقاشی درمانی در کاهش رفتارهای پرخاشگرانه‌ی دانش‌آموزان عقب‌مانده‌ی ذهنی» از کاهش معنادار رفتارهای پرخاشگرانه‌ی دانش‌آموزان عقب‌مانده‌ی ذهنی در گروه آزمایشی می‌گویند. بسیاری از معلمان با وجود اینکه با روش‌های نوین آشنایی دارند، در تدریس کمتر از آن‌ها استفاده می‌کنند. لذا سؤالات این پژوهش عبارت‌اند از:

۱. آیا در ارزش‌یابی کار معلم به تربیت شنوایی دانش‌آموزان توجه می‌شود؟

۲. آیا نمونه‌هایی از عملکرد دانش‌آموزان در زمینه‌ی نقاشی در کلاس اعمال شده و قابل مشاهده است؟

۳. آیا نمونه‌هایی از عملکرد دانش‌آموزان در زمینه‌ی کاردستی در کلاس اعمال شده و قابل مشاهده است؟

منابع

۱. رادپور، فاطمه و دیگران، راهنمای درس هنر. انتشارات اداره‌ی کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی ابتدایی، تهران، ۱۳۸۵.
۲. سالم، سودابه و آیت‌الله محمدپور. آموزش موسیقی در مدارس دوره‌ی ابتدایی، وزارت آموزش و پرورش، مؤسسه‌ی فرهنگی منادی تربیت، تهران، ۱۳۸۲.
۳. سهیلی، مهوش و دیگران. آموزش نقاشی در مدارس دوره‌ی ابتدایی، وزارت آموزش و پرورش، مؤسسه‌ی فرهنگی منادی تربیت، تهران، ۱۳۸۲.
۴. سیف، علی‌اکبر؛ روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ۱۳۷۹.
۵. شاپوریان، فریبا و دیگران، راهنمای درس هنر: انتشارات اداره‌ی کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی ابتدایی، تهران، ۱۳۸۵.
۶. گیتی، مهدخت. (مترجم) - (۱۳۸۷). رشد آموزش ابتدایی. دوره‌ی دوازدهم، دی‌ماه.
۷. محمدپور، آیت‌الله. آموزش هنر در مدارس دوره‌ی ابتدایی، وزارت آموزش و پرورش، مؤسسه‌ی فرهنگی منادی تربیت، تهران، ۱۳۸۲.
۸. مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی sid، قسمت نشریات فارسی و طرح‌های پژوهشی علوم انسانی.
۹. مهدوی، رضا و دیگران. راهنمای درس هنر. انتشارات اداره‌ی کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی ابتدایی، تهران، ۱۳۸۵.
۱۰. مهرمحمدی، محمود. رشد آموزش ابتدایی. دوره‌ی یازدهم، شماره‌ی ۵، بهمن‌ماه ۱۳۸۶.
۱۱. نادری، عزت‌الله و دیگران. راهنمای عملی فراهم‌سازی طرح تحقیق. انتشارات روان، تهران، ۱۳۸۹.
۱۲. نادری، عزت‌الله و مریم سیف‌نراقی، روش‌های تحقیق در علوم انسانی و چگونگی ارزش‌یابی آن در علوم انسانی، انتشارات بدر، تهران، ۱۳۸۵.
۱۳. نواب صفوی، مینا و دیگران، راهنمای درس هنر. انتشارات اداره‌ی کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی ابتدایی، تهران، ۱۳۸۵.
۱۴. نوید، مهدی، رشد آموزش ابتدایی. دوره‌ی یازدهم، شماره‌ی ۵، بهمن‌ماه ۱۳۸۶.
۱۵. وزارت آموزش و پرورش. جزوه‌ی درسی گروه برنامه‌ریزی درس هنر دوره‌ی تأمین مدرس پایه‌ی پنجم، مرکز تربیت معلم شهیدای مکه، تهران، ۱۳۸۹.

16. http://www.newhorizons.org/strategies/arts/dickinson_why_arts.htm.



این برنامه نیازمند فضا و امکانات است

تشریح برنامه‌ی درسی تربیت‌بدنی پایه‌ی چهارم
منطبق با راهنمای تدریس

طیبه ارشاد

کارشناس گروه تربیت‌بدنی
دفتر تألیف کتاب‌های درسی
ابتدایی و متوسطه‌ی نظری

اشاره

هم‌سوسازی برنامه‌های درسی تربیت‌بدنی با برنامه‌ی درسی ملی هم‌چون سایر دروس، در سال جاری نیز به حرکت خود ادامه خواهد داد. با وجود تلاش‌ها برای ارتقای فعالیت‌های جسمی و کیفیت بخشی به برنامه‌های تربیت‌بدنی، آنچه نتیجه‌ی هفتاد سال حضور ورزش در مدرسه‌های کشور است، نیاز به بازنگری و رفع مشکلات و حرکت به سوی تحقق اهداف این درس را ضروری نشان می‌دهد. در این راستا و برای تبیین برنامه و توضیح اهداف عملیاتی درس تربیت‌بدنی پایه‌ی چهارم به شرح اهم محورها تألیف و طراحی این بخش پرداخته‌ایم.

دو و میدانی ارائه می‌شود که بیشترین سهم بازی‌ها را بازی طناب‌زنی به خود اختصاص داده است.

برنامه‌ی درسی تربیت‌بدنی، شنا یا فوتبال، انتخابی یا...

اگر از برنامه‌ی درسی سال سوم ابتدایی شروع کنیم، خواهیم دید آموزش اختصاصی شنا در پایه‌ی سوم در بخش انتخابی برنامه و به صورت نیمه‌تجویزی ارائه شد تا مدارس که امکان اجرای آن را دارند از این برنامه استفاده کنند. بنابراین، در پایه‌ی چهارم نیز هم‌چون پایه‌های قبل تمرکز اصلی برنامه بر محتوای کتاب راهنمای تدریس تربیت‌بدنی دوره‌ی ابتدایی است و کتاب ضمیمه در راستای برنامه و در جهت غنی‌سازی برنامه‌ی قبل و عملیاتی کردن تأکیدهای برنامه‌ی درسی ملی با محوریت بازی طراحی و تألیف شده است. در این کتاب بازی‌ها در پنج گروه بومی-محلی، طناب‌زنی، توپی، راکتی و



نشانه‌های توفیق برنامه‌های درسی

اولین بازخوردی که از کتاب ضمیمه‌ی تربیت بدنی در سال قبل دریافت شد، در زمان اجرای دوره‌های آموزشی مدرسان کشور در تابستان بود که در طول اجرای دوره، بازی‌های کتاب با استقبال خوب مدرسان کشوری مواجه شد. هم‌چنین با آغاز مدارس و رسیدن کتاب به دست معلمان، طی بازدیدها و ارتباطاتی که از طریق ایمیل گروه و یا تماس‌های تلفنی سرگروه‌های آموزشی استان‌ها برقرار شده است، بازخوردهای مثبتی از اجرای برنامه دریافت گردیده است. ارزشیابی پایانی اجرای برنامه در پایه‌ی دوم و ششم هم که سال گذشته به همت پژوهشکده انجام شد، از استقبال قابل قبول معلمان و دانش‌آموزان از کتاب‌های تازه تألیف شده و بازی‌های ارائه شده حکایت دارد. از این‌رو، بازی‌ها در پایه‌ی چهارم نیز مانند پایه‌های قبل محور اصلی کتاب ضمیمه‌ی تازه تألیف هستند.

رسیدن به آمادگی حرکتی - جسمانی در پایه‌ی چهارم با مهارت‌های اولیه و مقدماتی ورزش از پایه‌های قبل

رویکرد برنامه‌ی درس تربیت بدنی در دوره‌ی ابتدایی، حفظ و ارتقای سلامت در میان دانش‌آموزان است، تمامی فعالیت‌ها، مهارت‌ها و بازی‌های ارائه شده در برنامه برای ارتقای آمادگی جسمانی و در نهایت سلامت دانش‌آموزان طراحی می‌شود.

علاقه‌مندسازی به شرکت در بازی‌ها و فعالیت‌های بدنی در مدرسه‌ها

دانش‌آموزان خصوصاً در دوره‌ی ابتدایی براساس

ویژگی‌های جسمانی، عاطفی و اجتماعی خود به‌طور طبیعی علاقه‌مند به انجام بازی و شرکت در فعالیت‌های جسمانی هستند. از این‌رو، کافی است بتوان فعالیت‌ها و بازی‌های آن‌ها را به کمک برنامه‌ی هدفمند هدایت کرد تا به هدف‌های مورد نظر رسید. تمام تلاش همکاران ما در گروه برنامه‌ریزی و تألیف دفتر با تکیه بر همین اصل بوده است.

آیا آموزگاران با سند برنامه‌ی درسی ملی و برنامه‌ی درسی تربیت بدنی آشنایی دارند؟

در حد مقدور در کتاب راهنمای تدریس و هم‌چنین دوره‌های آموزش مدرسان کشوری



تربیت بدنی اختصاص دارد. در بیانیه‌ی این حوزه، سلامت و تربیت بدنی به عنوان عامل اساسی و مؤثر در توسعه‌ی فردی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و اقتصادی ابزاری ضروری برای رشد و پرورش انسان‌هایی سالم و توانمند برای دستیابی به ابعادی از حیات طیبه یاد کرده‌اند که این خود گویای اهمیت تربیت بدنی در برنامه‌ی درسی ملی است.

فضا و امکانات ورزشی در مدارس

وجود امکانات ورزشی از جمله فضا و وسایل ورزشی از ضروریات و الزامات اجرای کلاس درس تربیت بدنی است که متأسفانه همواره در مدارس با کمبود آن‌ها روبه‌رو هستیم. البته هر ساله اعتباراتی با عنوان سرانه‌ی ورزشی به مدرسه‌ها اختصاص می‌یابد تا بتوانند امکانات لازم را فراهم سازند ولی به دلیل ناچیز بودن این مبالغ بیشتر مدارس با کمبودهایی در این خصوص مواجه‌اند. البته معاونت تربیت بدنی و سلامت وزارت آموزش و پرورش همواره تلاش کرده است به طرق مختلف از جمله توزیع وسایل ورزشی در سطح مدرسه‌های کشور در رفع این مشکل یاری رساند. امیدواریم به موازات تولید راهنماهای تدریس تربیت بدنی با هم‌فکری معاونت تربیت بدنی و سلامت و همکاری دفتر تربیت بدنی و فعالیت‌های ورزشی، برنامه‌ای منسجم برای رفع این مشکل نیز طراحی و اجرا شود و مدیران مدارس نیز تأمین وسایل ورزشی مورد نیاز درس تربیت بدنی را جزو اولویت‌های خود قرار دهند.

کتاب راهنمای معلم کجاست؟ چه می‌گویید؟

توزیع کتاب‌های راهنمای معلم از جمله راهنمای معلم تربیت بدنی متأسفانه همواره با مشکلاتی روبه‌رو بوده است. به گونه‌ای که اغلب به موقع و همراه با شروع سال تحصیلی در

تلاش شده است آموزگاران و معلمان تربیت بدنی با منویات و توصیه‌های سند برنامه‌ی درسی ملی و نحوه‌ی اجرای برنامه‌ی درسی تربیت بدنی براساس این اسناد و نگاه تحولی ایجاد شده در برنامه آشنا شوند. البته بیشترین تلاش در خصوص عملیاتی کردن تأکیدات اسناد بالادست با ورود غیرمستقیم در تألیف بازی‌ها و فعالیت‌های کتاب‌های تازه تألیف منظور شده است.

اهمیت تربیت بدنی در برنامه‌ی درسی ملی!

در بیان اهمیت برنامه‌ی درسی ملی به تربیت بدنی باید اشاره کنیم، همان گونه که مستحضرد از شش ساحت تعلیم و تربیتی معرفی شده در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، یک ساحت با عنوان تعلیم و تربیت زیستی و بدنی است. هم‌چنین در بین یازده حوزه‌ی تربیت و یادگیری معرفی شده در برنامه‌ی درسی ملی، یک حوزه به حوزه‌ی تربیت و یادگیری سلامت و



که چرا بیشتر به آگاهی بخشیدن و رعایت نکات در ارزش‌یابی توصیفی پرداخته می‌شود، باید تأکید کنم از ده هدف کلی که مورد توجه ارزش‌یابی درس تربیت‌بدنی در پایه‌ی چهارم است، هفت هدف به مهارت‌های ورزشی و آمادگی جسمانی اختصاص دارد و سه هدف به بهداشت، تغذیه و ایمنی در ورزش و علاقه‌مندی و مشارکت در فعالیت‌ها و بازی‌ها می‌پردازد.

فقط دو ساعت ورزش کنیم؟

در ساعت هفتگی دروس، دو ساعت به درس تربیت‌بدنی در تمامی پایه‌های دوره‌ی ابتدایی اختصاص دارد. براساس مطالعات تطبیقی انجام شده از اجرای این درس در شانزده کشور از پنج قاره، میانگین میزان اختصاص داده شده به درس تربیت‌بدنی در دوره‌ی ابتدایی ۲:۳۲ ساعت در هفته است که نشان می‌دهد میزان ساعت این درس در کشور ما کمتر از دیگر کشورهای دنیاست. هم‌چنین براساس پژوهش‌های انجام شده در داخل کشور و نظرسنجی‌های صورت گرفته، دانش‌آموزان و معلمان دو ساعت درس تربیت‌بدنی در هفته را ناکافی می‌دانند که امیدواریم با توجه به اهمیت و جایگاه این درس و عنایتی که به آن در اسناد تحولی شده است، شاهد افزایش آن باشیم.

اختیار معلمان قرار نمی‌گیرد ولی خوش‌بختانه با همت و همکاری بی‌شائبه‌ی اداره‌ی کل چاپ و توزیع سال گذشته کتاب ضمیمه‌ی سوم به موقع چاپ و توزیع شد و در شروع سال تحصیلی این کتاب در مناطق مختلف آماده‌ی ارائه به معلمان بود.

در مورد آموزش معلمان نیز، به موازات سایر دروس، دوره‌های آموزش مدرسان کشوری تربیت‌بدنی در تابستان طی دو دوره برگزار شد و بلافاصله آموزش‌های استانی نیز به اجرا درآمد.

تربیت‌بدنی و تنوع فضای یادگیری و تفاوت‌های اقلیمی

در طراحی بازی‌ها و فعالیت‌های آموزشی پایه‌ی چهارم تلاش شده است بازی‌ها به گونه‌ای طراحی شوند که با کمترین امکانات در بیشتر مدارس کشور قابل اجرا باشند. به علاوه، به معلمان اختیار داده شده است که با انجام تغییراتی در برنامه و بازی‌ها، آن‌ها را با امکانات و فضای موجود و توانایی دانش‌آموزان متناسب سازند.

ارزش‌یابی با تأکید بر اهداف کلی

ارزش‌یابی پایه‌ی چهارم به صورت توصیفی انجام خواهد شد و برخلاف آنچه در سؤال شما وجود دارد



معلم ورزش جداگانه

این کارشناس تربیت بدنی به بازی های بومی - محلی اهمیت می دهد

عکس: حمیدرضا شریفی

اشاره

مهناز فروتن فر، کارشناس تربیت بدنی است و با ۱۹ سال سابقه ی خدمت هم اکنون در دبستان دخترانه ی شهید فکوری پایگاه پدافند هوایی جزیره ی کیش مربی ورزش بچه ها می باشد. وقتی از دانش آموزان درباره ی داشتن آموزگار ویژه ی تربیت بدنی پرسیدیم، آن ها بسیار ابراز خوش حالی کردند. بیشترشان می گفتند: «نشنیده ایم که دبستان ها معلم ورزش جداگانه داشته باشند.» در ادامه، با فروتن فر در ارتباط با درس تربیت بدنی و توجه برنامه ی درسی ملی به بازی های بومی - محلی و اهمیت بازی های با طناب گفت و گویی ترتیب داده ایم که نظراتان را به آن جلب می کنیم.

حرکت های ورزشی دختران دقیق تر شده و برای سلامتی و کارایی بیشتر آن ها مناسب است. آن ها ضمن بازی ورزش هم می کنند و روحیه ی بانشاطی به دست می آورند.

• شما مربی ورزش دبستان هستید. آیا بودن یک مربی ورزش در همه ی دبستان ها نیاز است؟

حتماً نیاز است. این مربی ها در انجام درست حرکت های صحیح بدنی به دانش آموزان آموزش می دهند. می خواهم به پدر و مادرها بگویم وقتی که به مدرسه می آیند از وضع جسمی و تربیت بدنی فرزند خود نیز جویا شوند. دانش آموز بانشاط و تندرستی درس را بهتر یاد می گیرد.

• چه بازی هایی در برنامه ی درسی ذکر شده است و شما نیز انجام می دهید؟

انواع طناب زنی داریم. حتی در جزیره در سطح ابتدایی جشنواره ی مسابقات طناب کشی دانش آموزان را اجرا کردیم.

می شویم. امسال، تا این لحظه خبری از راهنمای معلم نیست. از مشکلات ما این است که گاهی آموزگاران از مقاطع دیگر به ابتدایی می آیند و تجربه ی چندان در این زمینه ندارند. من سه سال است که از مقطع دبیرستان به ابتدایی آمده ام اما از ابتدا با دانش آموزان بازی های بومی - محلی را انجام می دادم. برنامه ی خاص من توجه به این بازی ها و انجام یا یادآوری آن ها به بچه هاست.

• آیا در این درس، تأکید بر بازی های بومی - محلی دلیلی دارد؟

البته، این بازی ها فعالیت دانش آموزان را جهت می دهند و به آن ها اعتماد به نفس می بخشند. انرژی دانش آموزان به شکل هدفمند تخلیه می شود و علاقه ی آن ها را به فرهنگ و داشته هایشان بیشتر می کند.

• در ارتباط با فعالیت های ورزشی دختران به ویژه در دبستان چه نظری دارید؟

• در برنامه ی درسی ملی و درس تربیت بدنی پایه ی چهارم به بازی های بومی - محلی در کنار فعالیت های ورزشی با طناب اشاره شده است. شما با این برنامه و مبانی نظری تحول بنیادین چقدر آشنایی دارید؟

هر سال این تغییرات در کتاب «راهنمای معلم» چاپ می شود و ما نیز با حضور در دوره ها و یا شنیدن از همکاران از مفاد آن با خبر





• عوامل محیطی مانند گرما و رطوبت این جزیره را هنگام ورزش در نظر دارید؟

پیش از فصل بهار در حیاط و محیط بیرون می‌توان به راحتی برنامه‌ی درسی تربیت‌بدنی را اجرا کرد. اما اگر گرما شدید شود به سالن ورزش می‌رویم. در ماه‌های گرم فعالیت خود را کوتاه‌تر می‌کنیم.

• در ارتباط با تشکیل زنگ ورزش مشکلات مدارس معمولاً چیست؟
نبود وسایل ورزشی یا نبود فضای مناسب فعالیت‌های ورزشی از مشکلات و کمبودهای دائمی مدرسه‌هاست.

• روند کار شما در زنگ ورزش چگونه است؟

این جا بچه‌ها در هفته دو زنگ چهل و پنج دقیقه‌ای تربیت‌بدنی دارند. در اول سال پیش‌نیاز شروع زنگ تربیت‌بدنی انجام تست حرکات اصلاحی است. برخی دختران افتادگی شانه و پای پراتنزی دارند و ما با حرکات اصلاحی آن را بهبود می‌بخشیم. آن‌ها قبل از هر چیز نرمش‌هایی انجام می‌دهند و به اصطلاح خودشان را گرم می‌کنند. بعد اگر قرار باشد یکی از بازی‌ها را انجام دهیم روند بازی را به آن‌ها می‌گوییم و توضیح می‌دهیم. البته بعضی از آن‌ها با قانون بازی‌ها آشنایی دارند. معمولاً بچه‌ها را گروه‌بندی می‌کنیم تا نظم بیشتری داشته باشند. درباره‌ی گذشته‌ی این بازی هم توضیحاتی به دانش‌آموزان می‌دهم.



ابعاد تغییرات مطالعات اجتماعی پایه‌ی چهارم

مبنای دگرگونی درس‌های تاریخ، مدنی و جغرافیا
در گفت‌و‌گو با دکتر ناهید فلاحیان

www.socialstudies-dept.talif.sch.ir

ناصر بنی‌علی

اشاره

کتاب مطالعات اجتماعی پایه‌ی چهارم ابتدایی، جدیدالتألیف است. بنابراین ضمن گفت‌و‌گو با دکتر ناهید فلاحیان، مسئول گروه مطالعات اجتماعی دفتر تألیف کتاب‌های درسی ابتدایی و متوسطه‌ی نظری، مخاطبان گرامی را با آخرین ویژگی‌های این دگرگونی‌ها در راستای هم‌سوسازی برنامه‌ی درسی ملی و محتوای درسی مندرج در کتاب‌های چهارم دبستان آشنا خواهیم ساخت. دکتر فلاحیان دارای مدرک دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری است. او کارش را با معلمی شروع کرده و مقالات بسیاری در کنفرانس‌های داخلی و خارجی ارائه داده است.

اصولاً نیازی به این تغییرات هست؟ بر چه مبنایی شما تصمیم گرفتید و به این نتیجه رسیدید که تغییرات باید کلی باشد نه بازنگری؟

همان‌طور که می‌دانید راهنمای برنامه‌ی جدیدی برای درس مطالعات اجتماعی نوشته شده بود و در واقع، ضرورت تغییر برنامه‌ی درسی مطالعات اجتماعی از سال‌ها قبل احساس می‌شد. در حدود یک دهه پیش، در دفتر تألیف قرار بر این شده بود که برنامه‌ی درسی مطالعات اجتماعی در دوره‌ی آموزش عمومی متحول شود. این دروس طی سال‌های طولانی حتی بعد از انقلاب در سازمان‌دهی محتوا به‌جز برخی تغییرات صورتی تغییرات زیادی به خود ندیدند؛ یعنی در آموزش تاریخ، جغرافیا و مدنی، به همین دلیل، این راهنمای برنامه‌ی درسی اعتباربخشی و برای همه‌ی استان‌ها فرستاده شد و سرگروه‌های آموزشی استان‌ها آن را مطالعه کردند.

اجتماعی، تاریخ، جغرافیا، اقتصاد و غیره مطرح شوند، طبیعتاً تغییر پیدا می‌کنند. پس ضرورتی داشته است که گفته‌ایم در دوره‌ی ابتدایی می‌خواهیم دروسمان تلفیقی باشند؛ تلفیق کامل. بنابراین، نمی‌توانیم در پایه‌ی سوم دروس تاریخ، جغرافی و اجتماعی را تلفیقی ارائه کنیم و در پایه‌ی چهارم بیاوریم همان کتاب قبلی را که بخش‌های تاریخ و جغرافی و مدنی‌اش از هم مجزا شده بودند، داشته باشیم.

به برنامه‌ی درسی ملی اشاره کردید و درباره‌ی تغییراتی که الزامی بودند، سخن گفتید. مواردی را که برنامه به آن‌ها اشاره داشته است، به‌طور جزئی‌تر مطرح کنید.

برنامه‌ی درسی ملی تربیت اسلامی و شکوفایی استعدادها و پرورش ابعاد مختلف وجودی دانش‌آموز را مورد توجه قرار داده است. برنامه به‌طور کلی اخلاق محور است

در مراحل آخر تدوین راهنما به برنامه‌ی درسی ملی برخورد کردیم و این راهنما را با برنامه‌ی درسی ملی هم‌سوسازی کردیم. به‌طور کلی، می‌توانیم بگوییم نزدیکی‌های زیادی بین این‌ها وجود داشت. ما توانستیم رویکردهای فرهنگی و تربیتی‌مان را با برنامه‌ی درسی ملی هم‌منطبق کنیم. طبیعتاً این تغییری است که چون اتفاق افتاده، نمی‌توانیم در یک پایه ساختار قبلی را حفظ کنیم و در پایه‌ی دیگر ساختار دیگری داشته باشیم. ما کتاب سوم را تغییر دادیم. در راهنمای برنامه مجموعه‌ای از مفاهیم کلیدی داریم که از دوره‌ی ابتدایی تا پایان دوره‌ی متوسطه‌ی اول باید دنبال شوند. برنامه به این شکل است که جدول وسعت و توالی محتوا وجود دارد و نمی‌توانیم محتوا را در یک جا قطع کنیم. بنابراین، وقتی کتاب سوم را تغییر دادیم، براساس آن الگو و راهنما، در سال‌های بعد تغییری هم در چهارم داشتیم. به این ترتیب موضوعاتی که باید در حوزه‌ی



هستند که نظر می‌دهند. بنابراین، دانش‌آموزان در کتاب‌ها حضورشان پررنگ شده است. به جرئت می‌توان گفت که درس مطالعات اجتماعی درسی است که باید هر چند سال یک‌بار بنابر نیازها و مقتضیات جامعه دگرگون شود مثلاً شاید ۲۰ سال پیش مسئله‌ی بازیافت این قدر مسئله‌ی مهمی نبود. ولی الان بچه‌ها باید اهمیت و مهارت بازیافت را یاد بگیرند. موضوعاتی است که گاهی اوقات پیش می‌آید که این موضوعات در شرایط گوناگون کمرنگ‌تر و پررنگ‌تر شود. بنابراین، باید به مقتضیات پاسخ بدهد و به نظر من عمر مفید این کتاب‌ها پنج تا هفت سال است و باید دگرگونی‌های اساسی درونشان اتفاق بیفتد.

پس نهایتاً پس از گذراندن پایه‌ی چهارم دانش‌آموز به آمادگی‌ها و بینش‌هایی می‌رسد که آن رسیدن به مراتبی از حیات طیبه است؟

حیات طیبه مراتب دارد ولی رسیدن به یک رتبه تضمینی در پی ندارد. چه بسا کسی که به قول معروف به درجه‌ی والایی می‌رسد ولی ممکن است با یک گناه و خطا به عمق دره‌ی مغضوبین سقوط کند. کسی را هم داریم که یک شبه مراتبی را طی کند و متحول شود و به درجات بالایی دست پیدا کند. من فکر می‌کنم که وظیفه‌ی ما فراهم کردن این بستر است و این‌ها ساده‌انگارانه قابل اندازه‌گیری نیست که به آن حیات طیبه رسیده است یا نه. می‌خواهم بگویم که دانش‌آموزان را به اخلاق و ارزش‌ها مثل احترام به همسایه، همکاری در محله، تعاون و... از طریق آموزش سوق می‌دهیم.

هویت‌ام چیست؟ بعد با خانواده و همکاری در خانواده آشنا می‌شود؛ نظم در خانواده، روابط متقابل و نیازهای خانواده. بعد از آن وارد مدرسه شده و می‌گوید که چرا مدرسه را دوست دارد و مدرسه چه محیطی برای او فراهم می‌کند؟ رفتارش با محیط و همکلاسی‌ها چگونه باشد و سپس از خانه تا مدرسه را بشناسد و مقررات عبور و مرور و نکات ایمنی را یاد بگیرد. او امسال وارد محله می‌شود و بعد از محله وارد شهر، روستا و کشور. یعنی، در واقع ما همان محیط‌های توسعه‌یابنده را دنبال می‌کنیم، بعد دیگر تاریخ و جغرافیا و اجتماعی که با همدیگر تلفیق شده است.

آیا در این روند دانش‌آموز متوجه می‌شود که قسمتی تاریخ و قسمتی جغرافی است؟

بله، اینکه اجتناب‌ناپذیر است. البته مفاهیم را هم باز کردیم، کار باستان‌شناس چیست؟ کار مورخ یا کار جغرافی‌دان چیست؟ و همان موقع که دانش‌آموز در شهر و طبیعت شهر و روستا و ویژگی‌های طبیعی و انسانی و مکان مطالعه می‌کند، با این مباحث نیز آشنا می‌شود. نکته‌ی بعدی اخلاق محور شدن درس است. بسیاری از فعالیت‌هایی که داریم فعالیت‌های تربیتی است که انتظار داریم آموزگاران به این نکات توجه داشته باشند. سال گذشته بحث صرفه‌جویی را مطرح کردیم از جمله اسراف و پس‌انداز و امسال مهارت‌های خرید عاقلانه مطرح می‌شود. به هر حال اقتصاد و مهارت‌های مالی و اقتصادی که جزو مهارت‌های مغفول بود در کتاب جدید به آن توجه شده است. می‌گوید که خانواده بودجه‌ی معینی دارد و ما باید در راستای آن بودجه حرکت کنیم و تصمیم بگیریم.

با یک‌سری تعالیم و مفاهیم سعی کردیم در یک رویکرد جدید و در سازمان‌دهی محتوا، درس را به زندگی دانش‌آموزان پیوند بزنیم تا دانش‌آموز لذت ببرد. از عکس‌های دانش‌آموزان هم در کتاب‌ها زیاد استفاده کردیم. در بسیاری از قسمت‌ها دانش‌آموزان

و باید سعی کنیم در آموزه‌هایی که داریم، به این مورد توجه کنیم. در سند تحول بنیادین و برنامه‌ی درسی ملی رابطه با خدا و خلق، رابطه با محیط طبیعی و رابطه با خود، مطرح شده است. برنامه اخلاق محور است، رویکرد تربیتی دارد و در آن به بحث هویت ملی توجه شده است.

بنابراین، باید سعی کنیم که برنامه‌مان را از این نظر قوی کنیم و این کار را هم انجام دادیم. یعنی فقط دانش جغرافیایی و دانش تاریخی و دانش مدنی مهم نیست. نکته‌ی دیگر این است که برنامه‌ی درسی ملی به مهارت‌های زندگی هم توجه کرده است و ما این مهارت‌های زندگی را در برنامه‌ی جدید مدنظر قرار داده‌ایم.

آیا تغییرات زیر نظر آموزگاران است؟

آموزگاران درباره‌ی سرفصل‌ها نظر داده‌اند. برنامه از پنج سال پیش مورد اعتباربخشی درون سازمانی و برون سازمانی قرار گرفت و حتی بخش‌نامه شد و کمیسیون‌هایی تشکیل شد. گردهمایی معلمان در باشگاه فرهنگیان تهران تشکیل شد و یک‌بار معلمان درباره‌ی سرفصل‌ها نظر دادند. بنابراین نمی‌توانیم اینجا سلیقه‌ای عمل کنیم. عرض کردم برنامه در شورای علمی سازمان تصویب شد و به شورای عالی آموزش و پرورش هم رفت و حتی در آنجا هم مراحل خود را طی کرد. ما در شورای نظارت بر تألیف هم از معلمان استفاده می‌کنیم و حتی در هنگام تألیف، به چند مدرسه رفته و برای برخی مفاهیم اجرای آزمایشی انجام می‌دهیم. به هر حال معلمان درباره‌ی چگونگی پیاده کردن برنامه هم می‌توانند کمک کنند.

ارزش‌یابی مطالعات اجتماعی به چه صورت است؟

ارزش‌یابی توصیفی است. حالا دیگر در کتاب سه بخش مجزا نداریم. ما در سال سوم از خود شروع کردیم؛ یعنی، دانش‌آموز خود را خواهد شناخت و می‌گوید من کی‌ام، استعدادهایم چیست؟ شناسنامه و

در پیاده شدن این برنامه و کتب جدید چه مشکلاتی داریم؟

متأسفانه روش‌های معلمان ما هنوز آن‌طور که باید و شاید متحول نشده‌اند. یعنی یکی از مشکلات این است که معلم می‌خواهد به روش‌های سنتی ادامه بدهد. روش‌های سنتی همان روش‌های حافظه‌محور و اطلاعات‌محورند. برای همین وقتی کتاب را می‌بینند فوراً به حجم آن توجه می‌کنند. حجم کتاب چرا اینقدر برای معلمان مهم است؛ چون می‌خواهند کلمه به کلمه آن را امتحان بگیرند و سؤال کنند. برای همین تألیف جدید درس‌های پایه‌ی چهارم از یک مدرسه بازدید کردیم و متوجه شدیم که معلم فعالیت‌های کتاب را انجام نداده و به بچه‌ها گفته است به هر صفحه یک برگه‌ی سفید سنجاق کنند و از کتاب سؤال و جواب در بیاورند. متأسفانه برخی از معلمان هنوز به روش سنتی عمل می‌کنند و از مهارت‌های لازم هم برای تدریس موضوعات برخوردار نیستند.

این‌ها از کجا سرچشمه می‌گیرد با اینکه برخی هم با رشته خاص دبیری یا کارشناس آموزش ابتدایی بودند چرا اقبالی ندارد؟

باید این مسائل ریشه‌یابی شود ولی آنچه مسلم است اینکه چه برنامه‌ی مطالعات اجتماعی و چه سایر برنامه‌ها و چه برنامه‌ی درسی ملی زمانی که بخواهد اجرا شود و به اهداف خود برسد نیازمند توجه جدی به آموزش معلمان و تربیت معلم است. اگر معلمی به این درجه رسیده باشد که بتواند و بداند چطور مطالعات اجتماعی را باید تدریس کرد اگر کتاب هم عوض شود با یک روز دوره هم می‌داند چکار باید بکند. در دوره‌هایی که برای مدرسه‌ها تدریس داشتیم، متأسفانه بعضی از مدرسان حتی اطلاع نداشتند که معلم باید فن بیان بداند! روش‌های ارزش‌یابی هم به شیوه‌ی سنتی دارد دنبال می‌شود. می‌بینیم که همچنان معلمان از تست و جای خالی استفاده می‌کنند و هر روز به بچه‌ها پلی‌کپی

می‌دهند! ما در کتابمان کاربرگه داریم؛ کاربرگه‌هایی که باید دانش‌آموز فرایندی را طی کند و اطلاعاتی را به کار ببندد. باید تحولی به وجود بیاید، اول در آموزش معلمان و بعد نگرش‌ها و باورهایشان اصلاح شود به علاوه‌ی اینکه فنون معلمی نیز به آن‌ها آموخته شود.

این آموزش معلمان به عهده‌ی کیست؟

مراکز تربیت معلم و تربیت نیروی انسانی.

آیا این مراکز با دفتر برنامه‌ریزی و تألیف و گروه‌های درسی در ارتباط هستند؟

ارتباط هست ولی نیاز به اقدامات زیربنایی در زمینه‌ی تربیت معلم وجود دارد. در گذشته زمانی که من خود دانش‌آموز

درس دادن و شیوه‌ی تدریس چند معلم ماهر را نمی‌دیدند به این‌ها اجازه تدریس نمی‌دادند. هم‌چنین معتقدم که حقوق معلمان باید حفظ شود و در مقابل کار سنگینی که از آن‌ها می‌خواهیم، باید کاملاً تأمین باشند.

آیا در کتاب‌های جدید به شأن و جایگاه معلم پرداخته‌اید؟

بله، به معلم هم پرداختیم حتی در درس مدرسه که در سوم داشتیم گفتیم یک تور در مدرسه راه بیندازید بروید در همه اتاق‌ها ببینید چه کسانی در مدرسه برای شما زحمت می‌کشند. مدیر، مربی بهداشت این همه آدم اینجا هستند که شماها درس بخوانید و چیز یاد بگیرید و بنابراین حالا شما چه وظیفه‌ای دارید. در مورد شأن معلم و علاقه‌مندی به معلم هم صحبت کرده‌ایم.



در مورد فعالیت‌های نقشه و

کاربرگه‌ها و رویکردها صحبت کنید. این کاوشگری‌ها با روندی که کتاب گفته است، چقدر بچه‌ها را درگیر می‌کند؟

درس‌ها به گونه‌ای تنظیم شده‌اند که اگر معلم‌ها آن فعالیت‌ها را محور قرار بدهند و کاربرگه‌ها را به خوبی انجام دهند،

بودم یادم هست می‌گفتند یک خانم معلم قرار است بیاید در کلاستان آخر کلاس بنشیند، می‌دیدیم یک خانمی می‌آمد آخر کلاس می‌نشست و معلم ما درس می‌داد. بعدها که سؤال کردیم فهمیدیم که این‌ها کسانی هستند که دارند کارورزی می‌کنند. یعنی فارغ‌التحصیلان مراکز تربیت معلم تا نمی‌رفتند توی کلاس‌ها ننشینند و



جریان تدریس را می‌توانند هدایت کنند و از روش سخنرانی صرف بپرهیزند. ما نمی‌خواهیم بچه‌ها، سؤالات یا فعالیت‌ها و تمرین‌ها را در پایان درس جواب بدهند یا ببرند در خانه جواب بدهند. بسیاری از این کارها را می‌گوییم در کلاس انجام بدهند. چون دانش‌آموز وقتی در کلاس تمرین می‌کند چیزی به‌دست می‌آورد و برای یادگیری آمادگی پیدا می‌کند. مرحله‌ی بعدی این است که در واقع یک درس به قسمت‌های مختلفی تقسیم می‌شود که هر کدام از آن‌ها پیش‌زمینه‌ای دارد. معلم باید به‌جز کلاس، موقعیت‌های دیگری را هم برای دانش‌آموزان فراهم کند. مثلاً آن‌ها را به بازدید از محله و موزه و محیط‌های طبیعی مثل کوه و دره و دشت برد که البته آن هم اصول و روش‌های خاص خودش را دارد. اگر راجع به مسجد محله صحبت می‌کند باید بچه‌ها با خانواده بروند مسجد و در یکی از کارهای مسجد همکاری کنند، در مدرسه اگر هست همکاری کنند تا از طریق این همکاری اجتماعی بتوانند این صلاحیت‌ها را یاد بگیرند. اینجاست که می‌گوییم یادگیری در محیط‌های واقعی را باید معلم تدارک ببیند. اگر مدام بخواهد به سؤال و جواب بسنده کند در دانش‌آموز هیچ تغییری در اخلاق و رفتار به‌وجود نمی‌آید.

نکته‌ی بعد این است که معلم باید علاوه بر محیط‌های متنوع از وسایل متنوع نیز استفاده کند. کتاب فقط یک الگو در اختیار قرار می‌دهد. مثلاً وقتی می‌خواهیم از تاریخ ایران بگوییم، در کتاب فقط سه عکس می‌توانیم بگنجانیم ولی این معلم است که می‌تواند اسلاید و فیلم

نشان بدهد. به هر حال باید از وسایل و از رسانه‌های مختلف هم استفاده کنند.

پس با این شرایط کلاس‌ها هم به فناوری‌های آموزشی مجهز می‌شوند؟

اگر معلم بتواند از آن‌ها استفاده کند، خوب است.

یعنی اگر این‌ها باشد شرایط تدریس بهتر می‌شود؟

بله، خیلی بهتر می‌شود. در بازدیدی که از یک مدرسه داشتیم معلم کتاب را در لب‌تاپ وارد کرده بود و روی تخته هوشمند ورق می‌زد یا یک نقشه را که در کتاب خیلی کوچک بود می‌توانست روی تخته‌ی هوشمند به وضوح نشان بدهد. به هر حال تکنولوژی‌های نوین امکانات خوبی در اختیار ما می‌گذارند اما این به این معنا نیست که اگر معلمی تخته هوشمند نداشته باشد، نتواند کاری انجام دهد. معلم اگر بخواهد می‌تواند رسانه‌ها و وسایل و ابزاری فراهم کند برای اینکه تدریسش بهتر باشد.

سرفصل‌های درس‌هایی که وجود دارد نام ببرید.

کتاب پنج فصل دارد: فصل اول، محله‌ی ما؛ فصل دوم، شهر من، روستای من؛ فصل سوم، پیدایش شهر و روستا؛ فصل چهارم، سفری به شهرهای باستانی؛ فصل پنجم، کشور زیبای من و فصل ششم، ما ایرانی هستیم.

حتماً داستان آموزگار مریوانی که موی سر خود را تراشید را شنیده‌اید؛ این کار در کدام دسته درس مطالعات اجتماعی جا می‌گیرد؟

ببینید در مطالعات اجتماعی مطالباتی که سازمان‌ها، گروه‌ها، نهادها و جامعه از این درس دارند خیلی زیاد و متنوع است. در عین حال کتاب گنجایش محدودی دارد.

چون موضوعات زیاد است، نمی‌توانیم به بعضی از موضوعات هر سال بپردازیم. مثلاً ما بحث مدرسه را پارسال مطرح کردیم. شاید همان‌جا که بحث همکلاسی‌ها را گفتیم عکس یک دانش‌آموزی را انداختیم که پایش را گچ گرفته و دست انداخته گردن آن یکی همکلاسی‌اش و آن همکلاسی دارد کمکش می‌کند. در مورد همدلی آن معلم و موضوعاتی اینچنین به نظر من همه چیز را منحصر به کتاب نکنیم. معلم باید از عناصر و اجزای گوناگونی از بسته‌ی آموزشی در این درس استفاده کند و به علاوه درس را منطبق با شرایط بومی و محلی ارائه دهد.

بسته‌ی آموزشی در تألیف و مطالعات اجتماعی پایه‌ی چهارم چه جایگاهی دارد؟

فعلاً کتاب درسی و کاربرگ‌ها و کتاب راهنمای معلم تولید شده است و بقیه‌ی اجزای بسته‌ی آموزشی باید به مرور زمان تولید شوند ولی همان‌طور که گفتم معلم هم اینجا در تولید بسته‌ی آموزشی نقش دارد، یعنی بخشی از بسته‌ی آموزشی را معلم خودش تولید می‌کند. مدرسه باید کمک کند. مثلاً ما در رابطه با کتاب‌های پایه‌ی چهارم در مدرسه باید نقشه‌های جغرافیایی و کره‌ی جغرافیایی داشته باشیم و مدیر ملزم است که آن‌ها را تهیه کند و معلم هم باید این‌ها را از مدیر بخواهد.

به‌طور کلی جایگاه کتاب درسی مطالعات اجتماعی خودمان را در سطح بین‌المللی چگونه ارزیابی می‌کنید؟

از بُعد نگاه تطبیقی کتاب یا برنامه‌ی درسی در مقایسه با کشورهای منطقه در سطح بسیار بالایی قرار داریم تا آنجایی که من کتاب‌های منطقه را دیده‌ام. از نظر تکنیک‌های آموزشی، سازمان‌دهی محتوا و چاپ، کتاب‌های ما از کیفیت بهتری برخوردارند، اما از کشورهای غربی هنوز عقب‌تر هستیم.

تحول باید در نگاه معلمان اتفاق بیفتد!

قصه‌ی آموزگاری که واژه‌ی معلمی را دوباره معنا کرد

محمددشتی
عکس: احسان خدایی

بهشت به خود گرفته بود اما محمدعلی حال خوشی نداشت. در حیاط مدرسه ایستاده بود و مردم روستا را می‌دید که به مسافران گذری، با مهربانی، نان و شیر و میوه تعارف می‌کردند. اما انگار همه او را از یاد برده بودند. مردم روستا، همسایه‌ها، هم‌کلاسی‌هایی که با سروصدا و فریادشان مدرسه را روی سرشان گذاشته بودند و حتی معلمانی که فارغ از غصه‌های محمدعلی دور هم جمع شده بودند و می‌گفتند و می‌خندیدند! انگار هیچ‌کس او را نمی‌دید و دوست نداشت. یادش آمد آن روزها از تنهایی‌اش خیلی غصه خورده بود و امروز دوباره بعد از چهل سال همان غصه‌ها به سراغش آمده بودند.

پنجره را به آرامی بست و طول اطاق پذیرایی را برای چندمین بار طی کرد. نگاهی دیگر در آینه به خودش انداخت. تصویر غمگین ماهان توی آینه بود. رویش را برگرداند. خواست برود که صدایی شنید.

- «آقا اجازه! آقا نرو. منو تنها نذار». ماشین اصلاح را برداشت و شاسی آن را فشرد. اولین ردیف موهایش که بر زمین ریخت، اندکی آرام گرفت. حالا کنار تصویر او در آینه، چهره‌ی ماهان هم کم‌کم بازتر می‌شد و لحظاتی بعد هر دو با هم خندیدند.

فرادی آن روز متن یک خبر در شبکه‌های خبری، رسانه‌های جمعی و فضای مجازی غوغا کرد: «من و ماهان در زمستان سرمان به مو حساسیت دارد. بهار که از راه برسد، موهایمان دوباره خواهند روید و رشد خواهند کرد. کسانی که ماهان را دوست دارند تا آن موقع صبر کنند».

در راه مریوان

مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی در راستای برنامه‌های تحولی آموزش و پرورش از چند سال قبل انتشار ویژه‌نامه‌هایی را با عنوان

من و ماهان قصه‌ی مشترکی داشتیم!

محمدعلی به لبه‌ی پنجره‌ی خانه‌اش تکیه داده بود و به منظره‌ی زیبای شهر که روبه‌رویش گسترده بود، نگاه می‌کرد. نگاهش از خانه‌های مسکونی شهر که مانند پلکان روی هم چیده شده بودند، پُر می‌کشید و او را به خاطرات گذشته‌اش پیوند می‌زد.

امروز مشکل ماهان ذهنش را بدجوری به خود مشغول کرده بود و چهره‌ی مغموم او از خاطرش محو نمی‌شد. در همین فکر و خیال بود که بار دیگر مرغ بی‌قرار نگاهش از دامنه‌های مشرف بر خانه‌های مسکونی مریوان گذشت و با عبور از دامنه‌های پوشیده از برف پیرامون آن به روستای زادگاهش، «دره‌کی» پر کشید. هنوز هم با یادآوری آن روزها تصاویر همیشه ماندگار روستا در ذهنش رژه می‌رفتند و او را به وجد می‌آوردند. حدود چهل سال از آن روزها گذشته بود و دانش‌آموز گوشه‌گیر و خجالتی آن سال‌ها، بعد از فراز و نشیب‌های فراوان در زندگی، آموزگار بچه‌های شهرش شده بود.

دوباره تصویر ماهان رحیمی، دانش‌آموز کلاس دوم، که این روزها اصلاً حال خوشی نداشت، در مقابل چشمانش نقش بست. روستای پلکانی «دره‌کی» که محل تولد و خاطرات دوران کودکی او بود، در مسیر جاده‌ی اورامانات قرار داشت و از همان سال‌ها تاکنون، مسافران و گردشگرانی که عزم سفر به منطقه‌ی اورامانات داشتند از این روستا گذر می‌کردند. روستایی که مردمان نجیب و مهمان‌نوازش همیشه پذیرای میهمانان و رهگذران بسیاری بودند که در فصل‌های مختلف سال، به‌خصوص بهار و تابستان به آن منطقه می‌آمدند.

چهل سال پیش، انگار همین دیروز بود. فصل بهار بود و روستای کوچکش با سرسبزی و گشاده‌دستی طبیعت بوی

داوری عادل
باشد، از داوری
شتابزده پرهیز کند،
خودمحور و خودمعیار
نباشد، احساساتی چون دشمنی
و ناکامی را به سرعت نشانه‌گیری کند،
دوست و رازدار باشد، جانشین والدین بچه‌ها
باشد و محبت و موفقیت را هدف قرار دهد. (رشد
آموزش ابتدایی، مهر ۱۳۹۱: ۱۷-۱۶) و حقا که این معلم
فداکار این گونه بود.

دنیای ما و دنیای کودکان

نظر محمدیان را درباره‌ی دنیای بزرگ‌ترها و کودکان می‌پرسیم،
می‌گوید:

«به‌نظر من دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم، دنیایی پر از
هیاهو و جنگ و دعواست؛ دنیایی ماشینی که رفتارهای انسانی
و نوع‌دوستانه در آن غریب‌اند. همه‌ی ما به نوعی تشنه‌ی
محبتیم و کودکان به مهربانی و توجه نیاز بیشتری دارند.
به‌نظرم، دلیل توجه مردم به کاری که برای ماها انجام دادم این
بود که این گونه رفتارها در جهان ما غریب است.

و اما دنیای کودکان. از نگاه من، دنیای کودکان دنیای عجیبی
است، اگر احساس بزرگی نکنیم و به طبیعت و فطرت خودمان
اجازه دهیم دست‌نخورده بماند، این دنیا، دنیای قشنگی است
که لذت و شادمانی خاص خودش را دارد. متأسفانه در بسیاری
از موارد بیماری، فقر، ناتوانی‌های جسمی و دیگر آسیب‌ها
این دنیای قشنگ را خراب می‌کند. کودکان زیادی هستند که
مثل ماها از یک بیماری رنج می‌برند و اگر ما در این رنج و غم
کنارشان نباشیم خیلی تنها خواهند ماند.»

سخنان این آموزگار سخت‌کوش آموزه‌های بیان شده در اسناد

«هم‌سو با تحول» در
دستور کار خود قرار داده
است. در تدارک ویژه‌نامه‌ای برای
پایه‌ی چهارم ابتدایی بودیم که تصمیم
گرفتیم گزارشی هم از این خبر تهیه کنیم.
راهی مریوان شدیم و فردای آن روز با **محمدعلی
محمدیان**، که اکنون به چهره‌ای ملی تبدیل شده است،
دیدار کردیم. لحظه‌ی ملاقات ما در زیر باران اتفاق افتاد.
هنگامی که برای تهیه‌ی گزارش از اداره‌ی آموزش و پرورش
شهر مریوان خارج می‌شدیم، با این آموزگار، که در مسیر رفتن
به مدرسه بود، برخورد کردیم. او مهربان و آرام، مانند همان
چهره‌ای که در رسانه‌ها دیده بودیم، با ما همراه شد.

نقش معلم

اولین سؤالمان این بود: «چرا؟ آقای محمدیان چرا موهائیتان را
تراشیدید؟» و او پاسخ داد:

«به خاطر نقش معلمی! شاگردم ماهان به دلیل ریزش موهایش
که در اثر یک بیماری ناشناخته به سراغش آمد، مورد تمسخر
بچه‌ها قرار گرفته بود و من باید برایش کاری می‌کردم. موهایم را
زدم تا شکل ماهان شوم و بچه‌ها مسخره‌اش نکنند.»

با شنیدن این سخنان صادقانه که از اعماق وجودش
برمی‌خاست، به یاد حرف‌های حکمت‌آمیز معلم دانشمند،
زنده‌یاد دکتر علی‌اکبر شعاری‌نژاد، افتادیم که گفته بود:

«معلم هفت نقش مهم شامل متخصص آموزش، محرک،
مدیر، رهبر، مشاور، مهندس محیط و سرمشق را برعهده دارد
که در مهم‌ترین آن‌ها یعنی نقش رهبری باید این گونه باشد:

معلم موفق و مؤثر در نقش رهبر باید بتواند نیروی گروه را برای
کمک به رشد و تکامل سالم فردی به کار گیرد. از معلم به عنوان
رهبر گروه انتظار داریم:



تحولی (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش) را در مورد نقش معلم به یادمان می‌آورد، آن‌جا که از نقش معلم (مربی) به عنوان هدایت‌کننده و اسوه‌ای امین و بصیر در فرایند تعلیم و تربیت و مؤثرترین عنصر در تحقق مأموریت‌های نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی یاد کرده است (سند تحول بنیادین، ۱۳۹۱).

کودکی مشترک من و ماهان

او سپس در خصوص محرومیت‌ها و غصه‌های دوران کودکی خود چنین می‌گوید:

«من خود در دوران کودکی ام این غصه‌ها را تجربه کرده‌ام و مزه‌ی آن‌ها را می‌دانم؛ مزه‌ی تلخ و آزاردهنده‌ای که زیر زبان احساس کودک می‌ماند و او را حیران و سرگردان می‌کند. شاید کودک بخواهد غم و غصه و تنهایی خودش را با کسی در میان بگذارد. شاید همه‌ی کودکان دوروبرش آن قدر غرق در بازی و فعالیت و بازیگوشی باشند که غصه و درد او را نبینند و یا حتی مسخره‌اش کنند که چرا مثل آن‌ها شاد و شیطانی و بازیگوش نیست. من درد تنهایی کودکی را با غصه‌ی بی‌توجهی بزرگ‌ترها پشت‌سر گذاشته‌ام و حالا نمی‌خواهم هیچ کودکی تجربه‌ی تلخ مرا در ذهن کوچک و حساسش بایگانی کند.

تحصیلات دوران ابتدایی را در روستای زادگاهم به نام «دره کی» در ۳۵ کیلومتری مریوان گذراندم. در کودکی و دوران دبستان از نوعی معلولیت حرکتی رنج می‌بردم که مانع همراهی و هم‌داستانی من با دیگر کودکان و هم‌کلاسی‌هایم می‌شد. اغلب به درخت گوشه‌ی حیاط و یاستون پرچم مدرسه تکیه می‌دادم و منتظر دست نوازشگر و مهربان بزرگ‌تری بودم که کمک کند تا من هم مثل بچه‌های دیگر بدم و فریاد شادمانی سر دهم اما آن دست بزرگ مهربانی از من دریغ شد. شاید هم آن سال‌ها در ناخودآگاهم تصمیم گرفتم که اگر روزی کاری از دستم برآمد، از کمک به کسانی که نیاز به محبت و همراهی دارند دریغ نکنم. سال‌های زیادی گذشت و کودکی من هم در کوچه پس‌کوچه‌های زندگی به خاطره‌ها پیوست اما پس از حدود چهل سال با دیدن گوشه‌گیری‌ها و غصه‌های ماهان دست احساس تلخ کودکی‌ام را دوباره گرفتم و با نوازش سر بی‌موی ماهان به کمک کودک درونم شتافتم.

ماهان من بودم که معلمش او را دید و من و ماهان یکی شدیم تا او تنها نباشد. هم‌کلاسی‌های ماهان دور ما جمع شدند و سرهایشان را تراشیدند تا دیگر هیچ‌کس او را مسخره نکند. روزی که من و ماهان موی سرمان مثل هم شد، همه‌ی دوستان و کودکان در ایران به ما پیوستند و بعد هم با پیچیدن این خبر در دهکده‌ی کوچک جهانی، دنیا بیدار شد و تصمیم گرفت به دلیل این اتفاق خوب با کودکان مهربان‌تر باشد.»

با باورهایمان زندگی می‌کنیم!

از او درباره‌ی باورهای درونی‌اش و رابطه‌ی آن‌ها با عملکردش

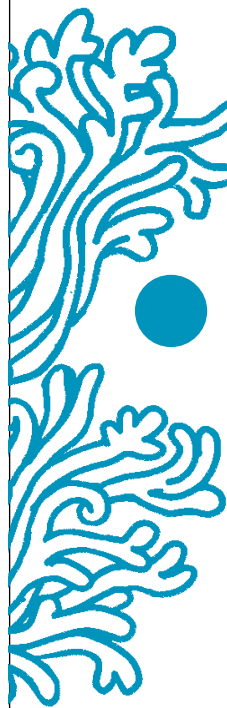
در خصوص ماهان می‌پرسیم؛ می‌گوید:

رفتار ما زندگی ماهان را عوض کرد. کار من و هم‌کلاسی‌هایش تظاهر و نقش بازی کردن نبود و از عمق وجودمان می‌خواستیم برای فرزند و هم‌کلاسی خودمان کاری انجام دهیم، به همین دلیل، همین کار کوچک (تراشیدن موی سر) ماهان را به زندگی بازگرداند.

زندگی ماهان از همان روز و با دیدن معلم و بچه‌هایی که به خاطر او موهایشان را زده بودند، عوض شد. خانواده‌ی ماهان آن روزها فرزند و برادر دیگری را می‌دیدند که دیگر اصراری برای بر سر داشتن دائمی کلاهش نداشت. در حیاط مدرسه هم گوشه‌های تنهایی و لحظه‌های حسرت ماهان دیگر جایی نداشتند و انگار او دوباره به زندگی بازگشته بود. بچه‌ی گوشه‌گیر و مغموم دیروز، به یکی از سرشناس‌ترین بچه‌های مدرسه تبدیل شده بود. اما این توجه و مهربانی به یک کودک، تنها در همان فضای مدرسه‌ی «شیخ شلتوت» شهرستان مریوان باقی نماند و رسانه‌های بدون مرز دنیای مجازی کار خودشان را کردند. من در وبلاگم نوشتم: «سر من و ماهان به مو حساسیت دارد» و عکسی هم با ماهان و هم‌کلاسی‌هایش، که همه موهایشان را برای دل ماهان تراشیده بودند، بر روی شبکه‌ی اینترنت قرار دادم. بعد از آن این خبر که «معلم مریوانی برای خاطر دانش‌آموزش موهایش را تراشید!» در همه‌ی جهان پیچید و خوش‌بختانه با جلب توجه مسئولان داخل کشور و اقدام برای درمان بیماری ماهان دریچه‌ای از محبت و مهربانی بر یک کودک گشوده شد و پس از آن هم ماهان، خوش‌بختانه روز به روز حالش بهتر و شادتر و شاداب‌تر شد.

دعوت‌نامه‌ای از وزیر

خبرهای مربوط به من و ماهان خیلی زود همه جا پیچید و به گوش مسئولان آموزش و پرورش هم رسید. روزی که با دعوت وزارت آموزش و پرورش به تهران آمدم و با آقای دکتر فانی، وزیر محترم آموزش و پرورش گفت‌وگو کردیم، من برق شادمانی



را در چشمان ماهان دیدم. او که تا دیروز دانش‌آموزی خجالتی و گوشه‌گیر بود و مورد تمسخر بچه‌های شیطان مدرسه قرار می‌گرفت، رو در رو با وزیر آموزش و پرورش گفت‌وگو می‌کرد. آن روز با آقای دکتر فانی از خاطرات زمان خدمت ایشان در سمت مدیرکلی در کردستان حرف زدیم و ماهان هم با کنجکاو و البته احساس غرور و بزرگی در این صحبت‌ها شریک شد.

وقتی صحبت به اینجا می‌رسد گمان می‌کنیم اشاره‌ای به موضوع «انطباق گزاره‌های اسناد تحولی آموزش و پرورش با

باورهای درونی معلمان» بد نباشد؛ آن‌جا که در سند برنامه‌ی ملی جمهوری اسلامی ایران می‌خوانیم:

«معلم و مربی در کنار دیگر مؤلفه‌ها، نقشی بسیار مهم در عملیاتی کردن سند تحولی آموزش و پرورش برعهده دارند. آن‌ها براساس وظیفه‌ی خطیری که دارند، پیوسته تلاش می‌کنند مبانی نظری، فلسفی و علمی خود را باورهای درونی‌شان هم‌سو سازند و اهداف و ارکان برنامه‌ی درسی ملی را تحقق بخشند» (رشد آموزش ابتدایی، ۱۳۹۲، هم‌سو با تحول ۳، پی‌درپی ۱۳۴، مقاله‌ی جایگزینی کتاب‌درسی...).

جایگاه واقعی معلمان

از محمدیان می‌پرسیم: «شما در مدرسه و کلاس چه مرجعیت

و جایگاهی برای معلم قائل هستید؟» می‌گوید: «مهم‌ترین ویژگی معلم این است که برای دانش‌آموزش نقش یک مرجع و بزرگ‌تر قابل قبول را داشته باشد. من به یک حرف اعتقاد دارم و در همه‌ی گفت‌وگو و صحبت‌هایم با رسانه‌های داخلی و خارجی بر آن تأکید کرده‌ام و آن حرف این است که من جز انجام وظیفه کاری انجام نداده‌ام.»

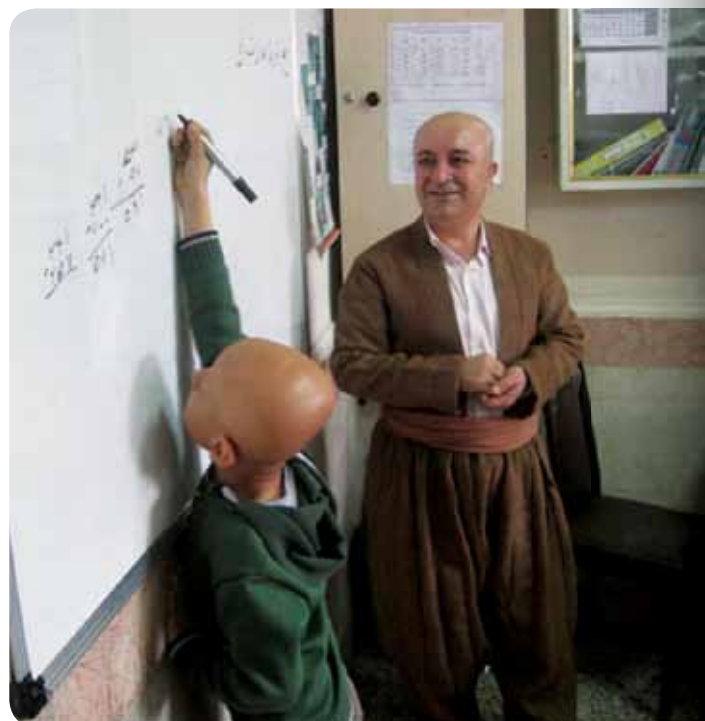
خوش‌بختانه امروز دیگر موضوع محمدعلی محمدیان و ماهان رحیمی مطرح نیست و در همه‌ی مجالس و

گفت‌وگوها صحبت از انسانیت و مهربانی و از خودگذشتگی یک ایرانی است که تصمیم گرفته است در راستای وظیفه‌ی معلمی خود به دانش‌آموزش کمک کند و برای شادی دل او و بازگرداندن سلامتی‌اش دست به هر کاری بزند.

به‌نظر می‌رسد جان کلام این معلم مهربان خواسته یا ناخواسته اشاره‌ای به نقش معلم از نگاه اندیشمندان این حوزه دارد. آن‌گونه که **محمد رضا سرکارآرانی** در این خصوص و به نقل از صاحب‌نظران این حوزه می‌گوید: «در نظام آموزشی، آموزگار از اساسی‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار در عرصه‌ی آموزش و یادگیری است، چرا که به تعبیری، معلم است که به همه‌ی آن‌ها جان می‌بخشد و آن‌ها را اثر بخش و سودبخش می‌کند. به تعبیر کین و گورل (۲۰۰۲) معلمان توانمند نقطه‌ی آغاز هر تحول آموزشی‌اند. وقتی معلمان از اثرگذاری بالایی برخوردار باشند، دانش‌آموزان نیز به سطوح بالایی از دانش آکادمیک، انگیزه، استقلال و اعتماد به نفس دست خواهند یافت» (سرکارآرانی، ۱۳۸۹: ۱۲-۴).

مدرسه، خانه‌ی دوم بچه‌ها

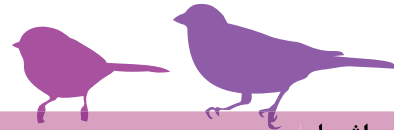
صحبت‌هایمان با این معلم وظیفه‌شناس و فداکار پایانی ندارد اما به‌دلیل محدودیت صفحات مجله، از اومی خواهیم به‌عنوان سخن پایانی از نقش مدرسه در خصوص حمایت از دانش‌آموزان بگویم. وی با تأکید بر عناوین دروس دوره‌ی ابتدایی به‌خصوص کتاب تعلیمات اجتماعی پایه (چهارم دبستان) در مورد نقش مهم و متقابل خانه و مدرسه می‌گوید: «مدرسه خانه‌ی دوم بچه‌هاست! (کتاب تعلیمات اجتماعی چهارم دبستان، ۱۳۹۱: ۱۱۵-۱۱۴) اگر ماهان در خانه‌ی دومش مورد توجه قرار نمی‌گرفت، معلوم نبود چه سرنوشتی پیدا می‌کرد. پس بیاییم به‌رغم همه‌ی مشکلات و سختی‌ها، به دلیل پذیرفتن مسئولیت بزرگ معلمی، در خانه‌ی دوم هم مانند خانه‌ی اولمان با کودکان مهربان باشیم. این گونه زندگی زیباتر خواهد شد. شک ندارم که همه‌ی معلمان کشورم دلسوز و فداکارند، به‌همین دلیل اعتقاد دارم برای تحول واقعی در آموزش و پرورش، تحول باید در نگاه معلمان اتفاق بیفتد تا بتوانیم به تحول واقعی در آموزش و پرورش دست پیدا کنیم. ان شاء الله.»



درک خلقت و تعظیم خالق

ویژگی های برنامه و کتاب درسی علوم تجربی

دوست محمد سمیعی



اشاره

برنامه‌ی درسی و کتاب درسی علوم تجربی پایه‌ی چهارم ابتدایی برای سال تحصیلی ۹۴-۹۳ از نظر اهداف، رویکرد، روش تدریس و شیوه‌ی ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی و همچنین اهداف تفصیلی هر درس در راستای انطباق با برنامه درسی ملی و به‌ویژه بیانیه‌ی حوزه‌ی یادگیری و تربیت علوم تجربی پایه‌گذاری شده است. در طراحی و تدوین این کتاب تلاش شده است تا ساحت‌های شش‌گانه و اصول یازده‌گانه‌ی ناظر بر طراحی برنامه‌های درسی و تربیتی و شایستگی‌های پایه‌ی اخذ شده از برنامه‌ی درسی ملی مورد توجه قرار گیرد. در این فرصت به اختصار به برخی ویژگی‌های برنامه درسی و کتاب درسی علوم تجربی پایه‌ی چهارم ابتدایی می‌پردازیم. لازم به یادآوری است این کتاب در سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ اجرای آزمایشی خواهد شد.

اهداف کلی برنامه و کتاب

این اهداف برگرفته از بیانیه‌ی حوزه‌ی یادگیری علوم در برنامه‌ی درسی ملی است. در این بیانیه، علوم تجربی حاصل کوشش انسان برای درک واقعیت‌های هستی و کشف فعل خداوند تعریف شده است. شناخت و استفاده‌ی مسئولانه از طبیعت به مثابه بخشی از خلقت الهی، زمینه‌سازی برای تعظیم نسبت به خالق متعال از طریق درک عظمت خلقت، تمیق و تعادل در نگرش توحیدی و دست‌یابی به درک غایت‌مند از خلقت و همچنین برخورداری از سواد علمی فناورانه در بعد شخصی و اجتماعی و رشد و ارتقای شایستگی‌های عقلانی، ایمانی، دانشی، مهارتی و اخلاقی و ایفای نقش سازنده در ارتقای سطح زندگی فردی، خانوادگی، ملی و جهانی اهداف کلی مدنظر در برنامه‌ی درسی علوم می‌باشند. برخی از اهداف اختصاصی برنامه‌ی درسی علوم تجربی پایه‌ی چهارم ابتدایی عبارتند از:

- تقویت و گسترش مهارت‌های آموزش علوم به‌ویژه پیش‌بینی و آزمایش از موقعیت‌های واقعی زندگی
- آشنایی با نقش انرژی در زندگی روزمره و تغییر نگرش نسبت به مصرف درست آن
- آشنایی با دسته‌بندی مواد و جداسازی آن‌ها و تغییرات و کنترل تغییرات مواد و ایجاد نگرش مثبت به مصرف بهینه
- توجه به زیستگاه و نقش آن در زندگی و محیط زیست مطلوب
- آشنایی با زمین و منظومه‌ی شمسی به‌عنوان مواهب خداوندی و استفاده بهتر از آن‌ها
- آشنایی با اجزای بدن و نقش آن‌ها در زندگی و ایجاد زمینه برای تشکر و قدردانی از خداوند متعال
- توجه به فن‌آوری و نقش آن در تکامل تدریجی علم و ابزار از طریق برقراری ارتباط بین گذشته، حال و آینده

رویکردهای اجمالی برنامه درسی علوم

۱. رویکرد فطرت‌گرایی توحیدی

رویکرد اصلی در برنامه‌ی درسی علوم و برگرفته از برنامه‌ی درسی ملی، فطرت‌گرایی توحیدی است. انتخاب این رویکرد به معنای زمینه‌سازی لازم برای شکوفایی فطرت الهی دانش‌آموزان از طریق درک و اصلاح مداوم موفقیت آنان به‌منظور دست‌یابی به مراتبی از حیات طیبه است. در الگوی هدف‌گذاری، پنج عنصر تعقل، ایمان، علم، عمل و اخلاق و چهار عرصه‌ی ارتباط دانش‌آموز با خود، خدا، خلق و خلقت به‌صورت به‌هم پیوسته و با محوریت ارتباط با خدا، تبیین و تدوین می‌شوند.

۲. رویکرد زمینه‌محور

اغلب مفاهیم علوم در همه‌ی دنیا تقریباً ثابت است. آن چیزی که علوم را توسعه می‌بخشد و به زندگی واقعی نزدیک می‌سازد، بستر و زمینه‌ای است که علوم در آن آموزش داده می‌شوند. در کتاب‌های قبلی علوم سه حیطه‌ی دانش، مهارت و نگرش به‌صورت مجزا مورد توجه قرار می‌گرفت، ولی در کتاب‌های تازه تألیف علوم، این موارد به‌صورت تلفیقی باید مورد توجه معلمان گران‌قدر قرار گیرند. به همین دلیل، در کتاب جدید علوم چهارم ابتدایی همانند علوم پایه‌ی اول، دوم و سوم تلاش شده است که طراحی محتوا به جای موضوع محور به‌صورت زمینه‌محور انجام شود. یعنی موضوع انتخابی در یک زمینه‌ی اجتماعی و مرتبط با زندگی روزمره‌ی دانش‌آموز پردازش و تدوین شده است. در رویکرد زمینه‌محور، آموزش مفاهیم علمی در زمینه‌ی زندگی روزمره‌ی فراگیران اصل قرار می‌گیرد و با همین راهبرد است که یادگیری جذاب‌تر می‌شود.

رویکرد زمینه‌محور بر این واقعیت تأکید دارد که یادگیری با شخصیت و احساساتی که فراگیر از خود نشان می‌دهد، ارتباط دارد. در این فرایند،



تجربه‌های یادگیری از تعامل فراگیر با محیط یادگیری به‌دست می‌آید.

- با توجه به ویژگی آموزش زمینه‌محور، هر فعالیتی که پیشنهاد می‌شود باید دارای ویژگی‌های زیر باشد:
۱. در ارتباط با زندگی روزمره‌ی دانش‌آموز باشد (مانند انرژی، محیط‌زیست، مشکل کم‌آبی).
 ۲. قابل تجربه و آزمایش باشد (باعث کسب تجربه‌ی دست‌اول شود).
 ۳. کاربرد داشته باشد (میان‌تئوری و عمل رابطه برقرار کند).
 ۴. تا حد امکان، دانش‌آموز را به کارگروهی تشویق کند (یادگیری مشارکتی).
 ۵. از نتایج آموخته‌ها در زندگی استفاده کند (آموخته‌ها را در موقعیت‌های جدید به کار گیرد).

۳. اهداف پیامدمحور

در برنامه‌ی درسی جدید، اهداف علوم که قبلاً به‌طور مجزا در سه حیطه‌ی کسب دانستنی‌ها، مهارت‌ها و نگرش‌های ضروری مطرح بودند، به‌صورت یک‌پارچه و در قالب شایستگی تبیین شده‌اند. این شکل از بیان اهداف، نیازمند آن است که دانش‌آموزان بتوانند آموخته‌های خود را به‌صورت معنادار به کار گیرند و آن‌ها را به موقعیت جدید انتقال دهند. اهداف پیامدمحور در اصل نتایجی هستند که انتظار می‌رود دانش‌آموزان پس از نوعی درگیر شدن با فعالیت‌های یادگیری، توانایی خود را در دانش کسب شده در موقعیت‌های جدید نشان دهند. بیان

اهداف برنامه‌ی درسی در قالب پیامدهای یادگیری این امکان را فراهم می‌کند که فرایند آموزش و ارزش‌یابی تلفیق شوند و عملکرد دانش‌آموزان با توجه به دانش و تجربیات آنان در سطوح مختلف ارزیابی شود. پیامدهای یادگیری به کمک ملاک‌ها و سطوح عملکردی قابل سنجش‌اند. این پیامدها در عین انعطاف باید کاملاً واضح و شفاف نوشته شوند، یعنی هر یک از اهداف به‌طور دقیق مشخص کند چه عملکردی را از دانش‌آموزان انتظار دارد.

۴. بسته‌ی آموزشی به‌جای کتاب درسی تنها

از سه سال قبل گروه علوم به‌جای کتاب درسی، تولید بسته‌ی آموزشی را مدنظر قرار داده است. در این راستا دانش‌آموزان در کنار کتاب درسی، فیلم آموزشی، نرم‌افزار و کتاب کار دارند. آموزگار نیز فیلم روش تدریس و کتاب راهنمای معلم را در اختیار دارد. ارزیابی‌ها نشان می‌دهند که مدارس از این کار استقبال می‌کنند. وقتی دانش‌آموزان محیط‌های متنوع یادگیری را هم‌زمان تجربه می‌کنند، آموزش تقویت می‌شود و آنان تلفیقی از رسانه‌های آموزشی را مورد استفاده قرار می‌دهند. فیلم راهنمای تدریس و کتاب راهنمای معلم، هم‌زمان در دوره‌های آموزشی کشوری، استانی و منطقه‌ای در اختیار آموزگاران گران‌قدر قرار خواهد گرفت. علاوه بر این، از طریق بازدیدهای استانی، مؤلفان رو در رو با آموزگاران، مشکلات را بررسی و به سؤال‌های آن‌ها پاسخ می‌گویند. هم‌چنین از طریق سایت پشتیبان، پیامک و تلفن گروه مؤلفان پاسخ‌گوی همکاران گرامی هستند.

روش تدریس

با عنایت به تغییر رویکرد برنامه‌های درسی علوم و به تبع آن تألیف کتاب‌های درسی علوم، به همکاران توصیه می‌شود به‌جای آموزش موضوع‌محور که مبتنی بر روش سخنرانی است، آموزش زمینه‌محور را مبنای راهبردهای یاددهی-یادگیری قرار دهند و هدف اصلی را بر به‌دست آوردن تجربه‌ی دست‌اول توسط دانش‌آموزان در محیط‌های واقعی قرار دهند.

برای تجربه‌اندوزی، باید دانش‌آموزان را در فعالیت‌ها مشارکت دهیم. مشارکت بدون مالکیت فراهم نمی‌شود. اگر قرار





باشد آزمایشی به صورت نمایشی باشد، ممکن است دانش آموزان باور نکنند، ولی اگر خود بچه‌ها در آن شرکت کنند، احساس مالکیت خواهند کرد. به همین منظور پیشنهاد می‌شود در تدریس موارد زیر مورد توجه قرار گیرد.

۱. درک و تفسیر پدیده‌ها و وقایع و روابط در موقعیت‌های واقعی زندگی

۲. تقویت انگیزه دانش آموزان از طریق کاوشگری و درک روابط علت و معلولی

۳. ایجاد فرصت لازم برای پیوند نظر و عمل و تلفیق دانش و تجربه
۴. پیش‌بینی و انجام آزمایش، جمع‌آوری و انباشت اطلاعات و سازمان‌دهی نوآورانه آن‌ها

۵. تولید علم از طریق مشارکت دانش آموزان در تولید مفهوم
۶. استفاده از محیط‌های متنوع یادگیری (کلاس، آزمایشگاه، گردش علمی و...) به منظور تعامل مؤثر دانش آموزان با معلم و همسالان به صورت تجویزی و نیمه‌تجویزی

شیوه‌ی ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی

باتوجه به اصول حاکم بر ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی و رویکرد پیامدمحور و آموزش زمینه‌محور در زمینه‌ی ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی موارد زیر مدنظر است:

۱. ارزش‌یابی براساس مدارک و سطوح عملکردی و در چهارچوب اهداف پیامدمحور انجام شود.

۲. از آنجایی که برخی فعالیت‌ها دربرگیرنده‌ی مهارت‌های ذهنی فراابتدیی و عملی می‌باشند، عملکرد دانش آموز در حین آموزش و انجام فعالیت باید مورد توجه آموزگاران قرار گیرد.

۳. باتوجه به محیط‌های متنوع یادگیری برای آموزش علوم معلم باید دانش آموزان را در موقعیت‌های مختلف ارزیابی و نتایج را باهم تلفیق نمایند.

۴. تشویق دانش آموزان به خودارزیابی باید مدنظر همکاران قرار گیرد. از آنجایی که دانش آموزان در انجام فعالیت‌های متنوع مشارکت دارند، پس از انجام فعالیت باید توانمندی خود را مورد ارزیابی قرار دهند و با بازنگری در روش و منش خود زمینه‌ی ارتقای همه‌جانبه خویش را فراهم آورند.

۵. در ارزش‌یابی کتبی به معلمان توصیه می‌شود از طرح سؤالات حافظه‌محور که با رویکرد کتاب همخوانی ندارد، پرهیز نمایند.

ویژگی‌های عمومی کتاب علوم چهارم ابتدایی

کتاب علوم چهارم ابتدایی مانند کتاب‌های علوم اول، دوم و سوم شامل ۱۴ درس به شرح زیر است:

* زنگ علوم (پیش‌بینی، آزمایش، نتیجه‌گیری)
* مخلوط (مفهوم مخلوط، انواع مخلوط‌ها، روش‌های جداسازی اجزای مخلوط‌ها)

* تغییر در مواد (تغییرهایی که جنس ماده تغییر می‌کند، تغییرهایی که جنس ماده تغییر نمی‌کند، تغییرهای برگشت‌پذیر و برگشت‌ناپذیر،

تغییرهایی که انسان در آن‌ها دخالت دارد یا دخالت ندارد)
* انرژی در خانه‌ی ما (۱) (شکل‌های مختلف انرژی، منابع مختلف انرژی، خورشید منبع بزرگ انرژی)
* انرژی در خانه‌ی ما (۲) (انرژی الکتریکی، انرژی گرمایی و منابع آن‌ها)

* زیستگاه (عوامل زنده و غیرزنده اکوسیستم، زنجیره‌ی غذایی و وابستگی موجودات به یکدیگر)

* رویش گیاه (گل، میوه، دانه، گیاهان تک‌لپه و دولپه، دانه‌دار و بی‌دانه، اجزای تشکیل‌دهنده گل)

* پیش‌بینی کنیم و بسازیم (دست‌ورزی در زمینه‌ی ساخت وسایل)
* خاصیت آهن‌ربایی (مقایسه جذب در دو سر آهن‌ربا با سایر بخش‌ها، کاربرد آهن‌ربا در زندگی)

* سفر در روی زمین (باران و اندازه‌گیری آن، سیل و خسارت‌های آن، رود و تغییرات زمین)

* فراتر از زمین (منظومه‌ی شمسی، سیارات و خورشید و روابط آن‌ها)
* نرم و سخت (بی‌مهرگان، شکل، ساختار و پوشش آن‌ها، حفاظت انسان از جانداران)

* بدن من (تغذیه، انتقال مواد و دفع مواد زاید، حفظ سلامت بدن)
* از گذشته تا آینده (وسایل نقلیه در گذشته و حال و پیش‌بینی آن در آینده)

درس‌های «زنگ علوم»، «بسازیم» و «از گذشته تا آینده» بیشتر بر رویکرد مهارتی و نگرشی استوار است. انتظار می‌رود همکاران در این سه درس بر افزایش مهارت و تغییر نگرش مثبت نسبت به علوم و تأثیرات آن برای بهبود زندگی بیشتر تأکید داشته باشند.

ویژگی‌های عمومی دروس

هر درس دارای تصویر عنوانی برای ایجاد انگیزه است و محتوای درس با استفاده از عبارت‌های «گفت‌وگو کنید»، «جمع‌آوری اطلاعات»، «مقایسه کنید»، «آزمایش»، «نکته‌ی تاریخی»، «شگفتی‌های آفرینش»، «هشدار و ایمنی»، «کار در منزل»، «علم و زندگی» و «توجه به رویکرد فرهنگی، تربیتی» از حالت یکنواختی خارج شده و بستری مناسب را برای آموزش فعال، تفکرمحور و خلاق فراهم کرده است. به عبارت دیگر، گرچه درس‌ها از نظر موضوعی متفاوت‌اند، اما از نظر ساختار از ویژگی‌های مشترکی برخوردارند که به برخی از آن‌ها به اختصار اشاره می‌شود.

● ایستگاه فکر: برای تقویت باور به هدفمندی خلقت، ارزشمندی مخلوقات و درک قوانین و زیبایی جهان آفرینش، به تناسب موضوع و محتوا، مطالبی با عنوان شگفتی‌های آفرینش آورده شده است تا با مطرح کردن نمادین برخی از آثار خلقت، زمینه‌ی تقویت بنیان‌های فکری دانش آموزان فراهم شود و آن‌ها از نشانه‌های بیرونی به ویژگی‌های درونی برسند و در خلقت جهان و خود، قدرت و عظمت خدای قادر متعال را دریابند.

● علوم و تعالیم دینی: با عنایت به اهمیت ارزش‌های دینی و به



لحاظ محدود بودن حجم کتاب درسی، مطالبی با عنوان علوم و تعالیم دینی در کتاب راهنمای معلم برای هر درس آورده شده است تا نکات کاربردی و مصداقی که برگرفته از آیات قرآن و احادیث رسول اکرم (ص) و ائمه‌ی معصومین (ع) و توصیه‌های بزرگان است، در اختیار معلم قرار گیرد و او بتواند به تناسب شرایط از این پشتوانه‌ی علمی و حیات‌بخش دینی استفاده کند.

● علم و زندگی: در این عنوان با طرح مطالب علمی مرتبط با زندگی روزمره، تلاش شده است تا رابطه‌ی میان دانش آموز و زندگی و تأثیر رشد علم بر بهبود کیفیت زندگی انسان نشان داده شود و بدین وسیله دانش آموزان به ضرورت علم آموزی پی ببرند و تأثیر آن را در بهبود زندگی خود و دیگران احساس کنند.

● جمع‌آوری اطلاعات، پژوهش و تهیه‌ی گزارش: در این قسمت‌ها با آوردن فعالیت‌هایی از زندگی روزمره و محیط اطراف، زمینه‌ی تقویت برخی مهارت‌های فرایندی فراهم شده است.

● نکته‌های تاریخی: در این نکته‌ها ضمن بیان برخی موارد، تقویت خودباوری، ارج نهادن به میراث فرهنگی، فرهنگ و هویت اسلامی مدنظر قرار دارد.

● آزمایش کنید و هشدار: علوم تجربی با تجربه‌های آزمایشگاهی همراه است. آوردن آزمایش‌های متنوع و مرتبط و بیان هشدارها در جهت تربیت دانش آموزان توانمندی است که پا به عرصه‌ی عمل گذاشته‌اند و در این راه، ضمن حرکت مستمر به نکات ایمنی نیز توجه دارند. ● کار در مدرسه و کار در منزل: در این بخش تلاش شده است تا فعالیت آموزشی محدود و منحصر به مدرسه نشود و گستره‌ی آن در محیط خارج از مدرسه از جمله خانه، استمرار یابد.

انتظارات از آموزگاران گران قدر

علوم تجربی یکی از یازده حوزه‌ی یادگیری در برنامه‌ی درسی ملی است. براساس جهت‌گیری‌های این برنامه، علوم تجربی، کوشش انسان برای درک واقعیت‌های خلقت و کشف فعل خداوند تعریف شده است. در همین راستا، شناخت و استفاده‌ی مسئولانه از طبیعت به مثابه بخشی از خلقت الهی با هدف تکریم، آبادانی و آموختن از آن برای ایفای نقش سازنده در ارتقای سطح زندگی فردی، خانوادگی، ملی و جهانی از ضرورت‌های علوم تجربی قلمداد می‌شود. به همین دلیل، همه‌جانبه‌نگری، رویکرد تلفیقی، تفکر، آگاهی، توانایی، ایجاد ارتباط بین آموزه‌های علمی و زندگی واقعی و به عبارتی کسب علم مفید، سودمند و هدف‌دار که بتواند انسان‌هایی مسئولیت‌پذیر، متفکر و خلاق پرورش دهد، در سازمان دهی محتوا و آموزش باید مورد توجه قرار گیرد. برای حرکت در راستای تحقق این اهداف و هم‌سوسازی این حوزه با برنامه‌ی درسی ملی، توجه همکاران گرامی را به نکات زیر جلب می‌کنیم:

● درس علوم، درسی است که به آسانی می‌تواند میان چهار عرصه یعنی خود، خلق، خلقت و خالق متعال ارتباطی منسجم، منطقی و معنادار به وجود آورد.

● کلاس علوم، فضایی شاد و پر جنب و جوش است که مشاهده، تجربه، آزمایش، گفت‌وگو، تفکر، اظهار نظر و همکاری گروهی در آن جریان دارد و نباید آن را به محلی برای ساکت نشستن و شنیدن تبدیل کرد. ● کتاب علوم، منبعی است برای معرفی فعالیت‌های یادگیری و آنچه در عمل باید انجام شود. نباید آن را به منبعی برای تصویرخوانی تبدیل کرد.

● معلم علوم، هم‌تصمیم‌گیرنده در باره‌ی فرایند یادگیری (طراح آموزشی) است و هم راهنمای یادگیری دانش آموزان.

● پیش از تدریس هر درس، همیشه به منابع یادگیری هم‌چون کتاب راهنمای معلم و دیگر رسانه‌های آموزشی معلمان، مانند فیلم و نرم‌افزار مراجعه کنید. یادگیری از همکاران نیز یک منبع یادگیری مفید به‌شمار می‌آید.

● هر درس علوم پیرامون یک زمینه‌ی یادگیری شکل می‌گیرد و فرصتی را فراهم می‌کند تا دانش آموزان «شایستگی یاد گرفتن» را کسب کنند. این فرصت‌های یادگیری را به پرسش و پاسخ‌های حافظه‌مدار تبدیل نکنید.

● به هدف‌های اصلی هر درس توجه داشته باشید. ● در تدریس علوم، به همراه کتاب درسی، تا حد امکان از مواد آموزشی دیگر مانند فیلم، نرم‌افزار آموزشی و کتاب کار بهره بگیرید. اگر نمایش فیلم‌های علوم در کلاس امکان‌پذیر نیست، در فضای دیگری این امکان را به وجود آورید.

● در فعالیت‌های علوم، فعالیت فردی و فعالیت گروهی را بگنجانید. ● محیط یادگیری علوم را متنوع کنید. گاهی کلاس را به بیرون ببرید و گاهی بیرون را به کلاس بیاورید!

● در ارزش‌یابی علوم زمان خاصی وجود ندارد. تمامی لحظه‌های کلاس علوم، زمان مناسبی برای مشاهده‌ی رفتار و عملکرد دانش آموز و سوق دادن او به سمت یادگیری بهتر است. این پیام اصلی رویکرد «ارزش‌یابی در خدمت یادگیری است» را مدنظر داشته باشید.

● مدیران و آموزگاران در اجرای طرح جدید آموزش علوم با همدلی، همکاری و پشتیبانی از یک دیگر می‌توانند فضایی سازنده و پیش‌برنده را در مدرسه به وجود آورند.

طرح درس علوم

زمین و همسایه‌های آن

مجید رجبی



- هدف کلی: آشنایی با زمین و همسایه‌های آن (منظومه شمسی)
- اهداف جزئی:
الف) آشنایی با منظومه شمسی
ب) آشنایی با سیاره‌های زمین
پ) آشنایی با کره‌های ماه
ت) آشنایی با چگونگی به وجود آمدن شب و روز
ث) آشنایی با تلسکوپ
ج) آشنایی با سیاره‌های منظومه شمسی
چ) پرورش قوه‌ی هنری (نمایشی) و تخیلی در دانش‌آموزان

- اطلاعات پیش‌زمینه:

الف) دانش‌آموز می‌داند زمین سیاره‌ای است که در آن حیات وجود دارد.
ب) دانش‌آموز می‌داند که علاوه بر زمین، سیاره‌های دیگری نیز وجود دارند.

- روش تدریس:

بارش فکری به همراه قوه‌ی هنری نمایشی-تخیلی

- وسایل آموزشی:

کتاب علوم- کتاب آموزشی- چراغ سیاره‌ها- برگه‌های سیاره‌ها

- نحوه‌ی تعامل:

دانش‌آموزان به کمک آموزگار هر یک در نقش یک سیاره ظاهر می‌شوند و اطلاعاتی در حد ابتدایی دارند.

- ارائه‌ی درس:

خب، دانش‌آموزان عزیز، حالا عمیق و نفس بکشید. در کنار ما یک سفینه‌ی فضایی است که می‌خواهیم سوار آن شویم. بیایید با هم سوار شویم. مقصد ما منظومه‌ی شمسی است. راستی، بچه‌ها «منظومه‌ی شمسی» یعنی چه؟ علیرضا می‌گوید: «آقا، شمس یعنی خورشید. منظومه نیز از نظم می‌آید.» بعد آموزگار می‌گوید: «بله، علیرضا درست اشاره کرد.» در این هنگام معلم تصویری از منظومه‌ی شمسی را به بچه‌ها نشان و درباره‌ی آن توضیحاتی می‌دهد و می‌گوید: «حالا که علیرضا در مورد خورشید حرف زد، در نمایش ما نقش خورشید را بازی می‌کند.» آموزگار می‌گوید: «بچه‌ها به نظر شما اولین همسایه‌ی زمین کجاست؟» محمدامین می‌گوید: «به نظر من ماه. چرا؟ چون ما آن را با چشم می‌بینیم.» محمداها می‌گوید: «آقا،

- ارزش‌یابی تشخیصی:

الف) شب و روز چگونه به وجود می‌آید؟ پس زمین یک سیاره است؟
ب) نام چند سیاره را بگویید.

- مراحل تدریس:

الف) ایجاد انگیزه برای تدریس این فصل

دانش‌آموزان عزیز، ممکن است شما تا به حال به سفرهای گوناگونی رفته باشید. در تعطیلات نوروز هم ممکن است بخواهید به مکان‌های مختلفی بروید اما امروز می‌خواهیم به سفری برویم که شما در خواب هم ندیده‌اید. پس آماده باشید. در طول سفر باید چشم‌های خود را ببندید و صحبت نکنید. فقط قرار است در این سفر نقش‌هایی را برعهده بگیرید که درباره‌ی آن‌ها به شما خبر می‌دهم.



به وجود می آیند. سپس، معلم دانش آموزان را به حیاط مدرسه می برد و هرکس براساس نقشی که به عهده گرفته است در منظومه ی شمسی در جای خود قرار می گیرد.

در ابتدا، فقط زمین به دور خود می چرخد. سپس با چرخش ماه به دور زمین دانش آموزان با مفهوم شب و روز و نوع چرخش زمین کاملاً آشنا شوند. در ادامه، همه ی سیاره ها با نظامی خاص همان طور که به دور خود می چرخند، به دور خورشید می چرخند. براساس این چرخش، بچه ها متوجه می شوند که چرا سال خورشیدی عطارد ۸۸ روز، زمین ۳۶۵ روز، مریخ ۶۸۷، مشتری ۱۲ برابر زمین و... طول می کشد (براساس زمان و فاصله ای که از خورشید دارند).

در پایان نمایش و ایفای نقش به وسیله ی دانش آموزان، همگی با سفینه ی فضایی به زمین برمی گردند.

- ارزش یابی تکوینی:

منظومه ی شمسی چند سیاره دارد؟
دلیل به وجود آمدن شب و روز چیست؟

- تکالیف:

داستانی در مورد سفر به منظومه ی شمسی بنویسد (تقویت قدرت انشانویسی).
شکل منظومه ی شمسی و سیاره های آن را بکشید (تقویت استعداد نقاشی).

ما یک بار با وسیله ی دیگری به نام تلسکوپ هم ماه را دیدیم.» معلم می گوید: «بچه ها می دانید تلسکوپ چیست؟» محمدطاها می گوید: «چیزی شبیه میکروسکوپ». آموزگار می گوید: «بله، ما با میکروسکوپ چیزهای ریز را می بینیم اما با تلسکوپ مکان های دور را می بینیم.» بعد معلم بچه ها را با خود به آزمایشگاه مدرسه می برد و بچه ها با تلسکوپ آشنا می شوند.

بعد آموزگار می گوید: «حالا که به نظر می آید محمدامین در مورد ماه اطلاعاتی دارد، پس او نقش ماه را برعهده می گیرد.»

آموزگار سفر را ادامه می دهد: «دانش آموزان عزیز، بعد از خورشید در منظومه ی شمسی به نزدیک ترین سیاره به خورشید می رویم. می دانید اسم این سیاره چیست؟» محمدحسین می گوید: «آقا، اسم آن عطارد است.»

- «بله، آیا اطلاعاتی در مورد آن داری؟» محمدحسین اطلاعاتی را که در مورد عطارد دارد، می گوید. سپس معلم نقش عطارد را به او می دهد. آموزگار می گوید: «محمدحسین، می دانی چرا عطارد گرم است؟»

- «بله، چون به خورشید خیلی نزدیک است.»

- پس، بچه ها این سیاره خیلی گرم است. بیاید به سیاره ی بعدی برویم. شاهد می گوید: «سیاره ی بعدی زهره است» و اطلاعاتی می دهد. آموزگار نقش سیاره ی زهره را به او می دهد و می گوید: «راستی

بچه ها از پنجره های سفینه به بیرون نگاه کنید. داریم به سیاره ای آشنا می رسیم.» علی می گوید: «آقا، ما فکر می کنیم سیاره ی خودمان زمین باشد. رنگ این سیاره آبی و سفید است.»

- «می دانی چرا؟» علی می گوید: «آبی به علت وجود دریاها و سفید به علت وجود ابرها.»

- «بله، پس علی هم نقش زمین را برعهده می گیرد.» به همین ترتیب، دانش آموزان تمام سیاره ها را معرفی می کنند. در انتها آموزگار شکل سیاره ها و خورشید را به وسیله ی چراغ خورشید و منظومه ی شمسی در آزمایشگاه به دانش آموزان نشان می دهد. دانش آموزان با روشن شدن چراغ خورشید می بینند که روشنایی خورشید چه تاثیری بر سیاره های دیگر دارد و با چرخش زمین، چگونه شب و روز



زمینه محور شدن

نشست مؤلفان، کارشناسان و آموزگاران در تبیین چالش‌ها و محتوای درس‌های ادبیات فارسی و علوم تجربی

معصومه حبیب‌پور
عکس: رضا بهرامی

اشاره

از سال ۱۳۹۰ تاکنون در زمینه‌ی هم‌سوسازی برنامه‌ی درسی ملی و کتاب‌های درسی دوره‌ی ابتدایی و برای نزدیک شدن این دو برنامه و اطلاع‌رسانی در زمینه‌ی دگرگونی‌ها، چندین نشست با حضور مؤلفان، کارشناسان و آموزگاران مربوط انجام شده است. مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی به عنوان یک رسانه، ویژه‌نامه‌های هم‌سوسازی را در ارتباط با معرفی برنامه‌های تحولی آموزش و پرورش دوره‌ی ابتدایی از پایه‌ی اول تا سوم و اینک برای پایه‌ی چهارم ترتیب داده و قصد دارد تا پایان تغییرات با مخاطبان و همکاران عزیز همراهی کند. به همین منظور طی دعوت از کارشناسان و آموزگاران مناطق مختلف در میزگردی مسائل این پایه و برخی درس‌ها را به چالش و بحث گذاشته و نظرات هر یک را منعکس کرده است.

در ادامه با معرفی حضار، دعوت می‌کنیم تا مشروح میزگرد را پیگیری فرمایید.

دکتر فریدون اکبری شلدره، مدیر گروه درسی ادبیات فارسی، دفتر تألیف کتاب‌های درسی ابتدایی و متوسطه‌ی نظری.

سیدمرتضی جدی‌آرانی، کارشناس گروه درسی علوم، دفتر تألیف کتاب‌های درسی ابتدایی و متوسطه‌ی نظری.

مریم انصاری، کارشناس و مؤلف، دفتر تألیف کتاب‌های درسی ابتدایی و متوسطه‌ی نظری.

دکتر نیره شاه‌محمدی، کارشناس دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی.

مریم شباک، مؤلف و مدرس دانشگاه فرهنگیان.

معصومه سلطانی مطلق، آموزگار منطقه‌ی یک تهران و مؤلف.

امینه واحدی، آموزگار منطقه‌ی ۱۹ تهران.

ژیلا آقامولا، آموزگار منطقه‌ی ۱۹ تهران.

نسرتین نژادنوراله رضی‌آبادی، آموزگار منطقه‌ی ۱۶ تهران.

صدیقه زمانیان، آموزگار منطقه‌ی پنج تهران.

سیمین پیمان، آموزگار منطقه‌ی پنج تهران.

مهارت‌های خوانداری و نوشتاری

نخست دکتر اکبری بحث در مورد تغییرات و نوع نگاه‌ها را در پایه‌ی چهارم شروع می‌کند.

او می‌گوید: «به نام پروردگار پاک و مهربان. در گروه زبان و ادبیات فارسی، مانند سال‌های پیش، کار تغییر، تألیف، بازنگری و برنامه‌ریزی هم‌چنان تداوم دارد. رویکرد ما رویکردی مهارتی است. یعنی، ما در حوزه‌ی زبان‌آموزی به پرورش مهارت‌های زبانی نگاه می‌کنیم و با همین دید، یعنی دید مهارتی، به حوزه‌ی برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی و تألیف می‌رسیم. نگاه مهارتی ما زبان

را به دو پهنه بخش می‌کند: «قلمرو مهارت‌های خوانداری زبان، که در حقیقت عرصه‌ی مهارت‌های گفتاری یا شفاهی زبان است؛ مجالی برای پرورش فن بیان و درست خواندن ایجاد می‌کند و در فرجام، رسیدن به درک خوانداری. این مهم‌ترین نگاه در این بخش است؛ یعنی گام‌های ما به گونه‌ای برنامه‌ریزی می‌شود که از خواندن مقدماتی به ادراک خوانداری برسیم. این نگاه در پهنه‌ی مهارت‌های خوانداری است. در قلمرو مهارت‌های نوشتاری که پهنه‌ی نمودهای مکتوب زبان است، از دست‌ورزهای اولیه‌ی کودکان در پایه‌ی اول دبستان شروع می‌کنیم تا به گام‌های بالاتر

و نوشته‌های منسجم برسیم. بنابراین، «رسیدن به نوشته‌های منسجم»، از کلیدی‌ترین کارهایی است که در پایه‌ی سوم ابتدایی برنامه‌ریزی کرده‌ایم و در پایه‌ی چهارم هم با همین نگاه در حال تدوین محتوا هستیم. هدف اصلی و نگاه ما در پس‌زمینه‌ی برنامه‌ریزی، رسیدن به یک ذهن بسامان است. ما در برنامه‌ریزی یک شعار کلیدی داریم: «در قلمرو مهارت‌های نوشتاری، نگاه ما از کلمه تا کلام است». یعنی کاملاً نظم و منطقی را می‌بینیم و در تدوین محتوا هم با همین رویکرد، از یک واژه به گسترش واژه و عبارت و از عبارت به جمله و از جمله به بند می‌رسیم و برای اولین بار در زبان فارسی ساختار «بند» و بندنویسی را در کتاب مهارت‌های نوشتاری و اینکه عناصر سازه‌ای یک بند چیست و مهم‌ترین کارکرد آن ایجاد انسجام ذهنی است را آموزش می‌دهیم. ما معتقدیم زبان‌آموز تا ذهنی بسامان و منطقی و منظم نداشته باشد، نه گفتار و نه نوشتار منسجمی نخواهد داشت. این تمام حرف ماست و همین رویکرد را در فارسی چهارم نیز ادامه و گسترش می‌دهیم.

ارتباط پایه‌ها

دکتر اکبری در تألیف کتاب‌های درسی فارسی به سلسله ارتباطات برنامه‌ای برای رسیدن به اهداف تا پایه‌ی ششم اشاره می‌کند و می‌گوید: «یک نگاه طولی داریم که به آن نگاه

«پیوستاری» می‌گوییم. در برنامه‌ریزی زبان‌آموزی حلقه‌ی اول ما، اول دبستان است که از آن سو وصل می‌شود به پیش‌دانشگاهی که دوره‌ی دوم متوسطه است و این پلکان هم پلکانی رو به گسترش، عمق و توسعه است. یعنی در حوزه‌ی برنامه‌ریزی درسی، قدم به قدم، وسعت و توالی را شاهد هستیم. اگر از اول دبستان حرکت ما فقط آشنایی با نمادهای خطی باشد، در مرحله‌ی بعدی، انتظارمان این است که زبان‌آموز را یک پله بالاتر ببریم و از آشنایی سطحی بگذرانیم و به کاربرست نمادهای خطی برسانیم. مقصود از کاربرست نمادهای خطی این است که زبان‌آموز بتواند تولید کند. انتظار داریم که به کمک ترکیب نمادهای زبانی، که به آن «حروف الفبا» می‌گوییم و در فرجام، مهارت‌های خوانداری به خوانش رهوار و درست متون، مبتنی بر پاره‌مهارت‌های خوانداری، که یکی از مهم‌ترین آن‌ها لحن در زبان است، برسیم. انتظار ما این است که در فرجام آموزش رسمی، زبان‌آموز بتواند این هنجارها را در خوانش متون به کار ببندد و در ادراک خوانداری هم بتواند به درک درست برسد. اگر در هر کدام از این بخش‌ها نارسایی‌هایی باشد، به یقین برنامه، در حین اجرا ناهمگونی خواهد داشت. البته آن اجرا به هزارویک دلیل و عامل وابسته و از حوزه‌ی بحث ما خارج است. در حوزه‌ی مهارت‌های نوشتاری هم این نگاه زنجیره‌ای حاکم است. حرف اول ما این بود: حرکت ما از کلمه به کلام است. اما



اگر بخواهم آن زنجیره را از اول دبستان بگیرم، «قبل از کلمه» هم داریم؛ چون کلمه خود ترکیبی از نمادهای خطی است. بنابراین، همان طور که در اول دبستان نوشتن نمادهای خطی را آموزش دادیم، همین طور مرحله به مرحله این ها را به هم وصل می کنیم که حاصل آن ترکیب واژه است. واژه گسترش پیدا می کند و به عبارت تبدیل می شود. عبارت گسترده می شود و جمله می شود و جمله گسترش پیدا می کند و به بند می رسیم، که این «بند»، نماینده ی سازمان فکری ماست. با گسترش این بندها به یک نوشته ی خلاق می رسیم. به زبان ساده تر، حرکت ما اگر از نشانه ها و نمادهای آشفته و پریشان شروع شده است، در فرجام کار مهارت های نوشتاری باید به انشا برسد. که در حقیقت یک نگاه هنری و خلاق است. البته وقتی می گوئیم مهارتی نگاه می کنیم و نگرش مهارتی داریم، نوشتن را مهارت می دانیم. وقتی نوشتن را مهارت می دانیم، انشا را از این حوزه بیرون می بریم. چرا؟ چون می گوئیم انشا جوهره ای از استعداد آن سری دارد که در آموزش مدرسی به چنگ نمی آید. چیزی است خدادادی که در همه کس نیست اما زمینه های پرورش استعداد است. برخی رشد راحت تر و سریع تری دارند و برخی نه. بنابراین، ما از کاربست واژه ی «انشا» آگاهانه پرهیز می کنیم و همین عنوان را حفظ می کنیم: «مهارت های نوشتاری یا مکتوب زبان».

توضیح آموزگار

صدیقه زمانیان، از آموزگاران منطقه ی پنج تهران به مدیر گروه درس ادبیات فارسی دفتر تألیف می گوید: «ما الان همین کار را در پایه ی چهارم می کنیم. چون این از کارهای ماست.» و دکتر اکبری جواب می دهد: «مقصود من این است که ما تا اکنون بند نویسی را با عناصر سازه ای آموزش نداده ایم. سؤال اینجاست که «بند چیست؟» شما بند را از لحاظ ساختاری آموزش نمی دهید. در پایه های بالاتر هم همین طور است. در همه ی کتاب ها معمولاً نوشته شده است. درباره ی این موضوع یک بند بنویسید. ما از خودمان پرسیدیم: «یک بند بنویسید» یعنی چه؟ الان به این جواب می دهیم که یک نظام فکری و بعد ساختمان است. «بند» چطور تشکیل می شود؟ عناصر یک «بند» چیست؟ ما تا این را آموزش ندهیم، همواره در یک نگاه کلی و شعاری می مانیم. برای اینکه مقصود مرا متوجه شوید، باید کتاب فارسی سوم را حتماً ببینید. ما اولین بار این حرکت را با فارسی سوم آغاز کرده ایم و آن را تا ششم ابتدایی گسترش می دهیم. من عرض کردم تا کنون و در تاریخ آموزش و پرورش، معمولاً صورت سؤال ها این بوده است: «درباره ی این موضوع یک بند بنویسید». ما نخستین بار از خودمان سوال کردیم از منظر آموزشی، وقتی می گوئیم «یک بند بنویسید» یعنی چه؟ یک خط بنویسم؟ دو خط بنویسم؟ نیم صفحه بنویسم؟ در زبان فارسی هیچ وقت نیامده ایم این موضوع را به طور ساختمان به عنوان

یک موضوع آموزشی آموزش دهیم. الان از خودم و از گروه می پرسم. می گویم دوستان به این فکر کنید که بند ساختمانی دارد یا ندارد؟ اگر ندارد، چرا ما در هر سؤال می گوئیم در این باره که یک بند بنویسید تکلیف دانش آموز روشن نیست که باید یک خط، نیم سطر یا یک صفحه بنویسد. ما با مطالعات تطبیقی در زبان های دیگر به این پرسشی که در ذهن داشتیم پاسخ دادیم که بند هم ساختمانی دارد؛ یعنی از دید مهندسی زبان خود، عناصر ساختاری زبان را تفکیک کردیم و به هر کدام یک پیکره دادیم. بنابراین بند هم خودش یک ساختمان است. آموزش این نکته را که ساختمان چیست، از سه ساله ی دوم شروع کردیم. دوره ی اول ابتدایی وارد این بحث ها نشدیم و فقط نوشتن و کسب مهارت های اولیه را انتظار داشتیم.

از پایه ی دوم ابتدایی، نگاه ها ریزتر و حرفه ای شده است. به همین سبب، بند را ریز کردیم. در اول حرفم گفتیم که هدف از آموزش بند نویسی ایجاد انسجام فکری است. هدف ما ایجاد نظام در مغز است. وقتی می بینیم که بند ساختمان دارد، این ساختمان را آموزش می دهیم. اولین قدم این است که هر چیزی که در ذهن است طبقه بندی شود. اولین بخش بند، «موضوع» است. زبان آموز از پایه ی سوم و چهارم دبستان یاد می گیرد که اگر بخواهد بندی بنویسد، ابتدا باید موضوعی داشته باشد. برای راحت تر نوشتن، موضوع کلی را باید ریزتر کرد. در قدیم می گفتند درباره ی ایران بنویسید. زبان آموز نمی دانست چه بنویسد. چون موضوع بسیار کلی بود. از مراحل مهم کار خرد کردن موضوع است. اگر گفتید ایران، فقط به موضوع نقشه اش نگاه نکنید. نقشه یک عنصر از کل است. اگر گفتیم نقشه، فقط به یک بخش آن نگاه می کنیم. هدف پایانی ایجاد نظم در ساختمان ذهن است. اگر ذهن ساختمان باشد، حرف ها را منظم می زنیم، منظم می نویسیم؛ یعنی، یاد می گیریم براساس این چارچوب عمل کنیم. تمام حرف من این است».

آموزش

دکتر نیره شاه محمدی در میان بحث به نیازهای اولیه در آموزش آموزگاران اشاره می کند و از دکتر اکبری می پرسد: «آیا شما برای آموزش معلمان هم تدارکی دیده اید؟ چون مهم ترین مسئله این است که آموزگاران این اطلاعات را داشته باشند تا بتوانند به دانش آموزان منتقل کنند. آیا راهنمای معلمی که شما تدوین کرده اید، این نیازهای اولیه را برطرف می کند؟ یکی از الزامات تدریس درس ادبیات این است که معلم با ادبیات کودک و نوجوان آشنا باشد. آیا «راهنمای معلم، معلمان ما را با ادبیات و ویژگی های سنی بچه ها در دوره های مختلف آشنا کرده است؟ به معلم گفته است که این سبک ها و آرایه ها چیست تا معلم بتواند به عنوان یک عنصر اصلی، که در برنامه های درسی عنصر محوری محسوب می شود، آن ها را به دانش آموز منتقل کند؟»

دکتر اکبری پاسخ می‌دهد: «به گمانم این برای همه‌ی پهنه‌هاست. آموزش آموزگاران یکی از آسیب‌گاه‌های برنامه‌ی درسی امروز است و ویژه‌ی درس فارسی هم نیست. کتاب درسی را می‌شود دست نزد اما آموزش معلم باید جدی‌تر دیده شود و اهمیت آن از تغییر کتاب بیشتر است. معلم کتاب ناطق است. ما در حوزه‌ی تولید محتوا تلاش می‌کنیم که هم‌زمان با کتاب، لوح فشرده‌ی کتاب در دسترس معلمان قرار گیرد. کتاب گویا هم داریم که از ابتدای تابستان در سایت گروه درسی قرار می‌گیرد؛ راهنمای معلم به همین شکل، یا فیلم روش‌های یاددهی و یادگیری این‌ها همه هست اما به گمانم باز هم پاسخ‌گوی نیاز جامعه‌ی معلمان ما نیست. ما در بخش آموزشی نارسایی‌هایی داریم. این مسئله‌ی تعارف‌پذیری نیست.

در بحث آموزش نیروی انسانی و آماده‌سازی محتوا با حد مطلوب فاصله داریم. زبان آموزشی گذرگاه ورود به دنیای یادگیری است. یادگیری زبان با همه‌ی حوزه‌های علوم درهم تنیده است.» از دیگر شرکت‌کنندگان در این میزگرد **مریم شباک**، مؤلف کتاب علوم و مدرس دانشگاه فرهنگیان بود.

وی به رویکرد پیامد محور در تألیف کتاب علوم اشاره کرد و با تأکید بر روش حل مسئله و تحقیق افزود: «در کتاب اول، دوم، سوم و چهارم که اکنون مشغول تألیف آن هستیم، سعی بر آن بوده که از عناصر و عرصه‌هایی که در برنامه‌ی درسی ملی مطرح شده است، استفاده شود و خوش‌بختانه، گروه در این طرح خیلی موفق بوده و در همه‌ی درس‌ها توانسته‌اند بین عرصه‌های خود، خلق، خلقت و خدا با عناصر تفکر و تعقل، ایمان و باور، علم و عمل و اخلاق ارتباط بسیار خوبی برقرار کنند. به این ترتیب، ما طبق برنامه‌ی درسی ملی با رویکرد پیامد محور در حال پیش‌روی هستیم. اهداف و سطوح عملکردی کاملاً مشخص‌اند، بین درس‌ها در این چهار پایه ارتباط طولی و عرضی خوبی برقرار شده و روش حل مسئله و تحقیق کردن از کلاس اول ابتدایی تا به حال ادامه پیدا کرده است. مسئله‌ای که هست این است که وقتی می‌گوییم در کلاس اول تحقیق داریم، برخی از معلمان برداشت درستی ندارند و به بچه‌ها تحقیق می‌دهند. این زحمتی برای پدر و مادرها شده است. خوش‌بختانه، من چون در دانشگاه فرهنگیان تدریس می‌کنم و در تعامل با معلمان هستم و آن‌ها چیزی را که عملی هست یا نیست به من اطلاع می‌دهند و این بسیار کمک می‌کند. در کلاس اول وقتی تحقیق را عنوان می‌کنیم، مسئله این نیست که یک عنوان بدهیم که بچه‌ها بروند تحقیق کنند بلکه این است که آن‌ها با اولین پله‌ی تحقیق، یعنی مشاهده کردن و استفاده‌ی درست از ابزار مشاهده و مراقبت از ابزار مشاهده، آشنا شود.

در کلاس اول با مشاهده کردن و استفاده از ابزار مشاهده آشنا می‌شوند و در نهایت، به این می‌رسند که اگر چشم و دست نداشتند چه می‌شد. درصدی که این ابزار در مشاهده تأثیر

دارد برای آموزگار محسوس و مشخص است که در آن قالب با دانش‌آموز کار می‌شود. در کلاس دوم در ادامه‌ی همان مشاهده کردن، به یادداشت‌برداری برخورد می‌کنند. همان‌طور که می‌دانیم نوشتن میوه‌ی تفکر است. دانش‌آموز از همان چیزی که مشاهده کرده است، یادداشت‌برداری می‌کند؛ در حقیقت به تفکر واداشته می‌شود و بیشتر بر آن تمرکز می‌کند. در نهایت، تمرکز بخشی دانش‌آموز هم افزایش می‌یابد. در پایه‌ی سوم، مشاهده و یادداشت‌برداری به جمع‌آوری اطلاعات می‌رسد. در کلاس سوم فعالیت‌هایی که انجام می‌شود جمع‌آوری اطلاعات و طبقه‌بندی آن‌هاست. در کلاس چهارم، به پیش‌بینی علمی و در واقع، همان فرضیه‌سازی رسیده‌ایم.

مریم شباک به‌عنوان مؤلف می‌گوید: «در درس علوم با مسائل دینی ارتباط برقرار کرده‌ایم. مثلاً در قسمت زمین‌شناسی وقتی که می‌خواستیم بگوییم ما در حال حرکتیم و اطراف را در حال حرکت می‌بینیم، به فرض آن قسمتی که دانش‌آموز از داخل اتومبیل در حال حرکت می‌بیند، یک امام‌زاده است. ما نمی‌توانیم مستقیم همین ارتباط را برقرار کنیم؛ چون دانش‌آموز با توجه به مراحل رشد و یادگیری در سنی است که مسائل را مستقیم نمی‌توانیم به او آموزش بدهیم. حال وقتی در کنار این تصویر جایگاه نماز یا امام‌زاده را قرار دادیم آموزگار با توجه به کلاس خود و تفاوت شرایط بچه‌ها به‌صورت غیرمستقیم مسئله را مطرح می‌کند. متغیرهای زیادی هم چون سواد خانواده، محیط فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی بر دانش‌آموزان اثرگذار است و ما این را به معلم می‌سپاریم که با توجه به موقعیت کلاس و دانش‌آموزان مفهوم را به طریقی بیان کند که دانش‌آموزان را به اهداف نزدیک‌تر کند.

ما با در نظر گرفتن ساحت‌ها خیلی راحت می‌توانستیم این کار را انجام دهیم. ما تا به حال هم در کتاب‌های علوم از این‌ها دور نبوده‌ایم اما به‌صورت رسمی اعلام نشده بود. خیلی از معلمان وقتی ابزار مشاهده را می‌گفتند، در نهایت به این می‌رسیدند که همه‌ی این‌ها را خدا به ما داده است. وقتی یک مسئله‌ی علمی را بیان می‌کنیم، دانش‌آموز ناخودآگاه به تفکر و تعقل می‌رسد. وقتی می‌گوییم بادنما را بساز، به عمل می‌رسد. وقتی می‌گوییم بدانید مسواک زدن چه فوایدی دارد، این بحث علمی است اما شیوه‌ی درست مسواک زدن مهارت و عمل است. در نهایت، می‌خواهیم دانش‌آموز عادت کند بعد از صرف هر غذا مسواک بزند یا قبل از غذا دست خود را با آب گرم و صابون بشوید. پس، این‌ها همه به هم مربوط می‌شوند. وقتی به دانش‌آموز می‌گوییم آب دهانش را در خیابان نریزد، در اینجا هم خود، هم خلق و هم خلقت مطرح است و هم بهداشت محیط زیست خود و اطرافیانش را رعایت کرده است. تک‌تک عرصه‌ها را در درس علوم می‌بینیم. حتی وقتی در عرصه‌ی اقتصادی و اجتماعی وارد می‌شویم. ما در درسی به نام کاغذسازی اشاره کرده‌ایم که اگر در مصرف کاغذ

صرفه‌جویی کنیم، درختان کمتر بریده می‌شوند و این مسئله اشاره به خلقت دارد؛ یا در موضوع صرفه‌جویی در مصرف آب، یا در کتاب‌های علوم تصویری هست که متأسفانه مردم در کنار رودخانه‌ها زباله می‌ریزند. ما دقیقاً این را آورده‌ایم. در بیشتر درس‌ها به اقتصاد، مسائل اجتماعی و مسائل اخلاقی اشاره شده است.»

درس‌ها بر پایه‌ی فناوری

امینه واحدی، آموزگار منطقه‌ی ۱۹ می‌خواهد درباره‌ی درس مطالعات اجتماعی و علوم بر پایه‌ی هوشمندسازی و فناوری صحبت کند. او ضمن اینکه به فعالیت‌های فردی و گروهی دانش‌آموزان اشاره می‌کند، می‌افزاید: «معلم باید در همه‌ی حوزه‌ها بخشی از فناوری را عجین کند. در درس‌های مطالعات و علوم بر پایه‌ی هوشمندسازی و با استفاده از کار و فناوری که در کتاب داریم به بچه‌ها آموزش داده‌ایم مثلاً الان در فارسی، علوم و مطالعات «زمین پویا» را در پایه‌ی چهارم و پنجم و ششم داشتیم. وقتی می‌خواهیم آموزش دهیم از کنفرانس‌های بچه‌ها بیشتر استقبال می‌کنیم. بچه‌ها بسیار فعال‌اند و هنگام ارائه‌ی درس، خودشان هم علاقه‌مند هستند که کارهای هوشمندسازی را یاد بگیرند و بیشتر اجرا کنند. بچه‌ها خیلی استقبال می‌کنند. دوست دارند سریع‌تر یاد بگیرند. حتی تمایل دارند درس بعدی را خودشان برای کلاس کنفرانس بدهند.

وقتی ما می‌خواهیم شیوه‌ای را ارائه بدهیم، باید مسئله‌ی امکانات و اطلاعات را در نظر بگیریم. من فکر می‌کنم آن زمان زمینه برای هوشمندسازی گسترده می‌شود که هم امکانات را در اختیار بگذاریم و هم معلمان را آموزش دهیم. در مبحث کامپیوتر اطلاعات دانش‌آموزان از معلمانشان بیشتر است و این خود یک معضل است. به‌نظر من اگر اول معلمان را با هوشمندسازی آشنا کنیم و اطلاعات کافی در اختیار آن‌ها قرار دهیم و بر این اساس کار کنیم، بهتر است. البته ما الان برای هوشمندسازی کتاب محدودیتی نداریم.»

به‌عهده‌ی بچه‌ها گذاشته بودم که در گروه‌ها فعالیت‌هایشان را کار می‌کردند و با من هماهنگ می‌شدند. رفع اشکال‌هایشان را من انجام می‌دادم و بچه‌ها با تعیین وقت قبلی آموزش را از طریق بحث هوشمندسازی آموزش می‌دادند. این آموزش خیلی سریع، در همان روز، به بچه‌ها حتی بچه‌های ضعیف‌تر منتقل می‌شد. چون از زبان خودشان و تصویری بود.

تغییر کتاب درسی، نقش راهنمای معلم

سؤالی پیش می‌آید در این زمینه که آیا در بیان تغییرات کتاب درسی، راهنمای معلم نقش مهم‌تری دارد یا اینکه هدف‌های رفتاری را تغییر دهیم و نگرش آموزگار دگرگون شود. در این مورد **صدیقه زمانیان** آموزگار منطقه‌ی پنج می‌گوید: «تا آنجا که من متوجه شدم کتاب‌ها آن‌چنان تغییری نکرده است. سرفصل‌ها همان سرفصل‌ها هستند و تغییری نکرده‌اند. نگرش معلم باید تغییر کند. معلم باید آموزش ببیند. کتاب هر چقدر هم که تغییر کند، هیچ تأثیری بر آموزگاران نمی‌گذارد. آموزگاران همان روش سنتی خود را انجام می‌دهند و مقاومت می‌کنند. حالا نمی‌دانم با چه روشی معلم باید تغییر کند. در مورد همین هوشمندسازی که می‌فرمایید، آیا در کتاب‌ها چیزی به این شکل طراحی شده است؟ اصلاً کتاب نباید تغییر کند که ما هوشمند عمل کنیم و آن هم باز به نگرش معلم برمی‌گردد. من در پایه‌ی چهارم تدریس را به بچه‌ها سپرده‌ام. در مدرسه‌ی ما پنج سال است هوشمندسازی اجرا می‌شود. مدرسه هم مدرسه‌ی معروفی است ولی همکاران این کار را انجام نمی‌دهند. خیلی کم پیش می‌آید ولی من در کلاس وقتی گفتم پوشه‌ی کار را بیاورید، دیدم همه‌ی بچه‌ها به‌جز کسانی که مشکل دارند برای من کار پاورپوینت آوردند و توضیح دادند. پس این با معلم است که باید فکر کند که در این موضوع چگونه می‌توان عمل کرد تا بچه‌ها بهتر یاد بگیرند. من فکر می‌کنم تغییر کتاب‌ها چندان انجام نشده است؛ چون محتوا که تغییر نمی‌کند.»

علوم فعالیت است

سیدمرتضی جدی‌آرانی، کارشناس پژوهش گروه درسی علوم می‌گوید: «علوم فعالیت است؛ یعنی اگر شما آزمایش را علوم تجربی بگیرید، می‌شود مجموعه‌ای از علوم و دانش. برای اینکه این اتفاق بیفتد و دانش‌آموز وارد حوزه‌ی اندیشه‌ورزی شود، انگار چیزی اینجا مورد نیاز بود. ما در سند ملی بارها بر ایجاد موقعیت‌های یادگیری تأکید کرده‌ایم. معلمان با توجه به دروسی که طراحان آموزشی در اختیار آن‌ها قرار داده‌اند، موقعیت یادگیری را می‌توانند به وجود بیاورند. موقعیت‌های یادگیری، گوناگونی‌های متفاوتی دارند و با توجه به سلیقه‌ی آموزگار و شرایط می‌توانند تغییر کنند. برای مثال، گاهی موقعیت‌های یادگیری‌ای که ایجاد می‌کنیم فقط بخشی از

معصومه سلطانی‌مطلق از آموزگاران منطقه‌ی یک و از مؤلفان کتاب‌های درسی وارد بحث شده و از تجربه‌ی خود در کلاس‌های هوشمند می‌گوید: «من حدود بیست‌وهشت سال است که آموزگارم و در یکی دو سال اخیر افتخار داشته‌ام که در خدمت همکاران در گروه تألیف باشم. هم‌زمان در اینجا همکاری داشته‌ام و مباحث را عیناً در کلاس خودم اجرا کرده‌ام. مخصوصاً تغییراتی که پایه‌ی ششم بر اساس هوشمندسازی داشت برای من خیلی جالب بود، با توجه به اینکه بچه‌هایی که در این دوره هستند در کارهای رایانه‌ای از ما جلوتر هستند و حاضر نیستند حتی بنویسند، ولی دوست دارند کارهای محتوایی انجام دهند و پاورپوینت درست کنند و بیایند توضیح دهند؛ مخصوصاً در بحث علوم و اجتماعی. من گروه‌بندی کرده بودم و تدریس را



تغییرات خوبی اتفاق افتاده است

سیمین پیمان، آموزگار منطقه‌ی پنج است و تجربه‌ی تدریس در دبیرستان را هم دارد. با توجه به سخنان این کارشناس علوم می‌گوید: «به‌نظر من در حال حاضر که مقایسه می‌کنم، باید این رشد و پیشرفت را در بچه‌ها ببینیم و بگوییم تغییرهای ما تغییرهای خوبی بوده‌اند و روند رو به رشدی را طی کرده‌اند. من فکر می‌کنم با چیزی که حداقل ما در دوران دانش‌آموزی خود تجربه کرده‌ایم اصلاً قابل مقایسه نیست و من چیزی که به عین در دانش‌آموزان و پسر خودم که پایه‌ی دوم است می‌بینم، او خیلی دقیق و اصولی پیش می‌رود. یک روز رفتم پسرم را از مدرسه بیاورم. سوار ماشین که شدیم به من گفت: «مامان! اینجا نگه‌دار». دیدم از لای دفترش برگه‌ای برداشته است و لمس می‌کند. این موفقیت مؤلف کتاب است. من در دوران تحصیل به یاد ندارم که به پارکی رفته باشم و برگه‌ای را لمس کرده باشم. در مورد دست‌ورزی‌ها که می‌فرمایید، بچه‌ها در کلاس دوم کاری دارند به نام ماشین بادکنکی. پسرم گفت: «مامان! خانم گفته فلان وسیله را درست کن.» من نگاه کردم گفتم قرقره نداریم. گفت: «مامان عیبی ندارد؛ از نی استفاده می‌کنیم.» یعنی این خلاقیت‌هایی که به ذهن بچه‌ها می‌رسد و آن‌ها را توانمند بار می‌آورد. دیگر به اینکه همه چیز را معلم آماده کند تکیه نمی‌کنند. در کتاب فارسی بچه‌ها به حدی رسیده‌اند که می‌دانند فعل کجاست، ساختار جمله چطور است و ... نکات ریزی را رعایت می‌کنند که شاید اگر ما در زمان دانش‌آموزی

مهارت‌های یادگیری را درگیر می‌کند. مثلاً دانش‌آموز را در سطح مهارت «مشاهده» نگه می‌دارد. گاهی فراتر از آن، بچه را درگیر چپستی و چرایی و چگونگی عمل می‌کند. ما مهارت‌های کار با درس، یا مهارت‌های دست‌ورزی را مطرح کرده و این قول را داده‌ایم که برای هر پایه، پشتوانه‌ی کتاب علوم، به عنوان کتاب کار در خدمت آموزگاران و گروه‌های دانش‌آموزی قرار بگیرد. این اتفاق برای پایه‌ی سوم و هفتم افتاد. در باقی پایه‌ها هم این اتفاق خواهد افتاد؛ از جمله پایه‌ی چهارم که در دست اجراست، اما نکته‌ی اصلی این است: چه کنیم که بچه‌ها وارد وادی مهارت تعقل و اندیشه‌ورزی شوند؟ در اینجا فکر کردیم موقعیت‌هایی را ایجاد کنیم که دانش‌آموزان با استفاده از آنچه در کلاس و کیف است و آنچه معلم می‌تواند به کلاس بیاورد، بتوانند مایحتاج مناسب با درس و فعالیت‌های را که در کتاب گنجانده شده است، بسازند. حتی برای این کار در درس هشت و چهارده و سایر دروس بحث ساختن را مطرح کرده‌ایم و این مهارت‌ها را به دانش‌آموزان یاد می‌دهیم. آن‌ها با یک پدیده و اصل علمی روبه‌رو می‌شوند، ذهنشان فعال می‌شود و به وادی تعقل و اندیشه‌ورزی راه می‌یابند. دست‌ورزی مقدمه‌ی اندیشه‌ورزی است. دنیا این را می‌گوید. پانزدهمین سمینار جهانی دست‌ورزی در جهان برگزار شده است. آن‌ها که مشکلی ندارند، چه چیزی در این روش دیده‌اند؟ جز اینکه آن‌ها را به تفکر وامی‌دارد؟ این اتفاقی است که به ما در رویکردهای علوم کمک می‌کند.»

خودمان می‌خواستیم آن‌ها را یاد بگیریم، اول معلم به ما تعریف آن‌ها را می‌گفت و ما مثال‌ها را حفظ می‌کردیم. الان بچه‌ها درک کلی پیدا می‌کنند و بعد خودشان پیگیر می‌شوند و کشف می‌کنند. به‌نظر من این شکوفایی به وجود آمده در بچه‌ها موفقیت این طرح است».

ارزش‌یابی

با دقت در سخنان آموزگاران به یکی از مباحث مهم به نام ارزش‌یابی می‌رسیم. سیمین پیمان در ادامه‌ی بحث در روند تحصیل فرزند می‌گوید: «والدین خواسته و ناخواسته درگیر مسائل درسی یا حل آن‌ها و مطالعه‌ی کتاب‌ها از جمله ریاضی و علوم می‌شوند. در حال حاضر ارزش‌یابی تأکید شده ارزش‌یابی تکوینی توصیفی است و ظاهراً در انجام با مقاومت برخی آموزگاران یا بی‌میلی آن‌ها مواجه می‌شود». در این ارتباط ژیلا آقامولا می‌گوید: «مشکل اصلی ما زمانی است که محتوای درسمان زیاد است ولی وقت کمی داریم و تعداد بچه‌ها هم زیاد است. من دوست دارم کارهایی را که انجام می‌دهم عملی کنم و بیشتر دوست دارم بچه‌ها نیز عملی یاد بگیرند ولی زمانی که برای آن‌ها می‌گذارم، وقت زیادی از کلاس گرفته می‌شود. مثلاً در مورد پایین آوردن هزینه‌های برق کار عملی انجام دادیم ولی برای همه‌ی درس‌ها نمی‌توانم این‌طور وقت بگذارم. خیلی چیزها را نمی‌توانیم برویم و ببینیم. فیلم‌هایی که در تلویزیون پخش می‌شود خیلی خوب‌اند ولی ما درخواست می‌کنیم و خیلی از اوقات به دست ما نمی‌رسد. ما بارها به مدیر گفته‌ایم و مدیر به اداره انتقال داده است ولی فیلم‌های علمی به دست ما نمی‌رسند. اینگونه فیلم‌ها به یادگیری بیشتر بچه‌ها بسیار کمک می‌کنند».

معصومه سلطانی مطلق می‌گوید: «در بحث ارزش‌یابی که پیش می‌آید، وقتی شما سؤالاتی را برای بچه‌ها مطرح می‌کنید، باید هدف‌هایی در پایان برگه داشته باشد، یعنی نمره ملاک نیست. باید ببینید آیا به آن مفهوم رسیده است یا نه. در ارزش‌یابی توصیفی گاهی دانش‌آموز از ده سؤالی که به او می‌دهیم یک سؤال را درک نمی‌کند. من به عنوان معلم نمی‌توانم به او نمره‌ی پایین بدهم. به این دلیل که یکی از این ده سؤال را متوجه نشده است. ارزش‌یابی توصیفی این است که من معلم بعد از اینکه برگ‌های بچه‌ها را تصحیح کردم، ببینم چند نفر از بین دانش‌آموزان من در مفهومی مشکل دارند. پس آنجا اگر درصد بالا باشد، برمی‌گردد به من معلم که نتوانسته‌ام این مفهوم را جابیندازم. ببینید، کم آوردن وقت به این دلیل است که ما هنوز آموزش نگرفته‌ایم که تلفیق دروس داشته باشیم. آموزگار هنرمند باید وقتی کتاب درسی را به او می‌دهند، در اول مهر قبل از اینکه وارد کلاس شود، آن را مطابق با تقویم و مطابق با تمام دروس دیگر برنامه‌ریزی کند. بعضی از درس‌ها، یک هدف را دنبال می‌کنند؛ پس، چه قدر خوب است که سه یا چهار ساعت آموزشی را به یک ساعت تبدیل کنیم در

یک کار عملی تا بتوانیم آن اهداف را در یک ساعت به دانش‌آموز آموزش دهیم. اگر معلم تلفیق را یاد بگیرد، می‌تواند زمان را اضافه کند. بحث توصیفی هم این نیست که ما امتحان کتبی بگیریم و بگوییم در کنارش کار عملی هم داریم. از زمانی که ما وارد کلاس می‌شویم، ارزش‌یابی توصیفی شروع می‌شود و عملکرد دانش‌آموز باید ثبت شود. ارزش‌یابی توصیفی شناسه‌ی یک معلم است. اگر من در روز وارد کلاس نشدم و همکارم خواست به جای من بیاید، دفتر نمره‌ی من را که باز می‌کند باید به همه چیز پی ببرد. نظر من این است که اگر من ۳۲ دانش‌آموز دارم، هر ۳۲ نفر باید در کلاس فرصت حرف زدن داشته باشند».

مریم انصاری نیز درباره‌ی ارزش‌یابی توصیفی نظراتی دارد. وی می‌گوید: «برای من خیلی جالب است که معلمان از کلاس خودشان صحبت می‌کنند. اما از کلاس همکارشان در مدرسه یا منطقه صحبت نمی‌کنند و جالب توجه است که آمده‌اند مشکلاتشان را اینجا با هم مطرح کنند. آیا در منطقه‌ی خودتان این فرصت وجود ندارد؟ الان اینجا تازه متوجه می‌شویم که مشکل کجاست! یعنی هم‌چنان در کلاس معلم بسته است و اگر هم فرصتی در اینجا ایجاد شده است پویایی شما را نشان می‌دهد. باید ببینیم آیا این فرصت را در منطقه‌ی خودتان هم دارید یا نه؟ ولی شما مثلاً در ارزش‌یابی توصیفی نکته‌ای را مطرح می‌کنید که نشان می‌دهد گزینه‌ای را که به عنوان «بسیار خوب» گذاشته‌اند، برای شما به اندازه‌ی کافی شفاف نیست. اگر فرض کنید که با همکاران خودتان در منطقه صحبت کرده باشید، شاید ببینید برای آن‌ها هم این مشکل وجود دارد. تغییر از کتاب درسی شروع شده است؛ در حالی که باید از معلم شروع شود. معلم کارپرداز نیست. معلم کارمندی نیست که از هشت صبح تا چهار بعدازظهر کارهای مشخصی را انجام دهد. ما با ذهن دانش‌آموز سروکار داریم. همان‌طور که ذهن بچه‌ها پویاست، ما هم باید پویا باشیم. ما هم باید بدانیم که می‌خواهیم در کلاس چه کنیم. کتب ما تغییر کرده‌اند. این تغییر از صفر شروع نشده است. در شانزده سال پیش کتب علوم تجربی را کاملاً علمی می‌نوشتند. الان هم نامش همان علوم تجربی است. اما شانزده سال پیش گفتند که ما به سراغ مهارت‌ها و نگرش‌ها هم برویم. بنابراین، محتوا را در سه بُعد تألیف کردند. آن موقع خیلی از معلمان مقاومت می‌کردند. طبیعی هم هست. الان هم که با همان معلمان صحبت می‌کنیم می‌بینیم همان حرف‌ها را می‌زنند. از نگرش، دانستن و مهارت صحبت می‌کنند. تغییر امروز هم همین است. یعنی اگر ما چند سال دیگر درباره‌ی شایستگی حرف بزنیم، آن‌ها هم خیلی بیشتر از شما صحبت می‌کنند. هیچ وقت باورهای ما در کلاس سه روزه تغییر نمی‌کنند. ما در این کلاس‌ها می‌توانیم جرقه‌هایی را برای ذهن بزنیم. این تغییر به تدریج اتفاق می‌افتد. بنابراین، شما در گروه‌های آموزشی در منطقه این صحبت‌ها را با هم داشته باشید. شما باید به کار اعتبار ببخشید. چون ما با انسان‌ها سروکار داریم، نه با ابزار آلات و ماشین‌آلات.

از اسطوره‌هایمان بخوانیم

لیلا اعتمادی، آموزگار جزیره می گوید تغییرات خوب بوده است

اشاره

لیلا اعتمادی با ۲۰ سال سابقه‌ی تدریس، شش سال است که در دبستان «فرهنگ» جزیره‌ی کیش در پایه‌ی چهارم تدریس می‌کند. او آموزگار باتجربه‌ای است و بر آن شدید، از وی درباره‌ی ویژگی‌های کتاب قبلی و پیشنهادهایی که در ارتباط با کتاب تازه تألیف فارسی دارد، نکاتی پرسیم.



• از نظر شما تغییرات کتاب‌های درسی پایه‌ی اول، دوم و سوم چگونه بوده است؟

با این کتاب‌ها و پایه‌ها مقدار آشنایی داشتم. از همکاران خود نیز پرس‌وجو کردم و گفتند: «نسبت به اطلاعات و دیدگاهی که به بچه‌ها می‌دهد، تغییرات خوب بوده است.»

• درباره‌ی کتاب‌های پایه‌ی چهارم، که الان تدریس می‌کنید، چه نظری دارید؟

کتاب فارسی درس‌های زیادی دارد. با اینکه در هفته چهار جلسه فارسی داریم و شامل خواندن، نوشتن، املا و انشاست اما به دلیل فشردگی درس‌های کتاب فارسی وقت کم می‌آوریم. بحث‌های دستوری کتاب پیوستگی ندارد و دانش‌آموز بحث‌های ناهمگونی را دنبال هم می‌بیند. به مباحث قید، فعل، اسم و حرف و دیگر مسائل دستوری در این کتاب پرداخته شده است. برخی داستان‌های کتاب برای بچه‌ها گنگ است. شاید تنها درسی که بچه‌ها با آن ارتباط برقرار می‌کردند درس «آرش کمانگیر» بود.

• کتاب تازه تألیف فارسی چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟

کتاب داستان‌های قابل فهم و مناسب سن

واژه‌نامه‌ی پایان کتاب قابل استفاده‌ی دانش‌آموزان است. پیشنهاد می‌کنم در کتاب جدید بحث‌های دستوری به همین صورت جمع‌بندی شوند یا توضیح بیشتری داشته باشند.

دانش‌آموزان داشته باشد و درس‌ها طوری باشند که بچه‌ها را جذب کنند. دانش‌آموز به زمان احتیاج دارد تا با درس‌ها انس بگیرد و آن‌ها را درک کند. بچه‌ها با مجهولات روبه‌رو نشوند. روان‌خوانی‌ها طولانی نباشد چون کتاب فعلی روان‌خوانی‌های بلندی دارد.



آیا می‌توانید از کتاب‌های کمک‌آموزشی در کلاس استفاده کنید. مثلاً بعضی کتاب‌ها را که نامشان در کتاب درسی آمده است بیاورید و به بچه‌ها نشان دهید؟

ما زمان مفید کلاس را صرف کارهای کتاب می‌کنیم. محتوای فشرده‌ی کتاب فرصت فعالیت‌های دیگر را می‌گیرد. اما با این حال، با توجه به مطالب کتاب تحقیقات کوچکی مثل شناخت شاعران یا کتاب‌های نامبرده شده به بچه‌ها می‌دهیم.

بچه‌ها در کتاب «بنویسیم» مطالبی را می‌نویسند. وقتی این کتاب‌ها را بررسی می‌کنیم، می‌بینیم بسیاری از آن‌ها بدخط نوشته‌اند. مگر نباید خط آن‌ها به شکل تحریری و پس از چهار سال نسبتاً خوب باشد؟

بله، باید باشد. از پایه‌ی اول خط تحریری دارند اما هر چه بالاتر می‌آیند بدخط‌تر می‌شوند. احتمالاً حجم درس‌ها زیاد است و بچه‌ها حوصله نمی‌کنند.

با مؤلفان کتاب‌های درسی چه صحبتی دارید؟

آیا بخش «سخنی با آموزگاران» را در ابتدای کتاب فارسی می‌خوانید؟

بله. سازنده است. علاوه بر این‌ها، در طول سال با همکاران باتجربه صحبت می‌کنیم.

چقدر به درس انشا اهمیت می‌دهید؟

به‌طور هفتگی، در کلاس انشا داریم. گاهی خودم موضوع انشا را مشخص می‌کنم و گاهی برای تنوع دادن به روند کلاس از دانش‌آموزان می‌خواهم که موضوعی را عنوان کنند. معمولاً موضوعات کتاب درسی به ما الهام می‌دهند و عناوینی از آن را برای نوشتن انشا انتخاب می‌کنیم.

باید خدمت شما عرض کنم که گفتن دیکته هم از کارهایی است که در کلاس به روش‌های گوناگون انجام می‌دهیم.

در املا با نوشتن یا ننوشتن «تشدید» چه می‌کنید؟

کارشناسان در جلسات توجیهی گفته‌اند که نوشتن «تشدید» مشکلی ندارد.

دانش‌آموزان را بیشتر درک کنند. مطالب «بخوانیم» در حد فهم بچه‌ها باشد. درس‌ها طوری تدوین شوند که دانش‌آموز در اجرای آن‌ها فعال باشد و او بتواند با آموزگار همراهی کند. درس‌ها قابل به نمایش درآمدن باشند. به معرفی شعرای قدیم بپردازند. از اسطوره‌های ایرانی و شهدای جنگ و انقلاب اسلامی مطالبی بیان شود. کتاب فارسی از لحاظ طرح، رنگ جلد و تصاویر داخلی خوب است.



بسته‌های برنامه‌ی درسی یا آموزشی

حمیدرضا شرف‌بیانی

اشاره

بسته‌ی برنامه‌ی درسی یا آموزشی مجموعه‌ی مواد آموزشی هماهنگی است که برای نیل به اهداف خاص طراحی شده است. این مواد ممکن است هم برای دوره‌های آموزشی گسترده، مانند یک دوره‌ی دو هفته‌ای، یا یک دوره‌ی یک‌ساله و هم برای دوره‌های محدود مانند دوره‌های مرکب از چند روز و یا یک هفته آماده شده باشند. این بسته غالباً از تعدادی فعالیت و احتمالاً تعدادی رسانه‌ی متفاوت تشکیل شده است و حداقل شامل موادی برای استفاده‌ی دانش‌آموز و هم‌چنین موادی برای کمک به معلم و دیگر آموزش‌یاران، هم‌چون خانواده است.

خاستگاه بسته‌های آموزشی (برنامه‌ی درسی)

چه مشخصه‌هایی بسته‌ی برنامه‌ی درسی را از انواع برنامه‌های درسی بدون بسته جدا می‌کند؟ پاسخ این سؤال در توجه به این موضوع نهفته است که هر ماده‌ی بسته‌ی آموزشی یک هدف خاص دارد. ایده و ضرورت بسته‌ی برنامه‌ی درسی از دو منشأ کاملاً متمایز ناشی می‌شود. یک منشأ آن ناشی از تجدیدنظر در برنامه‌ی درسی است که بین سال‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ در ایالات متحده اتفاق افتاد و کوشش‌هایی برای تغییر محتوا و روش آموزش صورت پذیرفت. تمرکز این تلاش‌ها بر بهبود و نو کردن محتوای عرضه شده در آموزش عمومی بود. به این منظور دوره‌هایی برای علوم اجتماعی، علوم آزمایشگاهی (تجربی)، زبان انگلیسی و ریاضیات برنامه‌ریزی شدند. این دوره‌ها برای ارائه‌ی صحیح‌ترین دیدگاه در هر رشته‌ی درسی در قالب اصطلاحاتی که دانش‌آموزان می‌توانستند آن‌ها را درک کنند، طراحی شده بودند.

با پیدایش نهضت اصلاح محتوا، برنامه‌های درسی جدید، رویکردهای پژوهشی را مورد تأکید قرار دادند. در نتیجه، دانش‌آموزان به تحقیق درباره‌ی ماهیت رشته‌ی درسی پرداختند و به استفاده از روش‌های اکتشافی، که بر به‌کارگیری مستقل فرایندهای رشته‌ی برنامه‌ی درسی تأکید داشتند، تشویق شدند. از سوی دیگر در برابر سبک‌های تعلیم و تربیت پیشین که بر اساس حفظ مطالب، مشق‌نویسی و تمرین پی‌ریزی شده بود، بسته‌های آموزشی در پاسخ به تقاضا برای تغییر این برنامه‌ها و به‌صورت انتخاب‌های چندگانه برای دانش‌آموزان و معلمان تدارک شدند و بر مهارت کاربرد روش‌های خاص،

مانند روش‌های مشاهده و اثبات کردن تأکید داشتند. این نوع بسته‌های آموزشی برای تدارک منابع یک دوره‌ی یک‌ساله یا دوره‌های طولانی‌تر طراحی شده بودند.

منشأ دوم پیدایش بسته‌های برنامه‌ی درسی امروزی (بسته‌های آموزشی)، پیشرفت مکتب روان‌شناسی رفتاری بود. در این مکتب، آموزش به‌عنوان فرایند کنترل یادگیری در نظر گرفته شده بود و از طریق بسته‌هایی که شامل راهنمایی‌ها، بازخوردها و آموزش‌های برنامه‌ریزی شده بود، ارائه می‌شد. مدرسه‌محوری، محصول این جریان مطالعاتی بود. یکی از جنبه‌هایی که در این نوع بسته‌ها مورد استفاده قرار گرفت، جنبه‌ی عملی آن‌ها بود که شامل هدف‌های رفتاری، معیار انجام وظایف، یادگیری خودگام، افزایش تدریجی دشواری یادگیری مطالب، مشارکت فعال و بازخوردها می‌شد. از بسته‌های برنامه‌ی درسی که تحت‌تأثیر این جریان گسترش یافته بودند، می‌توانستند برای دوره‌های آموزشی طولانی و یا یک دوره‌ی کوتاه مدت ۱۵ دقیقه‌ای برای آموزش یک مفهوم منفرد استفاده کنند.

ویژگی‌های بسته‌های آموزشی

با وجود منشأهای متفاوت برای بسته‌های برنامه‌ی درسی که در «نهضت اصلاح محتوا» و «نهضت یادگیری عملی» مطرح شد، برخی عوامل مشترک نیز میان آن‌ها، در بسته‌های امروزی مشاهده می‌شوند.

اولین ویژگی این بسته‌ها این است که برای تحقق مجموعه‌ای از هدف‌های خاص تدارک شده باشد. این هدف‌ها می‌توانند به

فعالیت‌ها ممکن است شامل راهنمایی‌هایی برای تنظیم مجدد گروه برای بازی‌های کمکی، تدارک اطلاعات برای دانش‌آموزان پیشرو، فعالیت‌های فردی- اجتماعی، پیشنهادهایی برای مباحثه و یا رسانه‌هایی برای ارائه و پوسترها و فعالیت‌هایی برای نمایش در خلال یک واحد آموزش باشد.

نوع دیگری از این بسته‌ها شامل کتاب راهنمای معلم هستند. این کتاب مرتبط با متن اصلی درس است و می‌تواند به صورت کتابی مستقل یا به صورت یک فهرست راهنما برای معلم به منظور رهبری کلاس باشد.

عام‌ترین شکل بسته‌ی آموزشی ممکن است تنها شامل یک فهرست از منابع درباره‌ی موضوع آموزش برای معلم باشد. البته با توجه به این فرض که معلم می‌تواند منابع و مواد مناسب را به دست آورد و ایده‌هایی را از آن‌ها تلخیص و استخراج کند تا مواد تدارک شده را افزایش دهد.

از سوی دیگر، بسته‌ی برنامه‌ی درسی می‌تواند شامل فهرست‌های قطعی به همراه اسنادی باشد که باید توسط معلم مورد استفاده قرار گیرد. با این پیش‌فرض‌هاست که بسته‌های برنامه‌ی درسی اصلی به اجرای اثربخش آموزش منجر می‌شوند. در برابر نظرات فوق، یک ایده‌ی عمومی نیز وجود دارد که معتقد است مواد آموزشی را می‌توان بدون نیاز به معلم ساخت (ضدمعلم). طرفداران این نظریه معتقدند که همکاری معلم به عنوان یک عامل دخال‌گر، در سیستم اختلال به وجود می‌آورد. دسته‌ی دیگری از پیروان این اندیشه که دارای عقاید ملایم‌تری هستند، استفاده از طرح درس‌ها را به عنوان یک وظیفه برای معلمان مطرح می‌کنند. چنان‌که ملاحظه می‌شود، در دیدگاه اخیر تدارک آموزش برای دانش‌آموز به همراه معلم مورد توجه است. البته معلم در این نظریه یک رسانه به حساب می‌آید.

در برابر این دیدگاه، دیدگاه دیگری عقیده دارد معلم فردی دارای تجربه، دانش منظم و هوش است که عامل اصلی سازمان‌دهی آموزش است. تأکید این دیدگاه بر نقش معلم، به آگاهی‌های معلمان نسبت به محتوای برنامه‌ی درسی و کیفیت کار آنان و قرائنی برمی‌گردد که رویه‌های آموزشی را برای بهبود عملکرد معلم تدارک می‌بینند. بنابراین، در صورتی که برنامه‌های درسی را فراتر از یک واقعیت هنری تدارک شده بدانیم، لازم است به صورت بسته‌ی برنامه‌ی درسی باشد.

بسته‌هایی برای ارزیابی یادگیری

علاوه بر مؤلفه‌های یاد شده، بسته‌های برنامه‌ی درسی دربرگیرنده‌ی روش‌های خاص برای ارزیابی پیشرفت یادگیری دانش‌آموزان هستند. این روش‌ها شامل مجموعه‌ای از ارزیابی هستند که برای نظارت بر کار دانش‌آموزان به صورت مجموعه‌ی مواد سازمان‌یافته تنظیم شده‌اند و می‌توان آن‌ها را روی یک جدول

شکل وسیعی یادگیری یک فرایند متمرکز را به سمت مهارت‌ها و محتوای خاصی هدایت کند. اغلب این هدف‌ها به مهارت‌های رفتاری تبدیل می‌شوند و می‌توان آن‌ها را به مؤلفه‌های وظایف (عملکرد) اختصاص داد. یک مجموعه از هدف‌ها ممکن است به همگی یادگیرندگان اختصاص یافته باشند (اهداف مشترک) و یا از نظر تفاوت‌های فردی، پیچیدگی وظایف و قدرت آفرینندگی، از یکدیگر متفاوت باشند (اهداف اختصاصی).

دومین ویژگی بسته‌ی برنامه‌ی درسی آن است که باید به شکل خوداستمرار یا خود تداوم یافته باشد، یعنی منابع کافی برای آموزش را تدارک ببیند. در برخی موارد ممکن است کاربر بتواند بدون تغییر گسترده و بدون نیاز به برنامه‌ریزی آموزشی از بسته استفاده کند. مواد ارائه شده برای کودکان ممکن است به صورت خودآموز باشد. چنین بسته‌هایی شامل یک مجموعه‌ی متوالی از «آموزش» است. این نوع آموزش از روان‌شناسی رفتاری و آموزش برنامه‌ریزی شده منتج شده است؛ به خصوص از این ایده که یادگیرندگان باید تمرین‌هایی متناسب با هدف‌های اختصاصی را انجام دهند.

دسته‌ی دیگر از بسته‌های آموزشی ممکن است به ارائه‌ی وظایف هماهنگ شده برای دانش‌آموزان بپردازند یا برای استفاده از انواع روش‌ها علامت‌گذاری شده باشند؛ مانند موادی که با رنگ کدگذاری و سازمان‌دهی شده‌اند. برای مثال، در مجموعه موادی که برای تدریس طراحی شده ممکن است هدف اصلی، درک مطلب یک متن توسط دانش‌آموزان باشد. ضمن اینکه باید فرصت لازم برای خواندن پاراگراف‌های متنوع و انتخاب ایده‌ی اصلی متن از میان یک فهرست خاص در نظر گرفته شده باشد. این مجموعه هم‌چنین می‌تواند شامل موضوعات دیگری مانند وظایف تکمیلی برای کسب مهارت‌های عمومی مشابه، پرسش‌هایی از دانش‌آموز برای تدارک انتخاب بهترین عنوان برای یک رشته‌ی دانشی، نوشتن یک داستان کوتاه برای یک عنوان و یا رسم یک تصویر برای یک موضوع خاص باشد.

دسته‌ای دیگر از بسته‌های برنامه‌ی درسی آن‌هایی هستند که پیوستگی‌های محکم و یا احتمالی با زنجیره‌ی اطلاعات مختوا دارند. این بسته‌ها ترکیب مناسبی از اجزا برای آموزش خاص به دانش‌آموزان نیستند بلکه طیف وسیعی از منابع را در بر می‌گیرند؛ مانند نسخه‌های شبیه‌سازی شده‌ی سند‌های تاریخی مهم و مواد مورد نیاز برای استفاده در تجربیات علمی و دست‌ورزی. این مواد، یک مرکز منابع را برای یادگیرنده آماده می‌کنند که می‌توان از آن با توجه به روش‌های مربوط استفاده کرد.

علاوه بر این، بسته‌های آموزشی ممکن است شامل فعالیت‌های آماده‌ی متنوعی برای دانش‌آموزان باشند که می‌توان در تدریس از میان آن‌ها دست به انتخاب زد. این



نصب کرد و روی دیوار قرار داد، یا به صورت کتاب‌های مخصوص در پایه‌ی تحصیلی مربوط و یا جدول‌های ثبت وضعیت دانش‌آموز درآورد تا به معلم و دانش‌آموزان در اجرا کمک کند.

بهترین مرجع برای ارزیابی کار دانش‌آموز، عملکرد واقعی اوست که می‌تواند توسط ابزارهای ارزیابی‌کننده‌ی موجود در بسته‌های برنامه‌ی درسی مورد ارزیابی قرار گیرد. روش‌های آزمون می‌تواند شامل ایده‌های عمومی برای آزمون، فهرست پیشنهادی برای سؤالات و طرح‌هایی برای راهنمایی معلمان باشد. در برخی موارد ممکن است شامل تست‌هایی برای پیش‌آزمون، ارزیابی پیشرفت و آزمون تشخیصی باشد که در این صورت همه‌ی نمونه‌های اولیه برای اجرای ارزیابی به صورت آزمون دو قسمتی، یا برای ثبت بهبودهای مدیریت کلاس درس را دربرمی‌گیرد. ضمناً می‌تواند شامل امتحاناتی برای گروه دانش‌آموزان و یا برای فرد دانش‌آموز به همراه برخی کلیدهای پاسخ به سؤالات باشد.

گرایش‌ها در کاربرد بسته‌های آموزشی

یک سؤال اساسی در مورد کاربرد بسته‌های برنامه‌ی درسی، اثربخشی آن‌هاست. اگرچه استانداردهای ارزیابی بسته‌های آموزشی قبل از دهه‌ی ۱۹۶۰ تهیه شده بودند، ولی اغلب بسته‌های برنامه‌ی درسی که تا این دهه برای استفاده در مدارس توزیع شده بودند، فاقد هرگونه اعتباربخشی سازمان‌یافته و یا آزمون گسترده از معلمان و یادگیرندگان آن بودند که در آن پیشرفت دانش‌آموزان، معیار اصلی اعتبار آن باشد. البته این استانداردها تأثیر زیادی بر اندازه‌گیری پیشرفت تحصیلی و هدایت آن به‌سوی اندازه‌گیری «ملاک مرجع» (کلاس، ۱۹۶۳) و حوزه‌ی برنامه‌ی درسی داشته‌اند.

اگرچه شبکه‌ای از آزمایشگاه‌های آموزشی در برخی جاها به‌طور خاص تلاش می‌کرد تا مدلی را برای طراحی و تجدیدنظر در مورد بسته‌های آموزشی تهیه کند تا بر اساس آن، تأثیر بسته‌ی آموزشی بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان مورد ارزیابی قرار گیرد، ولی اغلب بسته‌های برنامه‌ی درسی فاقد این ویژگی بودند؛ زیرا هیچ‌یک از آن‌ها از راه تحقیق به‌دست نیامده و فرایند توسعه را طی نکرده بودند. این امر ناشی از آن بود که برای این نوع قضاوت‌ها ارزش زیادی قائل نبودند. علت دیگر، تفاوت هدف‌های بسته‌های برنامه‌ی درسی نسبت به یکدیگر بود؛ به‌خصوص آن‌هایی که برای امور خدماتی طراحی شده بودند، مانند بسته‌ی برنامه‌ی درسی که به‌عنوان منابع یادگیری یا خزانه‌ی فعالیت‌های یادگیری توسط معلم به‌کار گرفته می‌شد.

در حال حاضر، اگرچه تعدادی از بسته‌های آموزشی با توجه به میزان اثربخشی آن‌ها ارائه می‌شوند، ولی به‌علت فقدان اطلاعات قابل دستیابی برای ارزیابی کیفیت آن‌ها، این سؤال مطرح می‌شود که تحت چه شرایطی بسته‌های برنامه‌ی

درسی باید به‌کار گرفته شوند؟ بسته‌هایی که در سطح عالی سازمان‌دهی شده‌اند، کمتر به کمک معلمان نیازمند هستند و درصددند تا بتوانند مؤثرتر واقع شوند؛ به‌ویژه وقتی که محتمل است، حوزه‌ی محتوا برای معلمان ناشناخته باشد، یا وقتی که احتمال مشارکت معلمان ضعیف است، یا زمانی که دسترسی به آموزش معلمان جدی نیست، یا وقتی که به رعایت تفاوت‌های فردی در آموزش نیاز وجود دارد تا دانش‌آموزان با موفقیت پیش روند و یا وقتی که به موادی احتیاج است که به‌عنوان منابع آموزش فرایندها و پژوهش‌ها در نظر گرفته شوند.

در هر حال، این نکته باید مورد توجه قرار گیرد که از مجموعه‌های آموزشی مرکب از معلمان و دانش‌آموزان که دارای زمینه‌ی کافی برای آموزش هستند، باید مراقبت شود. برای مثال، دوره‌های خواندن و درک مطلب برای دانش‌آموزان، از موضوعات درسی است که باید آموزش آن‌ها به‌عهده‌ی معلمان مسلط باشد. در چنین مواردی، مؤسسات (دولتی و خصوصی) آموزشی محلی می‌توانند کمک‌هایشان را برای سودمند کردن بسته‌های برنامه‌ی درسی، به‌همراه مستندات کافی ارائه دهند. آینده‌ی بسته‌های آموزشی بدون شک با فناوری‌هایی که در آینده کشف خواهند شد، ارتباط نزدیک دارد. به‌ویژه با رایانه‌های شخصی، بسته‌های برنامه‌ی درسی غالباً به‌سمت هدف‌های آموزشی هدایت و بر اساس دانش تعلیم‌و تربیت پی‌ریزی می‌شوند. حفظ این ارتباط و تداوم آن در شرایط رشد سریع ابزارها و سرعت پیشرفت فناوری‌ها لازم و ضروری است. علاوه بر این، باید ارتباط بسته‌ها با روند یادگیری دانش‌آموزان نیز حفظ شود.

منبع

International Encyclopedia of curriculum (Aridh Lowy), 1996.



آخرین مطالب

- ایجاد شعبانیه بر تمام شعبیان جهان مبارک باد
- خدا حافظ
- من بیکه نمی خواهم بزرگ بشم
- مبار عشقی معلمی چه قدر است
- مخشمنندان قربا
- من به خیالت می گردم بازی های خوب کودکان
- حاجی فیروزه سالن یک روزه
- "خراج شد" و هیچ کس نخوردش...
- مدرسه ی زیبای ما سالمه و هفت قانون طلایی آن

من بیکه نمی خواهم بزرگ بشم

می بینی آغوش خدا چقدر آرامش بخشه

گاف
شا
یا
عین
صاد

دگر رحمت رنگ عبده زکریا
از نادگی ربه نداء خفیا

بابا بزرگ میگو: بزرگ شدم ، من گفتم : چرا بزرگ شدم ؟ میگو : چون مامنتو بزرگ کردم ، خاله تو بزرگ کردم ، طی تو بزرگ کردم ... من گفتم : آگه مامان من رو بزرگ کنه بزرگ میشه ؟ **بابا بزرگ** گفت

درباره وبلاگ

دل را آستانه ایست
که نقش دل آید که اوست
و چه خوشبخت که بر آستانه دل
تنها تو باشی
رنگ به رنگ
شبه نور!

آموزگار پایه چهارم جستان منطقه 3 تهران هستم.
رشته ی تحصیلی من کارشناسی آموزش و پرورش است.
و متاهل می باشم. 27 سال سابقه ی تدریس دارم.

مهر اعظم سنجری

دبستان هیئت امنایی سلمه، منطقه ی سه تهران

www.class-4.blogfa.com

Search

اشاره

امروزه آموزگاران به اهمیت ارتباطات و نقش رسانه ها در آموزش پی برده اند. از آنجا که برنامه های درسی پیشرو نیز بر این امر صحنه می گذارد، آموزگاران می دانند که با کاربرد رسانه های آموزشی در کلاس به موفقیتی فراتر از دیگر همکارانی می رسند که از این ابزارها دورند. مجله ی رشد آموزش ابتدایی با هدف آگاهی از نظرات تعدادی از آموزگاران که در آموزش به این سمت و سوری آورده اند با چند نفر از وبلاگ نویسان به ویژه در پایه ی چهارم ابتدایی ارتباط ایجاد کرده تا از نظر آن هادر باره ی وضعیت و محتوای کتاب های درسی پایه ی چهارم از سال ۹۳-۹۲ و دیگر پایه های هم سوسوده با برنامه ی درسی ملی هم چون پایه ی اول، دوم، سوم و حتی ششم آگاهی یافته و آن را به نظر مخاطبان گرامی برسانند.

سه پایه ی اول و دوم و سوم را بازبینی و بررسی کرده ام؛ مطالب متنوع تر شده و تغییرات آن، بر اساس علایق بچه ها، ستودنی است اما مطالب حجیم شده است! که برای پایه های پایین تر، با در نظر گرفتن زمان کم، سنگین است. به همین دلیل، معلمان پایه های پایین تر از این کمبود وقت ناراحت اند. زیرا یک روز دانش آموزان به

متأسفانه نحوه ی تغییرات ما همیشه به گونه ای بوده است که به جای بازسازی، گزینه ی تخریب و دوباره سازی را انتخاب کرده ایم. کتاب های چهارم نقص هایی داشت که این نواقص با تغییرات پایه های اول، دوم و سوم تبدیل به یک اصل شد و بنابراین می بایست کتاب ها تغییر می کردند. من کتاب های ریاضی



در پایه‌های پایین‌تر هم گنجانده شوند، در پایه‌های بالاتر، قابل بسط و گسترش‌اند و در هر پایه سیر تکاملی خواهند داشت.

در درس جغرافیا مطالب مناسبی گنجانده شده است. فقط در بعضی از دروس مانند «ناهمواری‌ها» و «نحوه‌ی زندگی در مناطق آب‌وهوایی»، کلی‌گویی شده که بهتر است کمی گسترده شود.

در تاریخ هم به همین منوال که پروژه‌های آموزشی معلمان گرامی و دانش‌آموزان علاقه‌مند سعی در برطرف کردن کمبودهای این دروس دارند. افراد شایسته در هر برهه از تاریخ می‌توانستند برای فرزندان ما الگو باشند ولی متأسفانه جای این افراد در کتاب تاریخ چهارم خالی است!

اما درباره‌ی درس هنر؛ به‌نظر من هنر ظرف زیبایی محتوای آموزش است و باید در لایه‌لای تدریس معلم گنجانده شود. هنر باید در خط، نقاشی، گفتار، نمایش و شخصیت معلم شکل گیرد. این مطلب، اهمیت گفتار شهید رجایی را می‌رساند که «معلم باید یک هنرمند باشد». دانش‌آموز بیشترین اثر را از شخصیت (خط و گفتار و رفتار و...) معلم پایه می‌گیرد.

درس مطالعات اجتماعی؛ این درس باید به‌صورت عملی تدریس شود، مخصوصاً مدنی. باید دانش‌آموزان را به عنوان شهروندان بین‌المللی تربیت کنیم. شهروندانی که برخورداری از ادب و تربیت اسلامی آن‌ها را الگوی برجسته‌ای برای سایر ملل کند. در درس مدنی آزمون‌های عملکردی باید افزایش یابند و بعضی از اردوهای دانش‌آموزی باید براساس این هدف طراحی و اجرا شوند.

و در نهایت، نقش ما آموزگاران در امر آموزش بسیار خطیر است. نقشی که بر نسل‌های آینده اثرگذار است. از خدای بزرگ، بالاترین پرورش‌دهنده‌ی هستی همواره در این امر یاری می‌طلبیم. باشد که موجبات خشنودی او را فراهم آوریم.

ژیمناستیک می‌روند، یک روز به شنا، یک روز ورزش، یک روز جشن و اردو و... بنابراین، حجم کتاب با زمان در نظر گرفته شده برای آموزش نامتناسب است.

در کشورهای پیشرفته می‌بینیم که حجم مطالب کم است ولی به روش پروژه‌محور و در واقع پژوهشی آموزش داده می‌شود. شاید شما بفرمایید که با تغییر ارزش‌یابی در ایران ما هم به این سمت حرکت می‌کنیم. بله، این موضوع به شرطی ما را به هدف نزدیک‌تر می‌کند که تعداد دانش‌آموزان هر کلاس ما از پانزده نفر تجاوز نمی‌کرد یا وقت بیشتری برای اجرای این تغییرات داشتیم و از همه مهم‌تر اولیا را با نحوه‌ی ارزش‌یابی عملکردی و توصیفی به‌طور کامل آشنا می‌کردیم. بعضی از اولیا و معلمان به علت ناآگاهی هنوز هم به روش سنتی اعتقاد دارند. پس باید در جهت اصلاح چنین باورهایی بیشتر کار کنیم و بر این اساس، نیاز به دوره‌های آموزشی مناسب به شدت احساس می‌شود.

با تمام این مسائل ما آموزگاران سعی خود را برای بهبود آموزش خواهیم کرد و با برنامه‌ی درسی ملی و سند تحول بنیادین در سال ۱۳۹۳ همراه هستیم.

در کتاب‌های چهارم

ریاضی، مباحث (خط و اجزاء آن و ایفای نقش‌های خط در موضوعات مختلف و متوازی‌الاضلاع‌ها و چهار عمل اصلی در حیطه‌های حل مسئله و مساحت و محیط) مطالب بسیار اساسی هستند و باید گسترده‌تر شود. زیرا اصل مبانی هندسه در پایه‌های بالاتر بر این مفاهیم استوار است. مباحث مساحت و محیط کم‌اهمیت نیستند بلکه مسیری از آموزش و هسته‌ی اصلی مطالب پایه‌های بالاتر هستند و باید دانش‌آموزان در مقطع ابتدایی در این زمینه به حیطه‌ی عملکردی و کاربردی برسند.

البته من به ریاضی ششم اشراف دارم و مطمئنم که در صورت تغییر کتب چهارم و پنجم آموزش ششم بسیار روان و مسیر هموارتر می‌شود. سال اول، آموزش در پایه‌ی ششم بسیار دشوار بود؛ زیرا پایه‌های پایین‌تر متناسب با آن تغییر نیافته بود ولی به یاری خدا با این تغییرات، روند کاملی شکل می‌گیرد.

در علوم، مباحث گیاهان موجودات پرارزش، مخلوط و محلول، آینه‌ها و الکتریسیته حائز اهمیت‌اند. اگر این مباحث





یا سلام ... ورود شما را به وبلاگ شکوفه های چهارم/یک خوش آمد میگویم ... برای مشاهده کامل مطالب از آرشیو مطالب وبلاگ استفاده کنید.

آخرین مطالب

- خوش آمد گویی
- ميلاد حضرت فاطمه زهرا (س) مبارک
- تمنیه سوالات آزمون های تیرماه پايه پنجم ابتدایی(کلام چی)
- هنر معلمی
- روز من گلک کمن تا برایت از فردوسی بگویم
- پیام میلاد یازدهمین امام
- رشد و زیبایی
- صفحه خوبی امروز
- نامه گرافام اینکمن به معلم

خوش آمد گویی

تاریخ : پنجشنبه دوم خرداد ۱۳۹۲ | ۱۲:۱۲ | نویسنده : تیریزک

به وبلاگ شکوفه های چهارم یک خوش آمدید

به علت بروز یکن سایت از صفحات دیگر نیز دیدن فرمایید

درباره وب

با عرض سلام و آرزوی توفیق برای تمامی همکاران گرامی به خصوص آموزگاران دلسوز مقطع ابتدایی،اینجانب تیریزک آموزگار پایه چهارم دبستان دخترانه شهید معتمدی با ایجاد این

شکوفه تیریزی

www.tabrizi4yek.blogfa.com

Search

زمینه‌ی تولید علم تدارک دیده شود

سعدی، مولوی، حافظ و... و هم‌چنین بزرگانی مانند امام خمینی (ره) و شهدا. اجتماعی؛ معرفی مدرسه، مسجد، نماز جماعت، نظم و... خوب است و علاوه بر آن، احترام به مقدسات و موضوعات گوناگون اضافه شود. ریاضی؛ از نظر کمی تعداد صفحات زیاد است اما از نظر کیفیت خوب است و با توجه به آن مطالب کم شود. هنر؛ بهتر است به‌صورت سرفصل در اول

ریاضیات هم باید برای تثبیت آموخته‌ها با توجه به سن دانش‌آموزان مفاهیم در سطح بالاتری قرار گیرند. حسینی؛ فارسی؛ قسمت‌های خاطره‌ساز مانند شعرهایی که انسان‌ها در هنگام تنهایی برای خودشان زمزمه می‌کنند و معلوم است که در سینه‌ها جای گرفته‌اند، برای مثال، شعر باز باران با ترانه و رنج و گنج. قسمت‌های ملی - میهنی و معرفی چهره‌های ماندگار ادبیات فارسی مانند

رشد: به‌نظر شما در کتاب‌های فارسی، مطالعات اجتماعی، علوم، ریاضی، هنر و دیگر درس‌های پایه‌ی چهارم کدام بخش‌ها مناسب و اساسی هستند و باید بمانند؟ چرا؟
تیریزی: با توجه به اینکه ابتدا باید شناخت را از خود شروع کنیم و سپس به شناخت دیگران بپردازیم، درس جغرافیا لازم و ضروری است ولی بیشتر مباحث علوم در پایه‌ی دوم و سوم تدریس شده و تکراری است. در مورد

سال و یا به صورت ماهانه هر پایه با پایه‌ی دیگر جداگانه در اختیار آموزگار قرار گیرد و انتخاب و آموزش به خود معلم واگذار شود. علوم؛ آزمایشگاه‌ها در مدارس مظلوم واقع شده‌اند، در صورتی که فکری برای این آزمایشگاه‌ها شود، آموزش بسیار مفیدتر و یادگیری آسان‌تر خواهد بود.

رشد: اگر شیوه‌ی خاصی برای تدریس بخش‌های اساسی دارید، به اختصار بیان کنید.

تبریزی: از الگوی تدریس طرح‌های شبکه‌ای بسیار استفاده می‌کنم. مراحل این الگو عبارت‌اند از:

۱. استخراج نکته‌های کلیدی
 - روخوانی درس به صورت فردی یا گروهی
 - توجه به عناوین، نکته‌های کلیدی و مفاهیم مهم درس
 - یادداشت‌برداری
۲. تشخیص مفاهیم اصلی و فرعی
 - تصمیم‌گیری درباره‌ی مدل نقشه
 - تعیین تعداد شاخه‌های اصلی و فرعی
 - اگر دانش‌آموزان را کم‌کم با انواع طرح‌های شبکه‌ای آشنا کنیم، آن‌ها خود بهترین طرح را انتخاب خواهند کرد.
۳. رسم نقشه‌ی مفهومی و تکمیل آن
 - نوشتن مفاهیم اصلی و فرعی داخل نقشه
 - استفاده از رنگ، شکل و... برای جدا کردن شاخه‌های اصلی و فرعی از یکدیگر
۴. ارزش‌یابی
 - بررسی نقشه‌های مفهومی دانش‌آموزان
 - بحث و گفت‌وگو درباره‌ی اصلاح نقشه‌ها
 - ارائه‌ی یک سؤال به صورت نقشه‌ی مفهومی از درس توسط معلم

اگر کار به صورت گروهی است، به نماینده‌ی هر گروه فرصت می‌دهم تا نقشه‌ی گروه را روی تخته بکشد. اگر کار انفرادی است، از بین نمونه‌های مشابه چند تا را برای بررسی انتخاب می‌کنم. از این روش نیز در بیشتر دروس استفاده‌ی زیادی برده‌ام و از این روش رضایت کامل دارم. روش دوم الگوی مقایسه‌ای یا بدیعه‌پردازی است. هدف این الگو افزایش تفکر خلاق در

فرد و گروه است. هنگام استفاده از این الگو ناچاریم عمداً تفکر منطقی را کنار بگذاریم و قدری در دنیای خیال سیر کنیم. فراموش نکنیم که در دنیای امروز خلاقیت حرف اول را می‌زند و تفاوت آدم‌ها در استفاده از همین نیروی عظیم خدادادی است. در این الگو خلاقیت با استفاده از شبیه‌سازی و انواع قیاس به جریانی آگاهانه تبدیل می‌شود. مقایسه‌ی یک مفهوم با یک مفهوم دیگر و شبیه کردن آن با موضوعات آشنا برای بیان واقعیت‌های موجود مراحل اصلی الگوی بدیعه‌پردازی است که بنیان‌گذار آن **ویلیام گوردون** است.

برای تدریس تقسیم‌های چندرقمی در یک‌رقمی و دورقمی سعی می‌کنم آن‌ها را به زندگی روزانه ربط دهم. برای مثال، وقتی مهمان به منزل شما می‌آید چگونه پذیرایی می‌کنید؟ اگر میزبانی به عهده‌ی یک نفر باشد، یک نفر یک نفر پذیرایی انجام می‌شود و اگر دو نفری میزبانی کنید، مهمان‌ها دو نفر

باید بیشتر نقش راهنمایی و رهبری داشته باشد. در زمان تحصیل ما، معلمان بیشتر متکلم و حده بودند اما با توجه به پیشرفت علم و تکنولوژی روز به روز شرایط و دانش تغییر می‌کند و معلم هم باید به روز باشد. اگر آموزگار سعی و کوشش نکند، دانش‌آموزانش از وی سبقت خواهند گرفت (همکاری دارم که حدود بیست سال تلویزیون دارد و هنوز قادر به ویرایش کانال تلویزیونش نیست). معلم و دانش‌آموزان با داشتن امکانات نه تنها در کلاس، بلکه در خانه و در هر جایی که باشند می‌توانند با یکدیگر ارتباط داشته باشند. استفاده از برخی امکانات آموزشی مانند تلویزیون، مثال اینکه درس تاریخ در مورد پیامبران حضرت نوح (ع)، حضرت موسی (ع)، حضرت ابراهیم (ع) و... است می‌توانیم از سریال‌هایی مانند حضرت یوسف (ع) و... استفاده کنیم و سؤالاتی از آن‌ها برای دقت در یادگیری سرگذشت انبیا

ردیف	عنوان درس	صفحه	مهارت
۱	سوره تغابن، آیات ۶-۱	۹	خوشن‌داری - واحد کار تقوا
۲	سوره آل عمران، آیات ۱۰۲-۱۰۵	۲۹	خوشن‌داری - واحد کار تقوا
۳	پیام قرآنی درس ۶	۲۷	مدیریت هیجانات - واحد کار صبر
۴	سوره بقره، آیات ۲۵۳-۲۵۶	۵۸	ارتباط با خدا - اخلاص
۵	درس ۱۲ قصه آیه‌ها - حضرت زکریا و یحیی	۷۷-۷۸	خوشن‌داری - تقوا
۶	سوره هود، آیات ۱۰۹-۱۱۷	۶۴	مدیریت هیجانات - واحد کار صبر

برای بچه‌ها مطرح کنیم یا برای مثال لوح فشرده‌ی آموزش قرآن مخصوص هر پایه بسیار در یادگیری آنان تأثیر داشته است و با دادن یک لوح فشرده به هر دانش‌آموز و تکرار و تمرین در خانه، یادگیری بهتر اتفاق می‌افتد.

من معتقدم یک آموزگار موفق کسی نیست که یک روش خاص را بتواند به صورت دقیق اجرا کند و در بقیه‌ی روش‌ها مشکل داشته باشد. آموزگار باید همیشه ترکیبی از روش‌های تدریس را در ذهن خود آماده و قابل ارائه داشته باشد چون هر لحظه از کلاس با لحظه‌ی دیگر فرق دارد و باید توسط معلم پیش‌بینی شود.

دو نفر پذیرایی می‌شوند. به همین ترتیب، اگر مقسوم‌علیه یک‌رقمی باشد، یک رقم یک رقم پذیرایی انجام می‌شود، ولی اگر مهمان خردسال باشد، به همراه بزرگ‌تر دو نفری پذیرایی می‌شوند.

از ارتباط افقی درس‌ها نیز بسیار بهره گرفته‌ام به گونه‌ای که فرصت یادگیری برای مفاهیم مشترک بسیار شده است و مفهوم؛ قابلیت فراگیری بیشتر و تثبیت یادگیری بهتر انجام می‌شود. در جدول ۱ به این ارتباط اشاره می‌کنیم. **حسینی:** بنده بسیار به تکنولوژی آموزشی اعتقاد دارم؛ چون یکی از نوآوری‌های آموزشی به حساب می‌آید و نظرم این است که معلم

رشد: در ارتباط با تغییرات کتاب‌های درسی، به‌ویژه در پایه‌ی چهارم توضیح چه نکاتی را لازم می‌دانید؟

تبریزی: به‌نظر می‌رسد که گروه‌های مختلف مؤلفان کار تألیف کتب پایه‌ی سوم را برعهده داشته‌اند. برای مثال، در علوم هر فصل از لحاظ ادبیات و چینش محتوایی به‌گونه‌ای است که یک‌پارچگی‌اش زیر سؤال می‌رود. در واقع، مؤلفان بخش‌های مختلف با هم هماهنگ نشده‌اند و این باعث اختلاف نگارشی در کتاب درسی شده است یا با توجه به اهمیت درس «بخوانیم»، که مادر همه‌ی دروس خواندن و درک مطلب است، به‌نظر می‌رسد رسالتش را به‌خوبی انجام نداده و در ریاضی پایه‌ی دوم خواندن همراه با درک مطلب کار شده است. بنابراین، لازم است گروه‌های کاری مؤلفان با هم تعامل داشته باشند و یک‌پارچگی و انتظام بیشتری به بخش‌های مختلف کتب درسی تازه تألیف بدهند. سن دانش‌آموزان و جنسیت و جغرافیای محلی را در کتب لحاظ کنند و بومی‌سازی فراموش نشود.

حسینی: ۱. اکثر یادگیری‌ها با تجربه شروع می‌شوند. بازخورد اطلاعاتی که از تجربه به‌دست می‌آید در ذهن تجزیه و تحلیل می‌شود و به اتخاذ تصمیم در مورد اطلاعات کسب شده و باورها و نگرش‌های مرتبط با آن می‌انجامد. سپس اطلاعات سازمان‌دهی می‌شود و در حافظه باقی می‌ماند. پس بهتر است مطالب ارائه شده بیشتر عینی و ملموس باشد نه ذهنی.

۲. مطالب یادآور و یادآوری‌کننده‌ی موقعیت‌های گوناگون که نمونه‌های مختلف در اجتماع داشته باشد مانند مسافرت‌ها، ولادت‌ها، عروسی‌ها، شهادت‌ها و حتی درگذشت افراد مهم...

۳. بیان فعالیت‌های آموزشی منسجم و منطقی سلسله‌وار و وابسته هم‌چون گذشته و کم‌کم در پایه‌های بعد گسترش دادن مطالب (هم‌چون سال‌های جاری) که مطالب قبلی مانند پایه و سکوی برای قرار گرفتن مطالب بعدی باشد.

۴. از دست‌آوردهای گوناگون فناوری مانند ماشین حساب، رایانه و... استفاده شود.

۵. برای نمونه و به‌صورت آزمایشی یکی از درس‌ها به‌صورت سرفصل و موضوعات گوناگون در اختیار آموزگاران قرار داده شود تا معلم با مطالعه و تحقیق از چندین کتاب تدریس کند و این موضوع در پایه‌های بعد نیز ادامه یابد. تولیدات محتوای آموزشی که اکنون چند درصد به عهده‌ی معلم گذاشته شده است در کتاب‌های درسی فارسی با وجود صفحات سفید برای بحث آزاد به چشم می‌خورد.



رشد: از سند تحول بنیادین و برنامه‌ی درسی ملی چه می‌دانید و در ارتباط با تدریس خود کدام مفاد آن‌ها را به کار می‌برید؟

تبریزی: هرکس، مرد یا زن، عمل صالح انجام دهد و مؤمن باشد، قطعاً به «حیات طیبه» زنده‌اش می‌داریم و... (نحل / ۹۷). در سند تحول بنیادین، هدف، حیات طیبه در نظر گرفته شده است و این یکی از مفاهیم زیبای قرآن کریم است. حیات طیبه یعنی زندگی پاک، حیات طیبه ویژگی‌های متفاوتی دارد که توازن و اعتدال از همه‌ی آن‌ها مهم‌تر است. فردی که حیات طیبه دارد انسان معتدلی است. یعنی تلاش می‌کند همه‌ی استعدادهای خود را به‌طور همه‌جانبه رشد دهد. در سند تحول بنیادین بر فعالیت‌های پرورشی، تربیتی و رفتاری دانش‌آموز تأکید ویژه‌ای شده است. ما برای اجرای کامل تمام برنامه‌ها به کار سنگین،

طاقت‌فرسا و بلندمدت نیاز داریم. تربیت

یک‌پارچه‌ی عقلی، ایمانی، علمی، عملی و اخلاقی دانش‌آموزان به‌گونه‌ای که بتوانند موقعیت خود را نسبت به چهار عرصه‌ی، خود، خدا، دیگر انسان‌ها (خلق) و نظام خلقت به‌درستی درک و توانایی اصلاح مستمر موقعیت فردی و اجتماعی خویش را کسب کنند. انتظار می‌رود دانش‌آموزان طی دوره‌ی تحصیلات مدرسه‌ای در مجموعه عناصر پنج‌گانه‌ی الگوی هدف‌گذاری، به مرتبه‌ای از شایستگی‌های پایه دست یابند. این شایستگی‌ها بیان تفصیل‌یافته‌ای از هدف کلی برنامه‌های درسی و تربیتی است. راهبردهای یاددهی - یادگیری باید بتوانند بستر لازم برای تحقق اهداف برنامه‌ی درسی و تربیتی را در راستای شکوفایی فطرت و دستیابی به مراتبی از حیات طیبه تدارک ببینند. در تدریس سعی من بر این است که امکان درک و تفسیر پدیده‌ها، وقایع و روابط را در موقعیت‌های واقعی زندگی فراهم آورم؛ به‌گونه‌ای که شرایط برای درک مسائل در موقعیت‌های مختلف و تصمیم‌گیری در مورد آن‌ها به‌وجود آید. برای مثال، در عددنویسی اعداد پلاک خودروها، اعداد مصرف انرژی برق، برای اندازه‌گیری وسایل منزل و جمع و تفریق اعداد، محاسبه‌ی لیست خرید روزانه و تکالیفی نظیر این‌ها در نظر گرفته می‌شود.

با استفاده از تدریس به شیوه‌ی کاوشگری و حل مسئله، انگیزه‌ی دانش‌آموزان را از طریق کاوشگری در تلاش مداوم برای یافتن پاسخ پرسش‌هایی درباره‌ی پدیده‌ها، وقایع و روابط آن‌ها شکوفا و تقویت می‌کنیم.

امکان درک و تفسیر قوانین کلی حاکم بر هستی و رابطه‌های علت و معلولی یا وابستگی پدیده‌ها را همراه با افزایش بصیرت در دانش‌آموزان از طریق توجه دادن به مسائل عینی و در دسترس فراهم می‌کنم. برای مثال، توجه دانش‌آموزان را به این جلب می‌کنم که اگر رشد یا حرکت هر یک از اعضای بدن یکسان بود، چه اتفاقی می‌افتاد. به این ترتیب، تفاوت‌های فردی را به آنان گوشزد می‌کنم.

هر دانش‌آموز سرعت یادگیری خاص خود



زنگواره تا گوردانش ریاضی

صفحه اول
آرشیو
لینکستان
نشان ما

کاربر مهمان، خوش آمدید!
امروز

[طراحی سایت](#)

درباره وب



دوستتون دارم ...
سلام دوستای گلم چشماي خاننن
همنون رو مینوسم و همهای
زیباتون رو بد روی چشمم
میگذارم که وقتتون رو چند
لحظه ای با من میگذرونن.
مدرسه فطحه ای از بهشت است
که خدا به زمین بخشیده است و
معلم دلارچه زلفی است با دل
محبت و بود علم. معلمی هنر
است، معلمی عشقی است الهی
و آسمانی، تا خدا بوده و هست
معلم بوده و هست و همیشه
و همیشه خواهد بود.

کمک به دانش آموزان بی سرپرست

کمک به دانش آموزان بی سرپرست

باسلام و احترام خدمت همه ی دوستان و همکاران و هموطنان گرامی

1- دانش آموزان بی سرپرست را با ذکر نام و نام خانوادگی و نام پدر و نام مدرسه ی محل تحصیل پراچ بفرستید.

2- آخرین محترم هم برای هرگونه کمک به دانش آموزان بی سرپرست اطلاع دهند.

در ضمن نام و نشانی برای هر دو گروه منفی و حرمانه خواهد بود و آخرین محترم فقط پس از تحقیق از وضعیت دانش آموز مستقیماً و بدون واسطه کمک نمایند.

نشانی برای ارسال مشخصات: mahdifilmh@yahoo.com

خداوند بزرگ را شاکرم و مفتخرم که تا کنون با چند نمونه پیوند آخرین محترم و دانش آموزان نیازمند واقعی توانسته ام سهمی هر چند کوچک در این راه داشته باشم.

با تشکر- سید اسماعیل حسینی

برجسب: کمک به دانش آموزان بی سرپرست

سید اسماعیل حسینی

دوشنبه ششم آبان 1392

[آرشیو نظرات](#)

فهرست اصلی

[لینکهای سریع](#)

[صفحه اول](#)

[آرشیو](#)

[ایمیل](#)

[افزودن به لیست](#)

[موضوعات](#)

Site Search

آرشیو مطالب

[هفته دوم اردیبهشت 1393](#)

[هفته چهارم فروردین 1393](#)

[هفته اول فروردین 1393](#)

[هفته چهارم اسفند 1392](#)

[هفته سوم اسفند 1392](#)

[هفته دوم اسفند 1392](#)

[هفته اول اسفند 1392](#)

Search

سید اسماعیل حسینی

آموزگار پایه ی چهارم دبستان رضوان شهر، محمدیه، منطقه ی البرز قزوین

www.yarood5454.blogfa.com

آزمایشگاه هادر مدارس مظلوم واقع شده اند

تفریق آن ها به دلیل اینکه بین روش آموزش راهنمایی (متوسطه ی اول) خلأ وجود داشت، گفته می شد که چگونه عمل می شود تا هنگامی که به آن مقطع رسیدند با تطبیق این همانی بتوانند به درستی عمل کنند.

با استفاده از روش های فعال، خلاق و تعالی بخش و با سازمان دهی نوآورانه و خلاق

پیش نیازها را یادآور می شوم و تجربیات پیشین با یادگیری های جدید را به صورت یک پارچه و معنادار جهت تحقق ظرفیت های وجودی دانش آموزان و توسعه ی شایستگی ها فراهم می کنم. حتی در برخی موارد مطالب آینده را نیز متذکر می شوم. برای مثال، در مبحث کسر ها ساده کردن و جمع و

را دارد. فرصت هایی را فراهم می کنم که هر یک از آن ها لذت یادگیری را تجربه کند و با مرور شایستگی های کسب شده در فواصل زمانی مشخص، اگر نیاز باشد برای تعدیل، بازنگری یا ادامه ی مسیر یادگیری تصمیم بگیرد.

در تدریس موضوعات درسی همیشه



سعی می‌شود که صرفاً به انتقال دانش بسنده نشود بلکه زمینه‌ی تولید علم از سوی دانش‌آموزان با تأکید بر مشارکت آنان در مفهوم، تدارک دیده شود و امکان تعامل مؤثر دانش‌آموزان با معلم، همسالان و انواع محیط‌های یادگیری فراهم آید.

با اینکه در پایه‌ی چهارم کار و فناوری نداریم، زمینه‌ی بهره‌گیری هوشمندانه از فناوری‌های نوین آموزشی را فراهم کرده‌ایم و استفاده از آن‌ها را با نگاه تقویتی و تکمیلی یا توانمندسازی (نه نگاه جایگزینی و واگذاری) دنبال می‌کنیم؛ به گونه‌ای که اکنون دانش‌آموزان در پایه‌های بالاتر نسبت به همکلاسی‌هایشان توانمندتر به نظر می‌رسند.

حسینی: سند تحول بنیادین هدف‌های کلان و بزرگ نظام آموزش و پرورش را مشخص می‌کند و این اهداف خود زیرمجموعه‌های دیگری دارد. در این زمینه به سه مورد نظام تربیت معلم، نظام توسعه و تحقیقات، نظام مدیریت فضا و امکانات و نیروی انسانی که هر کدام از این موارد در جای خود مهم است، توجه شود.

هدف‌های کلانی را که برنامه‌ی درسی ملی دنبال می‌کند در سند تحول و نظریه‌ی اسلامی تعلیم و تربیت مطرح شده است و آن هدف کلان و آرمانی هم رسیدن به حیات طیبه است. تعلیم و تربیت گذشته، بر اساس نظریه‌ی غیراسلامی بود اما در برنامه‌ی درسی ملی جدید هدف حیات طیبه معرفی شده که تربیت شهروندان خوب، یکی از آن‌هاست و هدف اصلی و کلی شکوفا شدن فطرت انسانی است. مانند میل به کمال که فقط در انسان‌ها وجود دارد و فطرت را در پنج بخش تقسیم کرده است که عبارت‌اند از تفکر، ایمان، علم، عمل و اخلاق. نکات پنج مورد بیان شده را در چهار عرصه‌ی ارتباط با خود، ارتباط با دیگران، ارتباط با آفرینش و ارتباط با خداوند می‌توان دسته‌بندی کرد.

در به کارگیری از مطالب بیان شده‌ی فوق اینکه هدف آموزگاران و معلمان از آموزش در کلاس‌ها رساندن شاگردان به وضعیت مطلوب و پرورش بنده‌ای خوب برای خداوند

و فردی موفق در اجتماع و فرزند خوبی برای پدر و مادر است و به نظر من هیچ معلمی نیست که کمال‌گرا نباشد و رشد دانش‌آموزان به سوی تعالی را در نظر نداشته باشد و همان تکالیف گوناگون که به دانش‌آموزان داده می‌شود سعی در به همراه داشتن پنج اصل فطرت که در بالا بیان شد و نکات تربیتی بیان شده و گاه و بیگاه هم نشانه‌ی توجه به اخلاق است که سعی در رعایت آن‌ها در کلاس‌های خود داشته و خواهم داشت.

رشد: در تدریس کتاب‌ها چه مشکلاتی دارید (از نظر زمان، فضا، برنامه‌ی درسی، حجم کتاب، نوع درس‌ها، توجیه اولیا و آموزگاران)؟

تبریزی: مفاهیم بسیار و فرصت کم. البته همان‌طور که در بالا ذکر شد، من با استفاده از ارتباط افقی دروس و ادغام بعضی مطالب آن‌ها که با هم مرتبط بودند، این مشکل را حل کردم. هم‌چنین با تشکیل جلسه‌ی توجیهی برای اولیای دانش‌آموزان و شرح روش تدریس خود با مشکل خاصی مواجه نشدم. البته با گنجاندن بسیاری از مفاهیم درسی علوم و ریاضی پایه‌ی چهارم در کتب پایه‌ی سوم دیگر در این پایه تکرار مکررات خواهد بود و باید مطالب جدیدتری را برای این پایه در نظر گرفت که با سن و سواد دانش‌آموزانمان همخوانی داشته باشد.

حسینی: همه‌ی کتاب‌ها به جز هدیه‌های آسمان و ریاضی بیشتر اهداف در نظر گرفته را راحت و روان در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهد و بچه‌ها آسان‌تر موفق به درک مطالب آن‌ها می‌شوند.

اما درس هدیه‌های آسمان کمی گنگ است و مطالب را با دور زدن و پیچ و تاب فراوان به دانش‌آموزان ارائه می‌دهد و به نظر می‌رسد درک مفاهیم آن کمی مشکل است، در صورتی که مسائل و داستان‌ها را می‌توان با زبان بسیار ساده و زیبا؛ لذت‌بخش و دلپذیر کرد. داستان‌ها و مطالب مختلف برای معرفی ائمه و شناخت آن‌ها کم است و در کل بچه‌ها با چارچوب کتاب مشکل دارند و پایه‌ی دین در بچه‌ها که بنای سال‌های بعد قرار است و بر

آن برپا می‌شود، سست خواهد بود.

در درس ریاضی مطالب بسیار فراوان است، به‌طوری که هنوز مطلب قبل را خوب یاد نگرفته، مطلب جدید با خصوصیات جدید بدون ارتباط با صفحه‌ی قبل بیان می‌شود و به نظر من مطالب کتاب سنگین است و با وقت کمی که وجود دارد به‌خصوص در کلاس‌های پرجمعیت اصلاً نمی‌شود گفت که آیا برای بچه‌ها مفید است یا نه؟ البته از نظر کیفیت به نظر من خوب است.

رشد: به نظر شما دگرگونی کتاب‌های درسی پایه‌ی سوم ابتدایی مناسب یا غیرضروری بوده است؟ چرا؟

تبریزی: از آنجا که کتب درسی پایه‌ی سوم در سال‌های گذشته از بین سطوح مختلف یادگیری بیشتر بر سطح دانشی آن و پربار کردن محفوظات دانش‌آموزان تأکید داشت، با بررسی کتب تازه تألیف به‌وضوح به چشم می‌خورد که سعی شده است در کنار سطح دانشی و فراگیری صرف، سطوح درک و فهم و کاربرد، تجزیه، تحلیل و ترکیب نیز مدنظر قرار گیرد. این به اهداف آموزش و پرورش نزدیک‌تر است و باعث فراگیری عمیق‌تر دانش‌آموزان می‌شود. ولی در کنار این تلاش‌ها در پاره‌ای از کتاب‌ها، تغییرات مناسب نبوده است. مخصوصاً در اجتماعی سال سوم که داستان خانواده‌ی آقای هاشمی از آن سر زبان‌ها افتاده بود. در این داستان، دانش‌آموز با دنیایی از مطالب، آداب و مهارت‌های اجتماعی و مدنی، جغرافیای منطقه، دین و مهارت‌های زندگی و... آشنا می‌شد ولی اجتماعی جدید به بسیاری از امور بدیهی که فراگیرندگان حتی به فراتر از آن واقف‌اند، می‌پردازد و همین، باعث بی‌انگیزه شدن دانش‌آموزان و جدی گرفته نشدن این درس مهم از سوی دانش‌آموزان می‌شود. تقریباً مانند هدیه‌های آسمان سوم در کتب قبلی، که از بس ساده بود، جدی گرفته نمی‌شد ولی حالا با تغییراتی بسیار پخته‌تر، جذاب‌تر و بهتر شده است.

جبران

باور و یقین داشتن دانش آموز به توانمندی‌های خود

تبارک رجبی

آموزگار پایه‌ی چهارم دبستان پسرانه‌ی کوشش، شهرستان خرم‌دره

به درس می‌شد و سؤال‌ها را با سرعت عمل بیشتر، بدون مکث پاسخ می‌داد. به همین دلیل، دانش‌آموزان زنگ کلاس هم به او غبطه می‌خوردند.

یک روز در زنگ ریاضی چند نفر از دانش‌آموزان گروه‌ها را برای انجام تقسیم چندرقمی در دورقمی پای تابلو آوردم.

بعضی از آن‌ها نتوانستند تقسیم را به خوبی انجام دهند اما دانش‌آموز هم‌گروهی من خیلی خوب عملیات تقسیم را انجام داد. او را به‌عنوان جانشین و همیار خود برای پرسش درس‌ها و انجام آزمایش‌های علوم انتخاب کردم؛ کمک او چشمگیر بود. انگیزه‌ی یادگیری به حدی در او قوی شده بود که وقتی یک کلاس تمام می‌شد، در زنگ تفریح درس آن ساعت را برای من تا دم در دفتر توضیح می‌داد. بعد از تعطیل شدن مدرسه تا زمانی که سوار تاکسی می‌شدم، مرا همراهی می‌کرد و در مسیر درس‌های آن روز را تند تند توضیح می‌داد و احساس رضایت می‌کرد.

در پایه‌ی چهارم ابتدایی به‌دلیل ضعیف بودن تعداد بیشتری از دانش‌آموزان در ریاضی تصمیم گرفتم کلاس جبرانی تشکیل دهم. به همین منظور، بعد از پایان کلاس و زنگ مدرسه به مدت هفده جلسه بدون هیچ حق‌الزحمه‌ای این جلسه‌ها را برگزار کردم.

در میان این تعداد دانش‌آموز یکی از آن‌ها در تمام درس‌ها خیلی ضعیف بود و رابطه‌ی خوبی هم با دانش‌آموزان کلاس نداشت. هر وقت در کلاس درس سؤال می‌کردم او فقط سکوت می‌کرد و هیچ عکس‌العملی از خود نشان نمی‌داد. بچه‌های دیگر راضی نمی‌شدند او را در گروه خود بپذیرند و او تنها می‌ماند. بنابراین، به او پیشنهاد دادم: «من و تو یک گروه دو نفره تشکیل می‌دهیم و من یقین دارم که تو درس‌ها را خیلی خوب یاد می‌گیری». او تحت تأثیر توجه من قرار گرفت و به توانمندی‌های خود آگاه شد به‌طوری که از آن پس در هر جلسه بعد از تدریس، اولین دانش‌آموزی بود که داوطلب پاسخ‌گویی

همراهی تا تحقق اهداف برنامه‌ی درسی

مدیر دبستان از کلاس‌های ضمن خدمت محروم نشود

اشاره

در ارتباط با موضوع هم‌سوسازی برنامه‌ها و کتاب‌های درسی با برنامه‌ی درسی ملی با مدیر دبستان امام جواد (ع) نیز گفت‌و‌گویی کوتاه داشتیم. علی‌اصغر فنایی با بیش از ۲۳ سال سابقه‌ی خدمت مدیر این دبستان قدیمی گرمسار است. او سمت‌های مختلف را پشت سر گذاشته و درباره‌ی برنامه‌ی درسی ملی و سند تحول بنیادین می‌گوید: «این اسناد و اجرای آن‌ها از مباحث روز آموزش و پرورش است. مدیران مدارس نیز از دو سال قبل از طریق دوره‌های آموزشی با این اسناد و طرح‌ها آشنا شده‌اند». او که خواهان آموزش بیشتر مدیران مدارس در ارتباط با تغییرات کتاب‌های درسی و برنامه‌ی درسی ملی در راستای هم‌سوسازی است، می‌گوید: «مدیران از آموزش‌های ضمن خدمتی که معلم‌ها می‌بینند به نوعی محروم‌اند. به نظر من شاید این نقص سیستم آموزش و پرورش حساب شود که مدیران نمی‌توانند در این سیستم به نوعی آموزش ببینند در صورت وجود این آموزش. بحث نظارتی که اکنون در مدارس در حال اجراست، به نحو احسن انجام خواهد شد».



به نظر شما مزایا و معایب این طرح‌ها و مشکلات یا نتایج اجرای آن‌ها چیست؟

با توجه به مشکلاتی که هست کار برای معلم ممکن است سخت شود ولی این فرایند کار دانش‌آموز را بسیار تسهیل می‌کند. معلم هر روز باید با درس جدید وارد کلاس شود. برای مثال، اگر این دست‌ورزی‌ها در درس ریاضی وجود نداشته باشد، قطعاً در تدریس مشکل ایجاد می‌شود. رویکردی که هست عملکردی است. هم‌اکنون بحث مهارت، کرامت، آداب و مهارت زندگی مطرح و وارد کتاب‌های درسی شده است. به نظر من بر این اساس از دو سال قبل هم در اخلاق و رفتار بچه‌ها تغییر اساسی ایجاد شده است. الان در مدرسه‌ی ما، بحث فعالیت‌ها و کارهایی هست که در راستای توصیه‌های اسناد بالادستی است. ما نمایشگاهی از فعالیت‌های دست‌ورزی تشکیل دادیم که بچه‌ها خود را باور کنند. ابزار مهم این کار در حال حاضر ساخت و طراحی کاردستی است. انجام دست‌ورزی‌ها از سوی دانش‌آموزان مخصوصاً در پایه‌ی ششم و پایه‌هایی که کتاب‌های آن تغییر کرده مانند اول، دوم و سوم جدی گرفته شده است.

با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های دانش‌آموزی

(به صورت ماهنامه و ده شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شود):

رشد کودک (برای دانش‌آموزان آمادگی و پایه اول دوره آموزش ابتدایی)

رشد نوآموز (برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره آموزش ابتدایی)

رشد دانش‌آموز (برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم، پنجم و ششم دوره آموزش ابتدایی)

مجله‌های دانش‌آموزی

(به صورت ماهنامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شود):

رشد نوجوان (برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه اول)

رشد جوان (برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه دوم)

مجله‌های بزرگسال عمومی

(به صورت ماهنامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شود):

- ♦ رشد آموزش ابتدایی ♦ رشد تکنولوژی آموزشی
- ♦ رشد مدرسه فردا ♦ رشد مدیریت مدرسه ♦ رشد معلم

مجله‌های بزرگسال و دانش‌آموزی تخصصی

(به صورت فصل‌نامه و چهار شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شود):

- ♦ رشد برهان آموزش متوسطه اول (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره متوسطه اول)
- ♦ رشد برهان آموزش متوسطه دوم (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره متوسطه دوم)
- ♦ رشد آموزش قرآن ♦ رشد آموزش معارف اسلامی ♦ رشد آموزش زبان و ادب فارسی ♦ رشد آموزش هنر ♦ رشد آموزش مشاور مدرسه ♦ رشد آموزش تربیت بدنی ♦ رشد آموزش علوم اجتماعی ♦ رشد آموزش تاریخ ♦ رشد آموزش جغرافیا ♦ رشد آموزش زبان ♦ رشد آموزش ریاضی ♦ رشد آموزش فیزیک ♦ رشد آموزش شیمی ♦ رشد آموزش زیست‌شناسی ♦ رشد آموزش زمین‌شناسی ♦ رشد آموزش فنی و حرفه‌ای و کار دانش ♦ رشد آموزش پیش دبستانی

مجله‌های رشد عمومی و تخصصی، برای معلمان، مدیران، مربیان، مشاوران و کارکنان اجرایی مدارس، دانش‌جویان مراکز تربیت معلم و رشته‌های دبیری دانشگاه‌ها و کارشناسان تعلیم و تربیت تهیه و منتشر می‌شود.

♦ نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶، دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی.

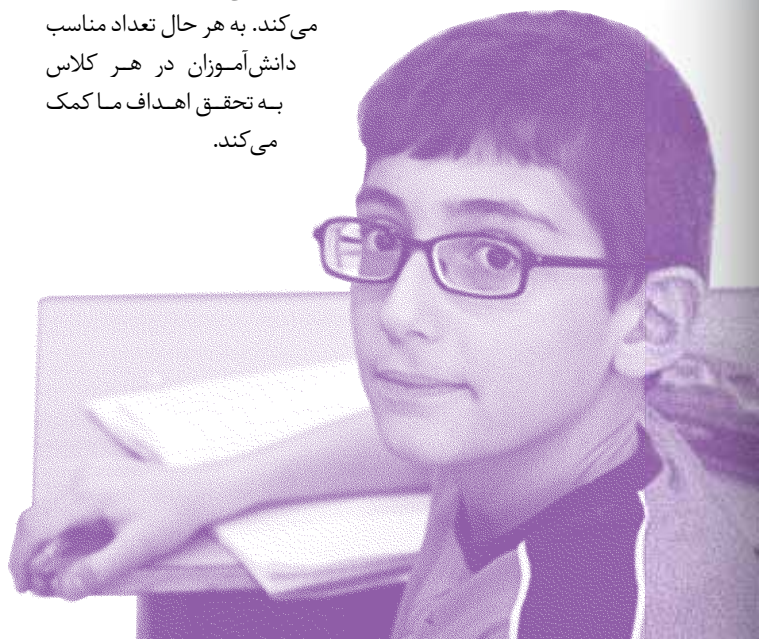
♦ تلفن و نمابر: ۸۸۳۰۱۴۷۸ - ۲۰۱

آیا در کتاب‌ها و برنامه‌ی درسی جدید آموزگاران به این سمت می‌روند که از راه‌های مختلف دانش‌آموزان را با تفکر و تعقل به حل مسئله سوق بدهند و به پاسخ برسند و دیگر متکلم وحده نباشند؟

درست است. امروز معلم نمی‌تواند به راحتی از کنار این قضیه بگذرد. شاید قبلاً معلم متکلم وحده بود و مفاهیم انتقال پیدا می‌کرد و دانش‌آموز ممکن بود یاد بگیرد یا نه. در حال حاضر، معلم تدریس خود را مباحثه و مشاهده و با همکاری دانش‌آموز پیش می‌برد.

ما امروز به دو کلاس رفتیم، یک کلاس چند پایه که تعداد دانش‌آموزانش کمتر از ده نفر بود و کلاس پایه‌ی چهارم همین مدرسه که دانش‌آموزان نسبتاً زیادی دارد. آیا این تعداد در فرایند یاددهی - یادگیری اختلال ایجاد نمی‌کند؟

البته با توجه به شرایط و انجام طرح ارزش‌یابی توصیفی، حداکثر دانش‌آموزان بیست نفر اعلام شده است. در حالی که با توجه به سامان‌دهی نیروسانی در آموزش و پرورش عملاً این کار امکان‌پذیر نیست. روستاهایی در شهرستان گرمسار داریم که با سه تا هفت دانش‌آموز کلاس را تشکیل می‌دهند. در این شهرستان با توجه به مشکل فضا اگر نظام دوری اجرا نشود پایه‌های اول، دوم، سوم در یک مدرسه و چهارم و پنجم و ششم در یک مدرسه معنای واقعی آموزش تحقق پیدا می‌کند. به هر حال تعداد مناسب دانش‌آموزان در هر کلاس به تحقق اهداف ما کمک می‌کند.



فلسفه‌ی تربیت و همراهی شما

فلسفه‌ی تربیت و سند تربیتی که با همت صاحب‌نظران حوزه، دانشگاه و آموزش‌وپرورش تهیه شده است، مبتنی بر تجارب تاریخی، دوره‌ی معاصر و برآمده از گفتمان تمدن‌ساز انقلاب اسلامی است و درون خود رویکردها و اصولی مانند اصالت فرهنگ و تربیت، اسلام و معارف آن، اجتهاد ژرف و جامع، گفتمان انقلاب اسلامی، نگاه تمدنی و... دارد. تربیت رسمی نظیر سایر پدیده‌های اجتماعی امری تاریخ‌مند است که باید متناسب با مقتضیات زمان و مکان، تکوین و تحول یابد.

براساس شواهد موجود تاکنون نظام تربیت رسمی و عمومی به‌عنوان بخشی از نظام نوین تربیت رسمی کشور ما، بر فلسفه‌ی مدون و استواری در چارچوب فلسفه‌ی تربیتی بومی و متناسب با نظام فکری و ارزشی اسلام مبتنی نبوده است و به نظر می‌رسد این امر خود از عوامل مهم بروز ناهماهنگی و انسجام‌نیافتگی و ناکارآمدی نظام فعلی تربیت رسمی و عمومی ایران بوده و باعث شده است تا عموم اقدامات اصلاحی و تحول‌جویانه در این نظام به نتایج دل‌خواه نینجامد. از طرفی تربیت رسمی در شکل فعلی آن، نهادی است که با آغاز دوران مدرنیته در جوامع غربی ظهور یافته و لذا یکی از مظاهر تمدن مدرن به‌شمار می‌آید. از این رو برقراری نسبت دقیق و عقلانی بین این نهاد و جوامع اسلامی، مستلزم برقراری نسبتی مستدل بین سنت و مدرنیته است. برقراری این نسبت، چالش مهم جوامع اسلامی از زمان آشنایی با مظاهر تمدن غرب بوده است و در خصوص شکل مواجهه با آن، رویکردهای نظری و علمی متفاوتی در جوامع اسلامی شکل گرفته است.

مقام معظم رهبری در این خصوص در تاریخ ۸۵/۸/۱۸ می‌فرمایند: «حرف اصلی ما امروز این است که نه با توقف در گذشته و سرکوب نوآوری می‌توان به جایی رسید، نه با رهاسازی و هرج و مرج اقتصادی و عقیدتی و فرهنگی می‌توان به جایی رسید». حال در این اندک فرصت و با دقت در این سند و فلسفه‌ی وجودی آن، نظر مخاطبان گرامی را به این نکته جلب می‌کنیم که مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی در سال آینده نیز بر مبنای اسناد برنامه‌ی درسی ملی و مبانی نظری تحول‌بنیادین، سعی در معرفی برنامه‌ی هم‌سوسازی برنامه‌ها و کتاب‌های درسی پایه‌ی پنجم ابتدایی با برنامه‌ی درسی ملی ج.ا.ا دارد و بر همین اساس از هم‌اکنون جویای آرا و نظرات شما فرهیختگان گرامی در آموزش‌وپرورش و دیگر مراکز علمی، فرهنگی و پژوهشی است. لذا کارشناسان، آموزگاران و صاحب‌نظران هم‌چون گذشته می‌توانند از راه‌های ارتباطی موجود با دفتر مجله در تماس باشند.



اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی برگ اشتراک مجله‌های رشد

نحوه اشتراک:

شما می‌توانید پس از واریز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبه سهراب آزمایش کد ۳۹۵، در وجه شرکت افست از دو روش زیر، مشترک مجله شوید:

۱. مراجعه به وبگاه مجلات رشد به نشانی: www.roshdmag.ir و تکمیل برگه اشتراک به همراه ثبت مشخصات فیش واریزی.
۲. ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک با پست سفارشی (کپی فیش را نزد خود نگه‌دارید).

♦ نام مجلات در خواستی:

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

♦ اگر قبلاً مشترک مجله بوده‌اید، شماره اشتراک خود را بنویسید:

.....

امضا:

♦ نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۱۶۵۹۵/۱۱۱

♦ وبگاه مجلات رشد: www.roshdmag.ir

♦ اشتراک مجله: ۱۴-۷۷۳۳۹۷۱۳/۷۷۳۳۵۱۱۰/۷۷۳۳۶۶۵۶/۲۱-۲۰۱۲

♦ هزینه اشتراک یکساله مجلات عمومی (هشت شماره): ۳۰۰/۰۰۰ ریال

♦ هزینه اشتراک یکساله مجلات تخصصی (چهار شماره): ۲۰۰/۰۰۰ ریال